

آموزش گرامر زبان ترکی آذربایجانی

دیک ترم



اورال

x قزاقی

قیرقیزی

ترکمنی

ü

ایغوری

مانجی u

یاقوتی

استانبولی

ازبکی

بوریات

یاقوتی

آلتای

آذری

چاوشی

محمد صادق نانبی

آموزش گرامر زبان ترکی

آموزش گرامر زبان ترکی آذربایجانی
در یک ترم

محمدصادق نائبی

انتشارات پینار

۱۳۸۷

نائبی، محمدصادق، ۱۳۵۲
آموزش گرامر زبان ترکی : آموزش گرامر زبان ترکی آذربایجانی
در یک ترم /محمد صادق نائبی
زنجان : پینار، ۱۳۸۷،
ص ۸۰
۹۷۸-۹۶۴-۲۶۶۸-۵۱-۹

فیبا

کتابنامه : ص . ۷۹

آموزش گرامر زبان ترکی آذربایجانی در یک ترم

زبان ترکی آذربایجانی - دستور

زبان ترکی آذربایجانی - خود آموز

PL ۳۱۲ / ۱۳۸۷

۴۹۴/۳۶۱۵

۱۳۱۳۰۳۰

آموزش گرامر زبان ترکی

محمد صادق نائبی

پینار

سال و نوبت چاپ: اول ، ۱۳۸۷

تیراژ : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۶۸-۵۱-۹

۱۷۰۰ تومان

آدرس : کرج - چهارراه طالقانی - بلوار طالقانی جنوبی - خیابان شهروز - پلاک ۹۰
Email: pinar_1384@yahoo.com

تلفن : ۰۹۱۲۳۴۱۶۱۸۳ - ۰۹۳۵۷۲۸۳۹۲۳ - ۰۲۶۱۲۳۲۸۴۹۶

فهرست مطالب

۴.....	مقدمه
۵.....	درس اول : زبانشناسی(دیل بیلگیسی)
۹.....	درس دوم : آوا شناسی(دیل بیلگیسی)
۱۳.....	درس سوم : قوانین آوائی (سس قایدالاری)
۱۸.....	درس چهارم : بن شناسی(کووک)
۲۲.....	درس پنجم : پیوند(اک)
۲۷.....	درس ششم : فعل (۱) - انواع فعل
۳۱.....	درس هفتم : فعل(۲) - نحو فعل، افعال قیدی و وجوه فعلی
۳۷.....	درس هشتم : فعل (۳) - زمان ماضی
۴۲.....	درس نهم : فعل (۴) - زمان حال و آینده
۴۸.....	درس دهم : اسم
۵۲.....	درس یازدهم : صفت و قید
۵۷.....	درس دوازدهم : ضمیر ، ادات
۶۱.....	درس سیزدهم : عدد در ترکی
۶۵.....	درس چهاردهم : جمله
۶۹.....	درس پانزدهم : تبدیل حروف
۷۳.....	درس شانزدهم : آیین نگارش
۷۷.....	پاسخ به سئوالات درسها
۷۹.....	منابع و مراجع:

مقدمه

حمد و سپاس بیحد و بیعد خدای لایزال را که برای نشان دادن قدرت و عظمت خود ، زبان را آفرید و برای نشان دادن اعجاز ، گونه‌گونی زبانها و گویشها را برای انسان هدیه داد. خدا را سپاسگزاریم که به ما توفیق فراگیری زبان مادری خود را داده است تا در این مجال ، با عظمت و هیبت یکی از اعجازهای خدائی آشنا شویم.

زبان ترکی جزو قانونمندترین زبانهای دنیا بوده و در بسیاری موارد از نظر فرمولهای زبانی خصوصاً قواعد آوائی بر زبان عربی هم رجحان دارد. در کشور عزیزمان ایران ، علاوه بر جمعیت زیاد ترکی زبان علاقه‌مند به فراگیری زبان مادری خود ، هموطنان دیگری نیز هستند که بنا به علاقه درونی یا ضرورت کاری و زندگی دوست دارند این زبان را یاد بگیرند.

ما در طول یک ترم دانشگاهی ، زبان ترکی را فرا می‌گیریم تا درست بنویسیم ، درست بخوانیم و درست بگوئیم. ما می‌خواهیم در کنار زبان محاوره‌ای ، با زبان نوشتاری نیز آشنا شویم و از دریای بیکران و غنی ادبیات مکتوب ترکی بهره‌مند شویم.

برای آموزش لغات اصیل ترکی به علاقمندان ، به سیاق سابق نصاب صادق را سرودم که در آن بصورت شعر ، هزاران لغت ترکی را همراه با معادل فارسی آوردم. در تکمیل این آموزش لازم بود گرامر زبان ترکی آذربایجانی را به علاقمندان تقدیم کنم که ماحصل آن ، کتاب حاضر می‌باشد. در این کتاب در طول یک ترم ۱۶ جلسه‌ای با ساختار زبان ترکی آذربایجانی آشنا می‌شویم تا خود را برای فراگیری ترم تخصصی آماده سازیم. در طول این ترم ، با آوا ، ریشه ، پیوند ، فعل ، زمان ، اسم ، صفت ، قید ، ادات ، ضمیر ، جمله ، عدد و آئین نگارش زبان ترکی آشنا می‌شویم.

برای تدوین این کتاب از منابعی استفاده کردم که در انتهای کتاب آنها را ذکر کرده‌ام اما ناگفته نماند که هر آنچه دارم از پای درس پروفیسور دکتر صدیق در کلاس درس یا پشت میز کتابخانه شخصی ایشان می‌باشد که در طول سالهای متمادی با حوصله و علاقه تمام بطور عمومی یا خصوصی به بنده یاد داده‌اند و اکنون با کسب اجازه از ایشان آنرا به مخاطبان خود انتقال می‌دهم.

درس اول : زبان‌شناسی (دیل بیلگیسی)

درباره زبان

زبان یک پدیده اجتماعی است که به عنوان ابزاری برای مبادله فکر و احساس استفاده می‌گردد. زبان بخاطر زندگی اجتماعی پدید می‌آید حتی اگر این زندگی اجتماعی، دو نفره باشد. بدیهی است زندگی انفرادی و تک نفره نیازی به زبان ندارد.

زبان مانند یک موجود زنده دارای تکامل و پویایی است و از ابتدائی‌ترین اصوات و کلمات شروع شده و در طول قرن‌ها و هزاره‌ها کم‌کم ساختار یک زبان توانمند را به خود می‌گیرد و با تغییر و تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... تکامل می‌یابد. از این رو عده‌ای را اعتقاد بر این است که از روی گستردگی و غنای یک زبان می‌توان قدمت آنرا حدس زد.

هیچ زبانی نه یک شبه خلق می‌شود نه یک شبه فدای زبانهای دیگر می‌شود بلکه به همان آرامی و پویایی که می‌تواند شکل بگیرد و غنی شود، در طول زمانهای طولانی نیز به آرامی می‌تواند منقرض شود. لذا تصور اینکه زبان یک محل در عرض چند دهه کاملاً منقرض شده و جای خود را به زبان یا ترکیبی از زبانهای دیگر داده است، بی‌اساس و غیرعلمی است. زبان‌شناسان، زبانهای موجود دنیا را از نظر ساختاری در سه دسته مستقل بررسی می‌کنند: زبانهای تک هجائی، زبانهای تحلیلی و زبانهای التصاقی.

زبانهای تک هجائی

در این زبانها، کلمات همگی تک هجائی بوده و جملات، ترکیبی از همین تک هجاها هستند. در این زبانها، خبری از پسوند، پیشوند و میانوند نیست و کلمات دارای حالت پذیری نیستند. در واقع تنها حالت پذیری کلمات همان همسایگی با کلمات تک هجائی دیگر می‌باشد. زبانهای چینی، ویتنامی، جاوه، تبت و زبانهای آفریقا نمونه‌ای از زبانهای تک هجائی هستند.

زبانهای تحلیلی

در این گروه از زبانها، ریشه کلمات ممکن است چند هجائی باشد. در این زبانها، از پیوستن پسوند

یا پیشوند به کلمات، کلمات جدیدی بوجود می‌آیند، اما ضمن این ترکیبات، تغییراتی نیز در ساختمان اصلی ریشه بوجود می‌آید. به عبارتی، در این زبانها، ریشه کلمات ثابت نیست و ممکن است به صورتهای دیگر تبدیل گردد، حتی ممکن است صورت اصلی ریشه کاملاً از بین رفته و صورت متفاوتی جایگزین آن گردد. مجموعه زبانهای هند و اروپائی و سامی از این دسته زبانها هستند که بصورت خاص می‌توان به زبانهای فارسی و عربی اشاره نمود. البته میزان این تغییر و تحولات در ریشه کلمات در یک زبان نسبت به زبان دیگر یکسان نیست. مثلاً در زبان فارسی در اثر این ترکیبات، صورت اصلی اسم پایدارتر است ولی ممکن است ریشه اصلی فعل کاملاً تغییر پیدا کند اما در زبان عربی هم اسم دچار تغییر اساسی می‌شود هم فعل. برای مثال از فارسی: دیدن، بین، بینش، دیدار.

زبانهای التصاقی (پیوندی)

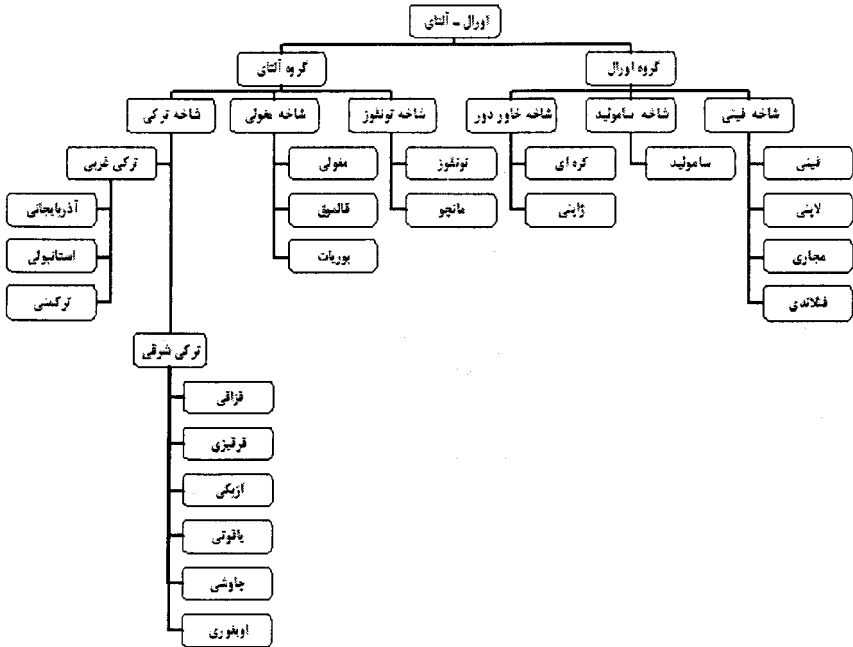
در این گروه از زبانها، ریشه کلمات ممکن است چند هجائی باشد. در این زبانها، پیوند ریشه کلمات با بعضی کلمات که ریشه نیستند، معانی دیگری برای ریشه استخراج می‌کند که این معنا ممکن است بسیار متفاوتتر از معنای ریشه باشد. برای همین داهنه لغات در اینگونه زبانها بسیار گسترده تر می‌گردد. در اینگونه زبانها، ریشه اصلی کلمات دست نخورده می‌ماند و به راحتی قابل استخراج می‌باشد. پیوندها در اینگونه زبانها ممکن است پیشوندی یا پسوندی باشد. مجموعه زبانهای اورال - آلتای و از آن جمله گروه زبان ترکی اعم از آذربایجانی یا غیره، در قالب زبانهای التصاقی و از نوع پسوندی می‌باشند. برای مثال از ترکی: گۆز، گۆزل، گۆزلیم، گۆزلیمین، گۆزلیمنکی، گۆزلیمینکیلر، گۆزلیمینکیلدن، گۆزلیمینکیلدندی ...

تقسیم بندی گروه زبانهای اورال - آلتای

مجموعه زبانهای اورال-آلتای بسیار گسترده و متنوع بوده و از زبان ترکی تا کره‌ای را شامل می‌شوند اما هر کدام از آنها در شاخه‌ها و تقسیم بندی‌های جزئی تر از هم مستقل می‌شوند.

از دسته زبانهای اورال - آلتایی، گروه زبانهای اورال ۲۱ زبان را شامل می‌شوند. قدمت این زبانها ۷ هزار تا ۱۰ هزار سال قبل است و خاستگاه آنها به کوههای اورال برمی‌گردد. منشاء گروه زبانهای آلتایی نیز با قدمت نزدیک به ۹ هزار ساله نیز به کوههای آلتای برمی‌گردد. این گروه زبانی دارای قدمت زیاد و وسعت گسترده است. طوری که متکلمین شاخه ترکی این گروه هم اکنون در ۲۰ کشور بهم چسبیده به نامهای رومانی، لیتوانی، مولداوی، بوسنی‌هرزگوئین، مجارستان، یونان،

بلغارستان، قبرس شمالی، عراق، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، ازبکستان، ترکمنستان، افغانستان و چین غربی به زبان ترکی با گویش‌های مختلف سخن می‌گویند. شاخه مغولی گروه زبانهای آلتایی محصور به افغانستان و قسمتی از ناحیه مغول نشین چین است. شاخه مانچو - تونقوز نیز منحصر به قسمتی از شمال چین و جنوب سیبری است. در نمودار زیر تقسیم بندی مجموعه زبانهای اورال - آلتایی را ملاحظه نمائید:



طبق چارت فوق ، زبان ترکی آذربایجانی در تقسیم بندی زیر می گنجد:

«زبانهای اورال - آلتایی ← گروه زبانهای آلتایی ← شاخه ترکی ← زیرشاخه ترکی غربی ← ترکی آذربایجانی»

مجموعه زبانهای ترکی دارای پایه و ساختار مشترک بوده ولی تفاوتهایی نیز دارند که باعث خلق گویش‌های مختلف شده اند. طبیعی است که اگر زبانی دارای قدمتی به طول تاریخ و وسعتی به اندازه نیمی از جهان باشد ، دارای شاخه‌های بسیار زیاد خواهد بود. اگر یک زبان محلی محصور به یک یا دو کشور دارای دهها گویش بوده و در عرض چند صد سال زیر و رو شده است ، طبیعی

است که زبانی به قدمت و وسعت ترکی چنین تفاوت‌هایی داشته باشد. از جمله زبانهای ترکی کهن می‌توان به زبان سومری‌ها اشاره کرد. نخستین بار زبانشناسی به نام بارتون در سال ۱۹۳۲ زبان سومریان را جزو زبانهای اورال - آلتای و در شاخه ترکی معرفی کرد و به سرعت مورد اقبال زبانشناسان دیگر قرار گرفت. مقایسه چند لغت سومری با ترکی کنونی نشان می‌دهد که بعد از گذشت ۵ هزار سال هنوز لغات آن برای زبانان آشناست:

سومری	آدا	آما	تیر	اره	شوبا	تاق	بیلقا	مه	اوزوق
آذربایجانی	آتا	آنا	دیری	ار	شوبان/چوبان	تاخ	بیلکه	من	اوزوک
معنی	پدر	مادر	زنده	مرد	چوبان	آویختن	علم	من	شناگر

سومری	قاش	ائن	کئن	اؤزوک	توش	اود	اودون	دینقری	اوش
آذربایجانی	قوش	ان	گئن	اؤزون	توش	اود	اودون	تانی	اوج
معنی	پرنده	عالی	گشاد	دراز	افتادن	آتش	هیزم	خدا	سه

تمرین

- دسته بندی زبانهای دنیا را نام ببرید.
- دسته ، گروه و شاخه هر کدام از این زبانها را مشخص کنید: چینی ، ژاپنی ، کره ای ، ترکی آذربایجانی ، عربی ، فارسی ، ترکی استانبولی ، ترکی قرقیزی ، مجاری
- شاخه های مجموعه زبانهای اورال - آلتای را نام ببرید.
- زبانشناسان، زبان سومریان را جزو کدام دسته و گروه و شاخه می دانند؟
- زبان ترکی آذربایجانی با کدامیک از این زبانها هم شاخه است؟ ژاپنی ، مجاری ، قزاقی ، مانچو

درس دوم : آوا شناسی (دیل بیلگیسی)

حروف ترکی

زبان ترکی آذربایجانی ۴۳ حرف دارد. از این حروف تعدادی صدادار و تعدادی بی صدا هستند ، تعدادی اصیل و تعدادی عاریتی‌اند. حروف ترکی آذربایجانی به دو دسته صدادار یا صائت(سلی) و بی صدا یا صامت(سس سیز) تقسیم می شوند. حروف صدادار بدون هیچ مانعی به راحتی قابل ادا هستند اما حروف بی صدا دارای مشکل ادا هستند و برای ادای آنها باید از صائتها کمک بگیریم.

ترکی آذربایجانی دارای ۳۱ صامت زیر است: ب ، پ ، ت ، (ث) ، ج ، چ ، (ح) ، خ ، د ، (ذ) ، ر ، ز ، ژ ، س ، ش ، (ص) ، (ض) ، (ط) ، (ظ) ، (ع) ، غ ، ف ، ق ، ک ، گ ، ل ، م ، ن ، و ، ه ، ی^۱.

ردیف	حرف	اول	وسط	آخر	ردیف	حرف	اول	وسط	آخر	ردیف	حرف	اول	وسط	آخر
۱	ا/آ	ا	ا/ا	ا	۲۹	چ	چ	چ	چ	۱۵	ج	ج	ج	ج
۲	ا/ه	ا	ه/ه	ه	۳۰	ح	ح	ح	ح	۱۶	خ	خ	خ	خ
۳	ای	ای	ای	ای	۳۱	خ	خ	خ	خ	۱۷	ف	ف	ف	ف
۴	ای	ای	ای	ای	۳۲	د	د	د	د	۱۸	ق	ق	ق	ق
۵	ای	ای	ای	ای	۳۳	ذ	ذ	ذ	ذ	۱۹	ک	ک	ک	ک
۶	اؤ	اؤ	و	و	۳۴	ر	ر	ر	ر	۲۰	گ	گ	گ	گ
۷	اؤ	اؤ	ؤ	ؤ	۳۵	ز	ز	ز	ز	۲۱	ل	ل	ل	ل
۸	اؤ	اؤ	ؤ	ؤ	۳۶	ز	ز	ز	ز	۲۲	م	م	م	م
۹	او	او	و	و	۳۷	س	س	س	س	۲۳	ن	ن	ن	ن
۱۰	ب	ب	ب	ب	۳۸	ش	ش	ش	ش	۲۴	و	و	و	و
۱۱	پ	پ	پ	پ	۳۹	ص	ص	ص	ص	۲۵	ه	ه	ه	ه
۱۲	ت	ت	ت	ت	۴۰	ض	ض	ض	ض	۲۶	ی	ی	ی	ی
۱۳	ث	ث	ث	ث		ط	ط	ط	ط	۲۷				
۱۴	ج	ج	ج	ج		ظ	ظ	ظ	ظ	۲۸				

اگر حرفی چه در وسط و چه در انتهای کلمه مستقلاً ظاهر شود ، بصورت ستون نخست که معرف آن حرف است ، نوشته خواهد شد.

زبان ترکی از لحاظ مصوتها(حروف صدادار) ، کاملترین صداها را در میان زبانهای دنیا داراست. زبان ترکی در مقابل شش مصوت کوتاه و بلند عربی و فارسی (ا - ا ، آ - ای - او) دارای نه

^۱ حروف داخل پرانتز صرفاً متعلق به زبان عربی است.

مصوت کوتاه است که اگر کلمات دخیل فارسی و عربی را هم در نظر بگیریم ، در ترکی به دوازده مصوت تکلم می شود. چرا که در ترکی دو نوع صدای «آ» بصورت کوتاه (آلاجاق) و بلند (آرامش) تلفظ می شود. به همین ترتیب برای صداهای «ای» و «او» می توان دو نوع صدای بلند و کوتاه ذکر کرد^۱. در جدول زیر مصوتهای ترکی همراه با کاربردشان در موقعیتهای مختلف کلمه ارائه می شود:

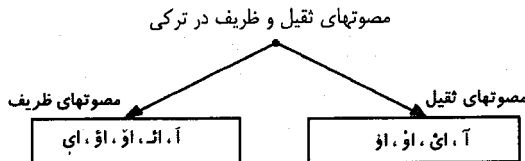
صانت	ابتدا	وسط	انتهای
آ	آز (کم)	یاز (بهار)	سونرا
ا	آل (دست)	درین (عمیق)	دوه (شتر)
ای	ائل (قوم)	گنج (دیر)	-
ای	ایز (اتر)	دیز (زانو)	دیری (زنده)
ای	ایشیق (روشنی)	قیز (دختر)	آری (زنبور)
اؤ	اوتاق (اتاق)	یؤل (راه)	-
اؤ	اؤز (خود)	سؤز (سخن)	-
اؤ	اؤچماق (پیریدن)	قوزوت (کشک)	قوزو (خشک)
او	اوز (صورت)	دوز (صاف)	سورو (گله)

تقسیم بندی مصوتهای ترکی

مصوتهای ترکی نقش بسیار مهم در انسجام ، زیبایی ، واژه سازی ، ترکیب با پیوندها و ... دارند ، طوریکه عده ای را نظر بر این است که زیبایی و شیرینی ترکی به همین قوانین حاکم بر مصوتهاست. مصوتهای ترکی از نقطه نظرهای مختلف به دو گروه تقسیم می شوند که بنا بر همین تقسیم بندی ها نظم و قانون خاصی به کلمات می دهند. این تقسیم بندی ها بدین صورت هستند:

مصوتهای ثقیل (قالین) و ظریف (اینجه):

تمام نه مصوت زبان ترکی از لحاظ تلفظ به یک شدت نیستند. مصوتهای «آ ، ای ، اؤ ، او» که بصورت پر و با شدت ادا می شوند را مصوتهای ثقیل (قالین) می گویند. در مقابل ، پنج مصوت «ا ، اث ، ای ، اؤ ، او» را که بسیار خفیف ادا می گردند ، مصوتهای ظریف (اینجه) می گویند.



^۱ البته در این درس به این سه مورد صدای عاریتی یا دخیل اشاره ای نمی کنیم و تنها به نه صدای مخصوص ترکی بسنده می کنیم.

مصوت‌های غنچه ای (دوداقلانان) و غیر غنچه‌ای (دوداقلانمایان)

مصوت‌های «اؤ، او، او» که هنگام تلفظ آنها لبها بصورت غنچه‌ای بسته می‌شوند، مصوت‌های غنچه‌ای (دوداقلانان) هستند. مصوت‌های «آ، ای، ای، ائ، ائ» نیز که هنگام ادای آنها، دهان باز می‌شود، مصوت‌های غیر غنچه‌ای (دوداقلانمایان) هستند. با ترکیب مصوت‌های غنچه‌ای و غیر غنچه‌ای با مصوت‌های ثقیل و ظریف به این جدول می‌رسیم:

جدول مصوت‌های غنچه‌ای و غیر غنچه‌ای در ترکی

ظریف	ثقیل	
او، او	اؤ، اؤ	غنچه‌ای
ائ، ائ	آ، ای	غیر غنچه‌ای

مصوت‌های باز (آچیق) و تنگ (دار)

هنگام ادای مصوت‌های «آ، آ، ائ، اؤ» فک پائین دهان به سمت پائین رفته و دهان کاملاً باز می‌شود. این مصوت‌ها را باز (آچیق) می‌نامند. هنگام ادای مصوت‌های «ای، ای، او، او» نیز آرواره بسته‌تر شده، دهان با حجم نیمه‌باز آنها را تلفظ می‌کند. این مصوت‌ها را نیز تنگ (دار) گویند.

جدول مصوت‌های باز و تنگ در زبان ترکی

ظریف	ثقیل	
او، اؤ	آ، اؤ	باز
ای، او	ای، اؤ	تنگ

مکعب صائت‌های ترکی

با نگاهی به سه جدول قبلی می‌بینیم که هر کدام از صائت‌های ترکی دارای خصوصیتی مشخص در هر کدام از تقسیمات هستند. لذا می‌توان آنها را در یک نمودار فضایی تحلیل کرد. برای این کار، یک دستگاه مختصات فضائی با سه محور به شرح زیر رسم می‌کنیم:

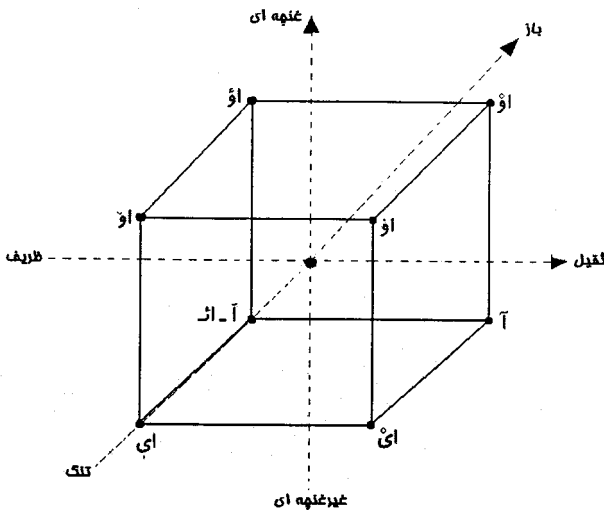
- محور طولی، محور صائت‌های ثقیل (راست) و ظریف (چپ)
- محور قائم، محور صائت‌های غنچه‌ای (بالا) و غیر غنچه‌ای (پائین)
- محور درونی، محور صائت‌های باز (راست - بالا) و تنگ (چپ - پائین)

تک تک صائت‌ها را بررسی می‌کنیم: صدای «آ» از نظر ثقیل - ظریفی، ثقیل است. پس در سمت راست محور طولی قرار دارد. از نظر غنچه‌ای - غیر غنچه‌ای خصوصیت غیر غنچه‌ای را دارد. لذا در

قسمت پائین محور قائم قرار می گیرد. از نظر باز- تنگ بودن نیز باز است. لذا در قسمت راست محور درونی قرار خواهد گرفت. تلاقی این سه نقطه روی گوشه راست - پائین - درون یک مکعب قرار می گیرد (شکل زیر).

مصوت او در همین سه خصوصیت، ظریف - غنچه‌ای - تنگ است. لذا در این مکعب در گوشه چپ - بالا - بیرون قرار می گیرد.

به همین ترتیب موقعیت فضائی تمامی ۹ صائت ترکی را روی مکعب فضائی صائتهای ترکی پیدا می کنیم که بصورت شکل زیر در می آید. مکعب زیر را اگر در ذهن خود تصور کنید، روشی مناسب برای یادگیری صفات آنها خواهد بود.



تمرین

- ۱ - جدول ترکیب مصوتهای غنچه‌ای - غیر غنچه‌ای با مصوتهای باز- تنگ را تشکیل دهید.
- ۲ - کدام مصوتها فقط در ابتدای کلمه می توانند بیایند؟
- ۳ - مصوتهای باز - تنگ چه تعریفی دارند؟
- ۴ - مکعب مصوتهای ترکی را ترسیم کنید.
- ۵ - در میان مصوتهای ترکی کدام دو مصوت از نظر هر سه خصوصیت مشابه هم هستند؟

درس سوّم : قوانین آوایی (سس قایدالاری)

قانون هماهنگی آواها (سس اویغونلوغو)

قانون هماهنگی آواها اساسی ترین عامل ملودیک بودن و ریتمیک بودن زبان ترکی است و آنرا براحتی از دیگر زبانها متمایز می کند ، طوریکه حتی اگر کسی این زبان را بلد نباشد ، می تواند متوجه شود که به زبان ترکی صحبت می شود. هر غیرترکی زبانی با علم به این قانون می تواند بصورت استنتاجی فعل ، اسم ، صفت و ... بسازد.

از این قانون که در اصل دارای یک اصل اساسی است ، چند قانون فرعی نیز بدست می آید که واژه سازی ، ترکیب ریشه با پیوندها و ... براساس این قوانین بدست می آید. این قوانین عبارتند از:

قانون هماهنگی مصوتها (سس اویومو):

همه مصوتهای یک کلمه از نظر ثقیل و ظریف بودن تابع مصوت هجای اول هستند. یعنی اگر مصوت هجای اول ، ثقیل بود ، تمام مصوتهای دیگر آن کلمه یا پیوندهای آن ، ثقیل خواهند بود و اگر مصوت هجای اول ، ظریف باشد ، دیگر مصوتها نیز ظریف خواهند بود.

برای نمونه در ترکی یارا (زخم) درست است یا یاره؟ چون مصوت هجای اول (یا) بصورت ثقیل (آ) است ، پس مصوتهای دیگر هم که در ادامه خواهند آمد ، ثقیل خواهند بود. پس یارا صحیح است. از طرفی اگر پیوندهای دیگری به آن اضافه شوند ، به همین صورت ثقیل خواهند بود. لذا یارالا (زخمی کن) صحیح است و به همین ترتیب: یارالاندی ، یارالاندیردی ، یارالاندیردیلار.

حال اگر مصوت هجای اول ظریف باشد ، مانند «اف» در ائشیک ، تمام مصوتهای بعدی ظریف خواهند آمد: ائشیکده ، ائشیکده کی ، ائشیکده کیلر ، ائشیکده کیلرین ، ائشیکده کیلرینکی و ...

لذا همانطور که یاره اشتباه است ، ائشیکدا یا ائشیکداکیلار! هم صحیح نیست.

تبصره ۱ : در اشعاری که از اوزان عروضی عربی یا فارسی استفاده می شود ، بنا به اجبار می توان از این قانون عدول کرد. مثلاً فضولی شاعر ترک عراقی می گوید: «احتیاط ایلن ایچر هر کیمده اولسا یاره سو» که در اصل بصورت « هر کیمده یارا اولسا ، احتیاط ایلن سو ایچر» (آدم زخمی با احتیاط آب می خورد) می باشد که بنا به ضرورت واژه «یارا» (زخم) بصورت «یاره» آمده است.

تبصره ۲: در کلمات دخیل (کلماتی که از زبان دیگر وارد یک زبان دیگر می‌شوند)، مبنای مصوت‌های اضافه شده، مصوت هجای آخر است. چون ممکن است مصوت هجای اول با آخر متفاوت باشد. مانند: «ایسلام» که مصوت هجای اول (یعنی ای) ظریف است ولی مصوت هجای آخر (یعنی آ) ثقیل است، لذا پیوندهای این کلمه باید بر اساس هجای آخر، ثقیل باشند. مانند: ایسلامدا، ایسلامداکی. البته تأکید می‌شود که این مورد درباره کلمات خالص ترکی صادق نیست. کلمات ترکی همگی یا مصوت ثقیل هستند یا مصوت ظریف.

البته در مورد کلمات دخیل سعی می‌کنیم آنها را ترکیزه کنیم. خیل ورود کلمات عربی، فارسی و انگلیسی به زبان ترکی مستلزم ترکیزه شدن و پالایش آنها توسط قانون هماهنگی مصوت‌هاست. کلمات بیگانه هنگام ورود به زبان ترکی در ساختار آن قرار می‌گیرند، طوری که گاهی تشخیص صورت اصلی و دست نخورده آن بسیار سخت می‌شود. مانند: باهار (بهار)، هاوا (هوا)، ناماز(نماز).

قانون هماهنگی لبها(دوداق بنزشمه‌سی):

نه تنها مصوت‌های یک کلمه (اعم از ریشه و مصوت‌ها) از لحاظ تقسیمبندی ثقیل و ظریف نمی‌توانند همزمان با هم بیایند، از لحاظ نوع غنچه‌ای یا غیرغنچه‌ای نیز دارای ضوابط و نظم خاصی هستند که از آن ضوابط هم باید تبعیت نمایند. این قوانین چنین هستند:

الف- اگر مصوت اول غیرغنچه‌ای(دوداق‌لانمایان) باشد، مصوت‌های دیگر نیز غیرغنچه‌ای خواهند بود. به عبارتی اگر مصوت اول غیرغنچه‌ای باشد، مصوت‌های دیگر مجاز نیستند از نوع غنچه‌ای باشند. مانند: قایی - قاپیدا - قاپیداکی - قاپیداکیندا - قاپیداکینداییر

ب- ولی اگر مصوت اول غنچه‌ای (دوداق‌لانان) باشد، اگر یکی از مصوت‌های آن از نوع باز باشد، مصوت‌های بعد از خود را تابع خود خواهد کرد. برای نمونه در این پی‌افزوده‌ها هیچ مصوت بازی در ترکیبات دخالت نمی‌کند: قوزو - قوزوچو - قوزوچونون - قوزوچونوندور

اما در این مثال، مصوت باز «آ» در «قوناق» عرصه را بر مصوت اول یعنی «اؤ» تنگ کرده و مصوت‌های بعدی را از حالت غنچه‌ای خارج می‌کند: قوناق - قوناقار - قوناقارین - قوناقارینکی
تبصره ۱: کلمات به عاریت گرفته شده از زبانهای عربی و فارسی نیز در ترکی در قالب این ساختار می‌آیند. برای نمونه: لوطو (لوطی)، ابالفصل(ابوالفضل)، نوخوش (ناخوش)

قانون عمومی هماهنگی مصوت‌ها(سس اویمومو):

تمام پیوندها نیز از لحاظ داشتن مصوت‌های ثقیل و ظریف یا غنچه‌ای و غیرغنچه‌ای از مصوت هجای نخست تبعیت می‌کنند. این بحث را در مبحث پیوندها به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

قانون توالی مصوتها (سسلرین آردیجیلیغی):

در کنار تمام محدودیتها و قوانین حاکم بر مصوتهای ترکی، این مصوتها اجازه ندارند در هر جایی از کلمه که خواستند، ظاهر شوند. مثلاً مصوت «ای» با شرایط خاصی حق دارد در ابتدای کلمه بیاید. از طرفی مصوت «او» فقط در ابتدای کلمه نقش بازی می‌کند و نمی‌تواند در داخل کلمه بیاید. جدول زیر هم موقعیت مصوتها و هم تبعیت مصوتهای بعدی از مصوت اول را نشان می‌دهد:

جدول قانون توالی مصوتها در زبان ترکی

موقعیت مصوتها	مصوت	مصوتهای بعدی	نمونه
فقط در اول کلمه	ائ	ی - ه (ه، ا)	ائشیک، یتریمک، یئددی، سئرجه، انتره
	اؤ	و - ی - ه (ه، ا)	اؤزوم، تۆکندی، گؤزل، گؤزلدی، سؤیله
	اؤ	ؤ - ا - ی	اؤروج، اوتاق، قوتاق، قوناقلیق، قوتشو
در همه جای کلمه	آ	آ - ی	آنا، آشاغی، قارا، آغیز، خانیم
	آ	آ - ی	الک، اسکی، اسمک، گلیمک، ازیلگن
	ای	آ - ی	ایشیق، ایلدیریم، ایلیق، ایلان، ایبان
	ای	آ - ی	ایستک، گبریمک، دیری، دیرک، ایکی
	اؤ	ؤ - ا - ی	قوشچو، قولاق، اوجالیق، قورشاق، اوشاق
	او	و - ه (ه، ا) - ی	اوزوک، اوزمک، اوزوملری

نکته ۱: اگر مصوت «ای» در ابتدای کلمه بیاید و مصوت بعدی «آ» باشد، در اینصورت مصوت «ای» جای خود را به «ای» می‌دهد، لذا در این مورد می‌توان استثنائاً مصوتهای ثقیل و ظریف را در کنار هم دید. مانند: ایلان(مار)، اینام(باور)، ایلقار(بیمان)، ایسلان(خیس شو)، ایسمارلا(بدرقه کن)

نکته ۲: گاهی حتی در ادبیات مکتوب می‌بینیم که برخلاف جدول فوق، «ای، اؤ، ائ» در وسط و انتهای کلمه هم ظاهر می‌شود. مانند: «قیرؤ، بیزؤ، بنؤشه، گوتئی». این کلمات صورت واقعی نبوده و تحریفی هستند. مثلاً «ؤ» در انتهای بعضی کلمات ترکی در اصل «آو» است که «و» حرف واو است نه صدای «او». لذا در اصل «قیراو، بیزاو» است که به «قیرؤ، بیزؤ» تحریف شده است.

نکاتی دیگر در آواشناسی ترکی

تممیم خصوصیت کوتاهی صاتهای زبان ترکی به کلمات دخیل

گفتیم که زبان ترکی زبانی کوتاه صانت با بیانی سریع و تند است و هیچ کشیدگی و مدّ دادن در آن وجود ندارد مگر به ندرت آنهم برای کلمات بیگانه. یعنی اگر فارس زبان هم «بادام» می‌گوید، ترک زبان هم «بادام» می‌گوید، سرعت آنها یکی نیست. فارس زبان کشیده تر و بصورت ممدود آنرا ادا می‌کند ولی ترک زبان بسیار سریع و تند تلفظ می‌کند. همین خصوصیت زبان ترکی باعث

می‌شود، کلمات دخیل از زبانهای دیگر از یک فیلتر دیگر عبور کنند، سپس وارد زبان ترکی شوند. لذا اگر در فارسی می‌گوئیم: «یارم آمد»، در ترکی همین «یارم» را بسیار سریعتر تلفظ خواهیم کرد: «یاریم گلدی». به همین ترتیب: بادام، شیرین، ناشی، گیج، داغ، چای، امامزادا، خارا با و ...

ادغام مصوت‌های کلمات ترکیبی

گاهی ترکیب دو کلمه، خود یک کلمه تلقی شده و ما آنرا به عنوان کلمه واحد می‌پذیریم. مانند: بوگون(امروز). حال اگر به عنوان یک کلمه بپذیریم، باید از قوانین آوایی ترکی تبعیت کنند. از جمله اینکه مصوت‌های هر دو کلمه باید همجنس شده و هر دو یا ثقیل باشند یا ظریف. در کلمه ترکیبی بوگون که ترکیبی از بو(این) و گون(روز) است، مصوت کلمه اول ثقیل بوده ولی مصوت کلمه دوم ظریف است. لذا می‌بینیم مصوت اول فدا شده و به شکل مصوت دوم یعنی ظریف درمی‌آید و آنرا «بوگون» یا «بویون» می‌گوئیم. به همین ترتیب داریم: بوروسوگون(او بیرسی گون)، بوچور(بوچور)، ناوار نه یوخ؟(نه‌وار نه یوخ؟)، بییل(بو ایل).

التقاء ساکنین در ترکی

در ترکی دو حرف مجاور نمی‌توانند ساکن باشند. زبان ترکی بسیار روان و جاری است و تحمل التقای ساکنین را ندارد و برخلاف زبان عربی نمی‌تواند کلماتی مانند: قبض، وقف، اکل، خبط، حکم و ... را تحمل کند. حتی کلمات فارسی و عربی هم که وارد ترکی می‌شوند باید خود را در این قالب سازگار کرده و ساکن اول را متحرک کنند. این هم یکی دیگر از فیلترهای زبان ترکی برای ورود کلمات است. لذا در ترکی می‌گوئیم: قیبر(قبر)، نذیر آشی(نذر آشی)، قدیر گئجه‌سی(شب قدر)، صبیر گلدی(صبر آمد)، عؤمور کئچدی(عمر رفت)، ظولوم(ظلم)، حوکوم(حکم)، طبیل(طبل) و ...

تبصره: یک استثنا برای التقاء ساکنین یا همجواری دو حرف مسکون در ترکی وجود دارد که باز خواهیم دید بخاطر روانی و ریتمیک بودن این زبان است. در ترکی دو حرف همجوار می‌توانند هر دو ساکن بیایند به شرطی که حرف ساکن اول، یکی از حروف «ن - س - ل - ر» باشند. این چهار حرف چنان مخرجی دارند که اگر ساکن باشند، حتی اگر حرف بعدی ساکن بیاید، باز براحتی قابل ادا هستند و دهان را دچار مشکل تلفظ نمی‌کند. البته تعداد این کلمات در ترکی اندک است و به دنباله این حروف هم حروفی می‌آیند که واقعا در ادا کردن آنها زبان راحت است. برای نمونه ادای «بانگ» خیلی راحت است ولی اگر کلمه‌ای مانند «بانف» داشتیم، خیلی تلفظ سنگینی داشت. به نمونه هایی از التقای ساکنین با تقدم یکی از این چهار حرف دقت کنید: «ن»: بانگ، دینج، دیرنگ؛ «س»: آست، اوست؛ «ل»: آلت، قالخ، اولج؛ «ر»: قیرخ، تورک، دؤرد، آرخ

اشاره ای به قوانین حاکم بر صامت‌ها

در زبان ترکی دیدیم که صامت‌ها مطابق قوانینی پیچیده اما منظم با هم در تعامل هستند که باعث خلق زبانی ملودیک و هارمونیک با نام زبان ترکی می شوند. هارمونی بودن این زبان تنها بخاطر قوانین حاکم بر صامت‌ها نیست بلکه قوانین حاکم بر صامت‌ها نیز این نقش را ایفا می کنند. همانطور که در ترکی امکان ندارد در یک کلمه هم صائت «آ» بیاید و هم «اؤ»، مشابه این نیز قوانینی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد حروف کلمات ترکی بصورت اتفاقی و ناهمگون در کنار بیایند.

چون این بحث طولانی بوده و در حوصله این مجال نیست، تنها گریزی کوتاه می‌زنیم که صامت‌ها یا حروف بی‌صدا در ترکی مانند صامت‌ها از نقطه نظرهای مختلف تقسیم بندی می‌شوند و هر صامت در هر کدام از تقسیم بندی‌ها به یک طرف رفته و دسته بندی می‌شود. از یک منظر به «کوتاه - بلند» تقسیم می‌شوند، از منظر دیگر در تقسیم بندی «آوادار - بی‌آوا» به دو دسته دیگر تقسیم می‌شود. باز در بحثی دیگر از نظر مخرج ادا به دسته‌های «لبسی، دندانی، حلقی و سقفی» بخش بندی می‌شوند. تقسیم دیگری نیز از نظر «ناقص و کامل» بودن داریم. لذا هر صامت در هر تقسیم بندی موضع خود را مشخص کرده و در یک گروه بندی قرار می‌گیرد. مانند بحث صامت‌ها، قوانینی بر هر کدام از دسته بندی حاکم و مجموع دسته بندی‌ها حاکم است که اجازه نمی‌دهد هر صامتی در هر کلمه که خواست، ظاهر شود. برای نمونه قانونی داریم که می‌گوید: «اگر دو صامت کامل در یک کلمه همسایه شوند، آندو باید از نظر آوادار یا بی‌آوا بودن باید همجنس باشند». مطابق این قانون در ساختن صفت از «دوز»، از بین دوزگون و دوزکون باید دوزگون را انتخاب کنیم چون صامت‌های «ز» و «گ» هر دو آوادار بوده و همجنس هستند اما از میان کوسگون و کوسکون، کوسکون درست است چون «س» و «ک» هر دو بی‌آوا هستند.

تمرین

- ۱ - قانون هماهنگی مصوت‌ها را بیان کنید.
- ۲ - قانون هماهنگی لب‌ها را بیان کنید.
- ۳ - از موارد استثنا برای عدول از قانون هماهنگی اصوات چیست؟
- ۴ - کلمات دخیل زیر را ترکیزه کنید: دفن، زهر، صحبت، امان، قوری، دوا
- ۵ - التقای ساکنین کدام کلمات غیرترکی زیر در ترکی از بین نمی‌رود؟
قدر، آسم، بند، علم، درج، صبر، شرق

درس چهارم : بن شناسی (کوک)

«کوک»، «ریشه» و «بن»، کلماتی هم معنی هستند که با یک مفهوم در ادبیات ترکی، فارسی و عربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بن کوچکترین، خالصترین و تجزیه ناپذیرترین قسمت یک کلمه می‌باشد. در واقع کلمات قابل تجزیه به اجزای اصلی هستند و آنچه غیرقابل تجزیه باشد، ریشه آن کلمه می‌باشد.

همانطور که پیشتر ذکر شد، زبانهای تصریفی مانند عربی و فارسی (خصوصاً فارسی) نمی‌توانند بن کلمه را در ساختارهای جدید و کلمات جدید حفظ نمایند و چنان صورت تازه‌ای در کلمات جدید پیدا می‌کنند که گاهی یافتن ریشه اصلی آن بسیار سخت است. برای نمونه در فارسی از فعل امر از مصدر «دیدن» می‌شود: «بین». ریشه «دید» چه ارتباطی به «بین» دارد و شخص با مشاهده واژه‌های «بینا» و «دیدار» از کجا می‌تواند احتمال بدهد که ریشه هر دوی آنها از مصدر «دیدن» استخراج شده است، مگر آنکه قبلاً این موضوع را شنیده یا حفظ کرده باشد.

یا در عربی باید بدانیم «مودی» و «اذیت» هم‌ریشه‌اند و به این شکل درآمده‌اند. البته در زبان عربی طبق قانون و نظم خاصی این تغییرات صورت می‌گیرد ولی به هر صورت ریشه سه حرفی کلمه نمی‌تواند همیشه خود را یکپارچه نگه دارد و در ساختن کلمات جدید سازه آن فرو می‌پاشد. زبانهای التصاقی مانند ترکی چنین نیستند. ریشه کلمه همیشه سالم و دست نخورده باقی می‌ماند، آنهم در ابتدای کلمه. نه حروف آن جابجا شده و بهم می‌ریزد، نه موقعیت آن تکان می‌خورد، بلکه هر تغییری هست، بصورت التصاق یک پیوند به انتهای ریشه ایجاد می‌شود. مثلاً از همین مصدر دیدن (گورمک) در ترکی داریم: گور(بین)، گوروش(دیدار)، گورکم(نمای خوب)، گورکملی (جذاب و دیدنی)، گوروم(یک بار دیدن)، گوردو(دید)، گوروندو(رؤیت شد)، گورونمه‌دی(رؤیت نشد) ...

شناسائی بن در ترکی

شناسائی بن یا ریشه در ترکی نسبت به زبانهای دیگر بسیار آسان است. از این لحاظ آسان است که منطبق بر اصول و روابط منظمی است آنگونه که کسی که این زبان را بلد نیست، می‌تواند

ریشه کلمات ترکی را حدس بزنند. از این رو کار یک واژه شناس یا تیمولوژیست در ترکی آسانتر است. از طرفی کلمات ترکی به هر زبانی بروند و هر صورت جدیدی به خود بگیرند، بالاخره اصالت خود را حفظ کرده و تعلق خود به زبان ترکی را نشان خواهند داد.

ریشه در ترکی همان است که در ابتدای کلمه می آید. چراکه در زبان ترکی، پیشوند وجود ندارد و تمام کلمات از اضافه شدن پیوند(نگوئیم پسوند) به انتهای ریشه حاصل می شود. پس برای یافتن ریشه کلمه باید سراغ ابتدای کلمات را باید بگیریم.

اینکه ریشه بیش از ۹۰٪ کلمات ترکی تک هجائی است، کار ما را بسیار آسان می نماید. چرا که کلمه را تا رسیدن به یک ریشه تک هجائی دنبال می کنیم. حتی نظریه‌ای وجود دارد که می‌گوید: «زبان ترکی تک هجائی است». البته این نظریه اثبات نشده است، چون ما بعضی ریشه های تک هجائی را دیگر نمی شناسیم و صورت هزاره های پیش آنرا نمی دانیم. مثلاً نمی دانیم بولود (ابر) که دو هجائی است از چه ریشه تک هجائی ایجاد شده است؟ با اینهمه در ترکی غالباً با فعلهایی مانند زیر سر و کار داریم که تک هجائی‌اند: قاچ(فرار کن)، آش(یک بلندی را بالا برو و پائین بیا)، چیخ(بالا بیا)، یئن(پائین برو)، مین(سوار شو)، آت(بیانداز)، سر(پهن کن)، سیل(پاک کن) و ...

با علم به این مسائل، سراغ چند کلمه می رویم تا ریشه آنها را پیدا کنیم:

الک (غربال): در اصل از مصدر «اله‌مک»(غربال کردن) است که پیوند «ک» آنرا به اسم تبدیل کرده است. پس ریشه آن فعلاً «اله»(غربال کن) است. از طرفی ریشه دوهجائی «اله» دارای ریشه تک هجائی «ال» (دست) است که مفهوم الک کردن هم از همین ریشه استنباط می شود.

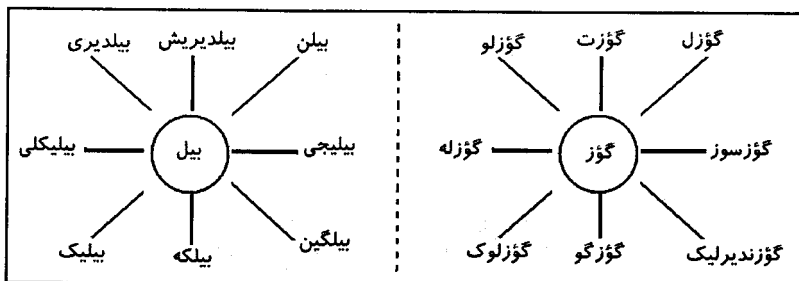
بورون (دماغ): چون دو هجائی است، شک داریم که ریشه اصلی باشد. سراغ هجای اول آن «بور» می رویم که از مصدر «بورماق» (انحنا دادن) است و کاملاً معنای دماغ از آن قابل تشخیص است.

بوشانماق (طلاق گرفتن): هر چند این کلمه خود مصدر است اما بخاطر چند هجائی بودن، احتمال باید داد که ریشه خالص و ناب نباشد. با حذف نشانه مصدری «ماق» به «بوشان» (طلاق بگیر) می‌رسیم که یک فعل لازم بوده که از فعل متعدی «بوشا»(طلاق بده) حاصل شده است. باز هم می توان احتمال داد که «بوشا» ریشه اصلی نباشد چراکه دوهجائی است. ریشه تک هجائی و اصیل آن «بوش» (خالی) است که مفهوم «خالی، عدم پشتیبانی، تنهائی» را می توان از آن استنباط نمود. لذا ریشه «بوشانماق»، اسم «بوش» است.

بن اسمی و بن فعلی

بن یا ریشه لزوماً یک فعل نیست. ممکن است اسم، صفت، عدد و حتی صداهای طبیعی پرنندگان و حیوانات هم باشد. در بحث فوق دیدیم که ریشه «بورون» یک فعل است اما ریشه الک یا

بوشانماق یک اسم بود. در زبان ترکی از اسم می توان فعل ساخت و بالعکس از فعل هم می توان اسم ساخت که در درس پیوندها آنرا یاد خواهیم گرفت. به اشکال زیر توجه کنید و ببینید از یک ریشه اسمی «گۆز» و ریشه فعلی «بیل» چه واژه های جدیدی تولید می شود:



می بینیم با کمی زحمت و آشنائی با افعال و ریشه های تک هجائی می توان ریشه کلمات ترکی را تا تک هجا بودن دنبال کرد. حال واژه های یک زبان با این نظم و قانون به هر زبان دیگری منتقل شوند ، باز می توان ترکی بودن آنها را اثبات نمود. برای نمونه چند واژه اصیل ترکی را از دل زبانهای متداول فارسی ، عربی و انگلیسی به روش ریشه شناسی (اتیمولوژی) استخراج می کنیم:

نمونه ای از کلمات دخیل ترکی در عربی:

مأوا : بر وزن مفعول برای بیان مکان سکونت است که ریشه آن «أوو» ترکی است.

قلعه : معرب واژه ترکی قالا. ریشه آن یعنی «ق.ل.ع» در عربی جایی ندارد. قالا از ریشه قالماق (ماندن) به معنای ماندگار و جاودان است. قالاتق نیز در ترکی از همین ریشه است.

استاد : استاد عربی و استاد فارسی هر دو در اصل همان اوستا هستند که بسیار متداول است. ریشه آن اوس به معنای عقل بوده و اوستا به معنای عاقل می باشد.

متلاشی (تلاش کننده): در اصل تلاش از ریشه تالاماق (جنب و جوش کردن). نه ریشه عربی دارد نه فارسی.

دماغ (کام ، مغز): نه در عربی ریشه دارد و نه فارسی. در اصل از مصدر دامماق (ریزش قطره) به معنای کام دهان همچنین کام زندگی است.

سایق (علم شمارش) : در اصل سایاق از ریشه سایماق (شمردن)

طبیق : در اصل تاباق از ریشه تاب (همکف ، صاف) و به معنای چیز مسطح. تاوا و تابا (تابه) نیز از همین ریشه است.

نمونه ای از کلمات دخیل ترکی در فارسی:

واژه های دخیل ترکی در فارسی بسیار زیاد است و برای مطالعه بیشتر به کتاب واژگان زبان ترکی در فارسی مراجعه کنید. برای نمونه به چند مورد اشاره می کنیم:

دوقلو : در اصل دوقولو از مصدر دوغماق(زائیدن) به معنای همزاد و با هم زاده شده. «قلو» هیچ معنایی در فارسی ندارد. لذا سه قلو ، چهارقلو و امثالهم غلط است.

توتون: از مصدر توتکم(دود کردن) به معنای چیزی که دود کند. خود «دود» نیز در اصل «توت» بوده و از این ریشه است. توتسو (یا توستو) نیز در ترکی از این ریشه است.

قالی : از مصدر قالماق(ماندن) به معنای زیراندازی که مانند گلیم و جاجیمهای قدیم سر نخورد. سودا : در اصل سئودا از ریشه سئومک (دوست داشتن) به معنای عشق و محبت.

نمونه ای از کلمات دخیل ترکی در فارسی:

Buckle (خم و تا شدن) : در اصل بوکول که در ترکی به همین معناست. مصدر بوکولمک در ترکی فعل مجهول از مصدر بوکمک (بستن) است.

Block (بلوک) : در اصل بؤلوک به معنای قسمت شده و پارتیشن از مصدر بؤلکم(تقسیم کردن)

Check (چک) : واژه کهن ترکی به معنای کشیدن ، دفتر ، قباله و امضا است.

Tire (تایر) : تَیر یا تَکَر در ترکی از مصدر تکیرمک (چرخاندن) به معنای وسیله چرخش کننده

است. تیرمان یا دیرمان (چرخ آسیاب) نیز از همین ریشه است. تایر در انگلیسی و فارسی و طایر در عربی همگی از این ریشه اند و ربطی به طایر(پرواز کننده!) در عربی ندارد.

Big (بزرگ) : واژه کهن بیگ در ترکی ظاهراً به معنای حاکم و پادشاه است ولی باطناً معنای بزرگی و عظمت دارد. بیگیم(مانند خانیم) در ترکی به معنای شهبانو نیز بصورت Begom به

زبانهای اروپایی رفته است.ز.

تمرین:

۱ - کدامیک از این واژه ها ترکی نیست؟ خرده ، جلگه ، پنجره ، کوتاه ، کوچک ، الگو

۲ - کدامیک از این مصدرهای فارسی ، ترکی است؟ ساختن ، پرداختن ، رفتن ، دیدن

۳ - ریشه این کلمات چیست؟ یواش ، یغما ، قهرمان ، سودا ، سراغ ، دگمه ، بانگ

۴ - از ریشه «باش» در ترکی ، پنج واژه جدید بسازید.

۵ - چرا اثبات ترکی بودن یک کلمه راحتتر از دیگر زبانهاست؟

درس پنجم : پیوند(اک)

پیوندها در ترکی

پیشتر گفتیم که در زبان ترکی پیشوند(اؤنک) استفاده نمی شود بلکه زبانی است بر اساس پسوندها. پسوند(سون اک) همانطور که از نامش پیداست ، آخرین افزوده به ریشه است درحالیکه در ترکی ممکن است چندین افزوده به انتهای ریشه وجود داشته باشد. برای نمونه افزوده‌ها به انتهای «داغ» را ملاحظه کنید: داغ - داغدا - دغداکیلار - داغداکیلاردان - داغداکیلاردانیمیش - داغداکیلاردانیمیشلار. می بینیم که در زبان ترکی مانند زبان فارسی تنها یک افزوده به انتهای بن نداریم که لاجرم نام آنرا «پسوند» بگذاریم بلکه ممکن است بیش از ده افزوده به انتهای ریشه اضافه شوند. آیا می توان همه را پسوند نام گذاشت؟ نه! آیا می توان تنها آخری را پسوند نامید و بقیه را بدون نام رها کرد؟ البته که نه! لذا از این به بعد هر نوع افزوده به انتهای ریشه را «پی افزوده» یا «پی‌وند» (پیوند) خواهیم نامید. پس پیوند دارای وظیفه و نقشی گسترده تر و متفاوتتر از پسوند خواهد داشت.

بحث پیوند در ترکی مانند بحث پسوند یا پیشوند در فارسی مختصر و کوتاه نیست. این قسمت از ادبیات ترکی بسیار غنی و گسترده است و چون اساس ترکی را تشکیل می دهد ، دقت و توجه زیادی را می طلبد. لذا همانند مباحث پیشین ولی اینبار با تأکید بیشتر سفارش می شود که هنگام فراگیری زبان ترکی هرگز به حالت قیاسی با زبان فارسی یا عربی مقایسه نکنید ، چون به نتایج غلط می رسید (مگر اینکه روی این قیاس تأکید کنیم). خصوصاً کسانی که ترک زبان هستند ، این زبان را در خود ترکی یاد بگیرند و دنبال معادل آن در فارسی نگردند.

قبل از هر چیز باید تعریفی از «پیوند» داشته باشیم تا آنرا بشناسیم. «پیوند» ها ترکیباتی بسیار متنوع و گسترده هستند که به تنهایی معنی خاصی ندارند بلکه پس از ترکیب با کلمات دیگر به آنها معانی و مفاهیم جدیدتری می دهند. البته نقش و وظیفه هر پیوند مشخص است ولی باز این ، نمی تواند دلیل بر معنادار بودن آنها داشته باشد. برای نمونه پیوند «لاق» می تواند منطقه و مکان را نشان دهد مانند: چایلاق ، یایلاق ، قیشلاق و ... ، یعنی نقش پیوند «لاق» دادن مفهوم مکانی به کلمه است ولی نمی توان از روی این نقش نتیجه گرفت که «لاق» یعنی «مکان»!.

مسئله بسیار مهم در بحث پیوندها در ترکی این است که آنها تابع قوانین هم‌آوایی اصوات و هم‌آوایی لبی هستند ، لذا قابل پیش بینی است که یک پیوند تنها به یک صورت ظاهر نخواهد شد

بلکه صورت‌های مختلفی به خود خواهد گرفت تا با انواع مصوتها خود را سازگار کند. برای قیاس در نظر بگیریم که کتاب و دفتر را در زبان فارسی می‌خواهیم جمع ببندیم. می‌شود: کتابها و دفترها. اما در زبان ترکی می‌شود: کیتابلار - دفترلر. پس در فارسی برای جمع بستن کافیسست «ها» را در انتهای کلمه بی‌آوریم، اما در ترکی این کار با بررسی قوانین آوایی امکان پذیر است. نشانه جمع در ترکی، پیوندهای «لر-لار» است. اگر آخرین مصوت کلمه ثقیل باشد، از پیوند «لار» و اگر ظریف باشد، از پیوند «لر» استفاده می‌کنیم. لذا در ترکی داریم: قاشیق‌لار - آغاج‌لار - قارداشلار - باجیلار - قوشلار - بالیق‌لار - آداملار؛ چنگلر - نه‌نلر - سترچه‌لر - جوجه‌لر - گئجه‌لر - گوندوزلر - کیشیلر.

مثالی دیگر از پیوند شغل ساز «چی» می‌زنیم. این پیوند که به فارسی هم رفته است، در آن زبان با همان تک صورت، کلمات ترکیبی مانند: موتورچی، آبدارچی، تفتنجچی، ساعتچی و غیره می‌سازد، اما در ترکی بسته به نوع مصوت، شکل خود را تغییر داده و به اشکال مختلف درمی‌آید.

چی در ترکی بصورت‌های مختلف «چی، چو، چو، چو» در ترکیبات ظاهر می‌شود. می‌خواهیم برای تمام مصوت‌های ترکی این پیوند را استفاده کنیم. کلمات زیر تمام نه مصوت ترکی را در خود دارند: ساز - دوه - ائل - یول - قوش - گوژ - سوت - دیش - قیز اشتباه است اگر صورت اصلی «چی» را به انتهای این کلمات بی‌آوریم و کار خود را راحت کنیم: سازچی - دوه‌چی - ائلچی - یولچی - قوشچی - گوژچی - سوتچی - دیشچی - قیزچی. البته در ترکی محاوره گاهی این نوع پیوندها در دو صورت «چی-چی» به انتهای کلمات افزوده می‌شود که باز نسبت به صورت تک شکل «چی» بهتر است اما به هر حال اشتباه است.

با مراعات قوانین آوایی که در درس ابتدائی گفتیم، باید بگوئیم: سازچی - دوه‌چی - ائلچی - یولچی - قوشچی - گوژچی - سوتچی - دیشچی - قیزچی

پیوندهای چند شکلی در ترکی

پیوندها در ترکی مانند فارسی تک شکل نیستند. آنها در یک کلمه بسته به مصوت بن، تغییر شکل داده و بدان الصاق می‌شود. پیوندهای ترکی در سه حالت ظاهر می‌شوند:

الف - تک شکلی :

این پیوند نیازی به بررسی مصوت‌های ریشه ندارد و بدون توجه به مصوت‌های ریشه به آن می‌پیوندد. لذا کار ما هم با این نوع پیوندها بسیار آسان خواهد بود. البته سهم این نوع پیوندها نسبت به دو نوع دیگر بسیار اندک است. از مهمترین پیوندهای تک صورتی می‌توان به پیوند «کن» مانند: قاچارکن (همینکه دويد، ضمن دويدن) و پیوند «گیل» مانند: خالام گیل (خاله ام و اینها) اشاره کرد.

در بعضی کتابها به اشتباه، پیوندهائی مانند «چین، کی، ایم، داش و ...» را تک شکلی معرفی کرده اند، درحالیکه خواهیم دید که این نوع پیوندها دو شکلی هستند. به نظر حقیر پیوند تک شکلی در ترکی وجود ندارد و در اصل دو یا چهار شکلی بوده اند.

ب - دو شکلی:

این پیوندها در دو صورت ظاهر می شوند و باید از لحاظ پیوند به ریشه با آن تطابق داشته باشند. پیوندهائی که دارای مصوت از نوع باز می باشند، دارای دو شکل هستند. از مصوتهای باز «آ، ا، ائ، او، او» مشخص است که مصوتهای «ائ، او، او» نمی تواند در نقش پیوند کمک کند، چرا که یاد گرفتیم که صداهای «ائ، او، او» نمی توانند در هجاهای بعدی بیایند، لذا از این دسته، تنها مصوتهای «آ/ا» می توانند در نقش پیوندی پدیدار شوند. از این بین هم واضح است که پیوندی با مصوت «آ» برای ریشه هائی با مصوت ثقیل و پیوندی با مصوت «آ» برای ریشه هائی با مصوت ظریف پیش بینی شده اند.^۱ از مجموعه پیوندهائی با این مشخصات می توان اشاره کرد به:

«ما/مه» مانند: دولما، قوورما، ساچما، یاغما، بیغما؛ کسمه، سورمه، سورتمه، دوگمه، چکمه
«لا/لر» مانند: قیزلار، آیلار، داغلار، باغلار، یایلار؛ کیشیلر، کینزلر، گوندوزلر، گنجهلر، کندلر

ج - پیوندهای چهار شکلی:

این پیوندها در چهار شکل متفاوت ظاهر شده و کار ما برای انطباق با ریشه مانند دو حالت پیش آسان نخواهد بود. پیوندهائی که مصوت آنها از نوع بسته باشد، در این حالت ظاهر خواهند شد. مصوتهای بسته را قبلاً بصورت «ای، ای، او، او» یاد گرفتیم. پیوندهائی که یکی از این مصوتهها را داشته باشند، قطعاً صورتهای دیگر آنها نیز خواهند داشت. مثلاً وقتی پیوند «چی» را می بینیم، باید پیش بینی کنیم که شکلهای دیگر آن بصورت «چی، چو، چو» نیز موجود است. وقتی به این نکته واقف شدیم، باید سراغ انطباق هر کدام از این پیوندها با ریشه مخصوص خود باشیم. پس در ترکی نمی توانیم مانند فارسی بگوئیم: «شیشه چی، ابریشم چی، آبدار چی، دوغ چی»، بلکه مصوت هر پیوند باید با مصوت ریشه تطابق آوایی داشته باشد.

از روی مصوت پیوند نیز می توان پیش بینی کرد که جزو چندشکلی هاست. اگر پیوندی با مصوت آ/ا باشد، حتماً دوشکلی است و اگر در پیوندی یکی از مصوتهای «ای، ای، او، او» وجود داشته باشد، باید بدانیم جزو چهارشکلی هاست. لذا ترکیبات زیر را معلوم می کنیم: چین ۴/، کی ۴/، ایم ۴/، داش ۲/ باکمک درسهای قبلی دلیل چسبیدن این پیوندها به انتهای ریشه های خود را بیابید:

^۱ این نوع پیوندها را با ۲/ نمایش می دهیم. ما/۲ یعنی دو حالت از پیوند ما که همان «ملمه» است.

- چی: بالیقچی، دیلنچی، یولچو، سۆزجو، سینیقچی، اؤدنچو، اکینچی، یالانچی
- سیز: آدامسیز، گۆزسوز، فیکیرسیز، قولسوز، دیلسیز، جانسیز، یولسوز، شامسیز
- لی: شهرلی، آنالقلی، دۆزوملو، کسیملی، قوهوملو، باشاریقلی، پوللو، وارلی، سۆزلو

پیوندهای اسمی و پیوندهای فعلی

پیوندها، هم ممکن است به انتهای اسم بچسبند و هم به انتهای فعل. (منظور از اسم به معنای عام یعنی اسم، صفت، عدد و ... است) نقش و وظیفه کلمه جدید متفاوت خواهد بود. در مثالهای فوق دیدیم که یک پیوند چه سان به انتهای اسم افزوده می شود. مثالی از الحاق و الصاق یک پیوند به انتهای فعل نگفتیم. مثلاً از الحاق پیوند «یم» به انتهای فعل «دۆزموک» (شکیبائی کردن) می توان به کلمه جدید «دۆزوم» رسید که یک اسم به معنای شکیبائی و صبر است. یا از چسبیدن پیوند «یون» به انتهای مصدر «یوماق» (شستن)، به مصدر جدید «یویونماق» (استحمام) می رسیم. پیوندها از این نظر در چهار شکل ظاهر می شوند:

- الف : اسم + پیوند = اسم (مانند : یول + چو = یولچو)
- ب : اسم + پیوند = فعل (مانند : ایش + له = ایشله)
- ج : فعل + پیوند = اسم (مانند : یول + وم = یولوم)
- د : فعل + پیوند = فعل (مانند : بیش + یر = بیشیر)

در مبحث اسم و فعل، نحوه خلق اسمها و فعلهای جدید را به تفصیل خواهیم گفت.

پیوندهای تصریفی و توصیفی

از میان چند نمونه پیوند ذکر شده ملاحظه نمودید که بعضی آنها در ماهیت و ذات کلمه تغییری ایجاد نمی کنند، مانند پیوند جمع «لار». کلماتی مانند «آغالار، باجیلار» از ریشه اصلی خود دور نشده اند و همان معنای «آغا، باجی» را حفظ کرده اند. به عبارتی رابطه نزدیکی بین ریشه و کلمه جدید وجود دارد. این نوع پیوندها را «پیوندهای تصریفی» می نامیم. پیوندهای تصریفی جهت آماده سازی کلمات برای انجام نقش گرامری و ایجاد همبستگی میان عناصر مختلف کلام مورد استفاده قرار می گیرد. این نوع پیوندها کاری به معنای کلمه نداشته آنها از ماهیت اصلی دور نمی کنند. یعنی ضمن انجام وظیفه خود، ذات و ماهیت ریشه را حفظ می کنند. این نوع پیوندها حالتی گذرا و موقتی دارند و دامنه شمول آنها گسترده است. از جمله پیوندهای تصریفی در ترکی می توان گفت: پیوند جمع، پیوندهای ملکی، پیوندهای حالت، پیوند استفهام و پیوندهای وجه، زمان و شخص. در کنار این نوع پیوندها، پیوندهائی هم وجود دارند که ذات و ماهیت ریشه را تغییر می دهند و

جزو ذات کلمه جدید می‌شوند. در پیوندهای تصریفی دیدیم که قیزلار، منیم، سنین و ... نمی‌توانند کلمه جدید باشند ولی در اینجا پیوندی مانند «ار» در «آچار» کلمه جدیدی ساخته است که هرچند خوشاوندی با ریشه «آچماق» دارد ولی یک هویت جدید و مستقل از ریشه خود دارد. اینگونه پیوندها «توصیفی» هستند. این پیوندها مانند پیوندهای تصریفی، گذرا و موقتی نیستند و برای همیشه با کلمه جدید می‌مانند ولی دامنه شمول کمتری نسبت به تصریفی دارند. مثلاً در آنجا پیوند «لار» به انتهای هر کلمه‌ای می‌آید ولی در اینجا «ار» به انتهای هر کلمه‌ای نمی‌تواند بیاید. این نوع پیوندها فعل را به اسم و بالعکس تبدیل کرده و از اسم یا فعل، اسم و فعل جدید می‌سازند.

توالی پیوندها در ترکی

در ترکی محدودیتی از نظر تعداد پیوندهای الصاقی به انتهای ریشه نداریم. اصل توالی پیوندها از ویژگی‌های بارز زبان ترکی است که به پیوندها تقدم و تأخر می‌دهد تا طبق ترتیبی مشخص به انتهای ریشه الحاق شوند. به تسلسل پیوندها در این کلمات دقت کنید: «باشاریقسیزلیغیمیزداندیلار، سوسوزلاندیرمامالیمیشلار، آلینمامالیلارداندیلار». چرا نمی‌توان گفت: «باشاریقسیزدیلا ریغیمیزدان، سوسوزمامالیمیشلارلاندیر، آلینماداندیلارمالیلار»؟ چون که پیوندها در ترکی دارای قاعده‌ای جهت تسلسل و پشت سر هم قرارگیری هستند. طبق این اصل: «هرچه دامنه شمول و حدود عمل پیوندها محدودتر باشد، به ریشه نزدیکتر و هرچه عامتر و گسترده‌تر باشند، از ریشه دورتر خواهند بود». با پذیرش این اصل و با عنایت به تعریف پیوندهای تصریفی و توصیفی می‌توان نتیجه گرفت که پیوندهای توصیفی در چسبیدن به ریشه در اولویت قرار دارند. چراکه دامنه شمول محدودتری دارند. لذا «أل+آچاق+لی» صحیح و «أل+لی+آچاق» اشتباه است. غیر از بحث تقدم پیوندهای توصیفی بر تصریفی، در میان خود این پیوندها نیز تقدم و تأخر وجود دارد. مثلاً در انواع پیوندهای تصریفی، پیوند جمع بر پیوند ملکی مقدم است. لذا «قیزلارین» صحیح است و «قیزینلار» اشتباه.

تمرین

- ۱ - پیوند متناسب چیل/۴ را به اسمهای زیر اضافه کنید: ایش، چؤل، داغ، قوناق، قوش، دیل
- ۲ - کدامیک از این ترکیبات اشتباه است؟ آلمالیق، سرنلیک، قورولوق، سؤزلیک
- ۳ - ریشه کدامیک از ترکیبات زیر «فعل» نیست؟ باشلایش، دؤیوشکن، ایتگین، بؤلوم
- ۴ - ریشه کدامیک از ترکیبات زیر «اسم» نیست؟ گلین، سؤزلو، داشلیق، گوچه
- ۵ - طبق قانون توالی پیوندها، کدامیک از ترکیبات زیر صحیح است و چرا؟ انولرده - انودله

درس ششم : فعل (ا) - انواع فعل

فعل در ترکی

فعل ، به وقوع یا انجام کاری در زمان خاص دلالت دارد. فعل ، شامل تمام اشکال وقوع و حدوث و تغییرات و تبدیلات و جنبشهایی است که موجودات زنده یا بی جان ، مادی یا معنوی در بستر زمان و مکان از خود بروز می دهند یا آنرا می پذیرند. با فعل ، یک جمله معنا و مفهوم پیدا می کند. نشانه مصدری در ترکی «ماق/مک» است که بنا به قوانین آوایی ، «ماق» در انتهای افعال ثقیل و «مک» در انتهای افعال ظریف می آید. در گویش آذربایجان این نشانه جای خود را به «ماخ/مخ» داده که صحیح نیست. حتی در گویش زنجان تنها از یک نشانه مصدرساز «ماخ» استفاده شده و در انتهای تمام افعال چه ثقیل و چه ظریف ، «ماخ» می آورند که قوانین آوایی را به هم می ریزد. بحث فعل در ترکی آنچنان گسترده است که بسیاری از صاحب نظران دنیا مانند هرمن ونبری، فعل در ترکی را عامل گستردگی آن و باعث عرض اندام آن در میان زبانهای بزرگ جهان می دانند. دنیای گسترده فعل در ترکی آنچنان قانونمند است که دنیای محدود افعال فارسی با کمتر از صد فعل، چنان نیست. اگر در فارسی ۲۰ تا ۳۰ فعل تک هجائی وجود دارد که آنهم با اضافه شدن «ب» به ابتدای آن باید دوهجائی شود و بقیه ۵۰۶۰ فعل آن چندهجائی است، زبان ترکی فقط ۶۰۰ فعل تک هجائی و نزدیک به ۳ هزار فعل دوهجائی و در مجموع دارای ۲۴ فعل در خود جای داده است.

تقسیم بندی ساختاری فعل ترکی

فعل در ترکی از نظر ساختاری سه گونه و به شرح ذیل است:

الف - فعل اصلی (آنا فعل)

این فعلها غالباً تک هجایی هستند و اجزای کوچکتری در دل خود ندارند. مانند: چیخ (بالا بیا) ، یئن (پائین برو) ، آش (یک بلندی را بالا بیا و دوباره پایین برو) ، دؤز (صبر کن) ، یئ (بخور)

ب - فعل مشتق (دوزلمه فعل)

به عنوان یک فعل جافتاده و مستقل می پذیریم ولی در اصل از ترکیب پیوند با اسم یا فعل خلق شده اند. این نوع افعال غالباً دوهجائی هستند. مانند: گؤزت (مواظب باش) ، بوشا (طلاق بده) ، باشلا

(شروع کن)، دیشله (گازبگیر)، آلدیر (بده برایت بخرند)، یاندیر (بسوزان). (بترتیب از ریشه‌های: گۆز (چشم)، بوش (خالی)، باش (سر)، دیش (دندان)، آل (بخار)، یان (بسوز))
 گتیم بنا بر نظریه‌ای: زبان ترکی تک هجائی است و اگر بعضی کلمات آن دوهجائی است باید ریشه تک هجائی آنرا پیدا کنیم. یکی از عوامل دو هجائی شدن کلمات ترکی همین افعال مشتقی است که بسیاری از آنها را مانند مثال فوق تشخیص می دهیم که از ریشه تک هجائی تشکیل شده اند. بعضی ها را احتمال می دهیم که به نوعی از یک ریشه تک هجائی تشکیل یافته اند اما مانند مثالهای فوق صراحت ندارند. مانند: آغلا (گریه کن) از ریشه آغ (سفید) شاید به تعبیر سفید و روشن شدن صورت هنگام گریه. بعضی از افعال نیز معلوم نیست دارای چه ریشه تک هجائی هستند. مثلاً دانش (صحبت کن) آیا واقعاً به دان (منکر شو) ربطی دارد؟ آیا گتیر (بیآور) در اصل گتیر یا گلدر بوده است که نوعی متعدی از فعل گل (بیا) است؟ به هر حال این امر قابل بررسی است.

ج - فعل مرکب (قوشولما فعل)

فعل مرکب در ترکی مانند دیگر زبانها از همراهی یک اسم با یک فعل به وجود می آید و اکثراً دارای فعل معین است. فعل مرکب در ترکی چهار نوع است:

ج - ۱: ترکیب با مشتقات فعل کمکی «ایمک». این فعل اکنون در ترکی استفاده نمی شود ولی ترکیبات آن مانند «ایمیش، ایدی» کاربرد فراوان دارد. مانند: یازمیش ایدی، گلیمیش ایدیک، آلسایدیق توصیه می شود در زبان نوشتار، «یازمیش ایدی، آلمیش ایدی» بنویسید نه «یازمیشدی، آلمیشدی».

ج - ۲: ترکیب با فعلهای معین «اول، ائت، ائله، ائله». مانند: حاضر اول، ترک ائت (ترکیت!)، ناز ائله. گاهی افعال معین آنچنان در دل کلمه محو می شود که آنرا به عنوان یک فعل خالص می شناسیم. مانند: ایشله مک (ایش ائله مک)، قوروتماق (قورو ائتمک)، قارالماق (قارا اولماق).

ج - ۳: ترکیب با فعل «بیل» صورت ترکیب یک فعل با صدای «آ/ا» و سپس «بیل»: یازا بیلمک (توانائی به نوشتن)، دۆزه بیلمک (توانائی تحمل)، اوچا بیلمک (توانائی پرواز)

ج - ۴: ترکیب ساده اسم با فعل. البته همه جا فعل دارای یک فاعل است ولی در اینجا معنای صریح ندارد و نمی توان برداشت مستقیم از آن کرد. مانند: گۆز قویماق (پائیدن)، گۆزه گلکمک (مهم شدن)، گۆزدن دوشمک (از چشم افتادن). همانطور که از معانی فارسی هم مشهود است، از چشم افتادن به معنای افتادن یک قطره اشک از چشم نیست.

در اینجا به نکته ای دقت کنیم. گاهی ضمن داشتن افعال اصلی یا مشتقی تنها به خاطر عدم آشنائی یا گرتنه برداری از فارسی، از افعال مرکب استفاده می کنیم که بهتر است عادت و تمرین

کنیم تا آنها را کم کم اصلاح کنیم. مانند: پشمان اولماق (پشمانلاماق)، صبر ائله (دۆز)، مواظب اول (گۆزت)، قارا اولدو (قارالدی)، زخمی اولدو (یارالاندی)، داوا ائله دی (ساواشدی)

پیوندهای فعلساز

پیوندها در ترکی می توانند به فعل، اسم، صفت، عدد و حتی صداهای طبیعی بچسبند و فعلی جدید، اسمی جدید و یا صفتی جدید بسازند. فعلهائی که با کمک پیوندها ساخته می شوند، در دو گروه بررسی می شوند. فعلهائی که از یک اسم (به معنای عام) به وجود می آیند و فعلهائی که از یک فعل دیگر و اینبار با معنا و نقشی دیگر خلق می شوند.

پیوندها در ترکی بسیار متنوع و گسترده است و پرداختن به همه آنها در اینجا میسر نیست. استفاده از تعدادی از آنها نیز خیلی نادر است. با شناختن پیوندها، نیمی از راه مربوط به کشف ریشه لغات ترکی پیموده می شود و با شناختن ریشه تک هجائی آن، می توان آن کلمه را ریشه یابی نمود. لذا به دانشجویان توصیه می شود، همیشه نسبت به لغات ترکی حساس باشند و تا به لغات ترکی می رسند آنها را به اجزای پیوندی و ریشه ای تجزیه کرده و سپس آنها را تحلیل کنند.

برای آشنائی با کار، این دو نوع ترکیب را بررسی کرده و متداولترین پیوندهای آنها ارائه می دهیم:

فعل = اسم + پیوند

- آ/۲: یاشاماق (باش)، ساناماق (سان)، الهمک (ال)، دیلمک (دیل)
- آت/۲: داراتماق (دار)، قاراتماق (قارا)، گۆزتمک (گۆز)، دوزتمک (دوز)
- آر/۲: باشارماق (باش)، اوتارماق (اوت)، کۆزرمک (کۆز)، گۆبرمک (گۆی)
- آش/۲: ساواشماق (ساو)، یاناشماق (یان)
- آل/۲: چوخالماق (چوخ)، بوشالماق (بوش)، دوزلمک (دوز)، دینجلمک (دینج)
- ایلدا/۴: تاققیداماق (تاقق)، تاپیلدماق (تاپ)، جوکگولدهمک (جوکک)
- ل/۲: داشلاماق (داش)، باشلاماق (باش)، دیشلمک (دیش)، ایزلمک (ایز)
- لان/۲: باغلاماق (باغ)، باشلانماق (باش)، دیشلمک (دیش)، ایشلمک (ایش)

فعل = فعل + پیوند

- آر/۲: قوپارماق (قوپ)
- یز/۴: قالخیزماق (قالخ)، دادیزماق (داد)، امیزماق (ام)
- یق/۴: سینیخماق (سین)، دوروخماق (دور)، بتزیکمک (بتز)، گۆروکمک (گۆر)
- یل/۴: یورولماق (یور)، بورولماق (بور)، گۆتورولمک (گۆتور)، یئییلمک (یئمک)
- نا/۲: قایناماق (قای)، اسنه مک (اس)
- دیر/۴: یان دیرماق (یان)، قوشدورماق (قوش)، سور دورمک (سور)، اندیرمک (ان)
- ای/۴: قارتیماق (قارت)، سورومک (سور)

تمرین

- ۱- تعریف فعل اصلی را بیان کرده و برای آن مثال بزنید.
- ۲- از نظر ساختاری، نوع افعال زیر را بیان کنید:
ایچمک، اوچالماق، ییغیشماق، یویونماق، سارالماق، اوزاقلاشماق
- ۳- ریشه افعال مشتقی زیر را بیان کنید:
یتریمک، قاتیشماق، سؤیله مک، دیلنمک، دیللنمک، دارالماق
- ۴- افعال مرکب زیر در اصل چه بوده اند؟
ترکیتمک، دیشله مک، باغلاماق، داراتماق
- ۵- از روی معنای مشترک افعال زیر (همگی مربوط به صدا) چه قضاوتی در مورد پیوند قیر/گیر/می کنید؟
اؤسکورمک، آسقیрмаق، قیشقیрмаق، ایشقیрмаق، آنقیрмаق، بانقیрмаق، ایچقیрмаق، پۆنکورمک

درس هفتم: فعل (۲) - نمو فعل، افعال قیدی و وجوه فعلی

فعل از نظر نحوی

از نظر نحوی فعل را می توان از زوایای مختلف نگاه کرد که در ادامه مورد مطالعه قرار می دهیم:

فعل لازم و متعدی

فعل متعدی (کنجیشلی) نیاز به مفعول صریح دارد ولی فعل لازم (کنجیشسبز) بی نیاز از مفعول صریح است.^۱ برای یافتن نوع فعل از این نظر کفایت قبل از آن فعل «کیمی؟»، «نهیی؟» (چه کسی را؟، چه چیزی را؟) را بیآوریم و به آن پاسخ دهیم. اگر جمله سئوالی، معنادار بود، فعل نیز متعدی است وگرنه لازم است. برای نمونه نمی دانیم افعال «گتتمک، یتمک، آپارماق، قاچماق» لازم هستند یا متعدی. کفایت آزمون فوق را اجرا کنیم: «کیمی گتتمک!، نهیی یتمک (غذانی یتمک)، نهیی آپارماق (کیتابی آپارماق)، کیمی قاچماق!». ملاحظه می شود که دو فعل گتتمک و قاچماق در این سؤال نمی گنجند. لذا این دو لازم هستند و یتمک و آپارماق افعال متعدی اند. البته بعضی افعال در مرز این دو تعریف قرار دارند و گاهی از گروه افعال لازم هستند و گاهی ممکن است نقش افعال متعدی را به خود بگیرند. مثلاً فعلی مانند «گتتمک» در جمله ای مانند «او گتندی» نقش لازم دارد اما در جمله ای مانند «او، ادب یولو گتندی» نقش متعدی دارد. این نوع افعال را افعال دووجهی گویند.

تبدیل فعل لازم به فعل متعدی

در زبان ترکی به روشهای متنوعی می توان فعل لازم را به فعل متعدی تبدیل نمود. در این روشها یک پیوند مطابق جدول زیر به انتهای فعل لازم چسبیده و فعل متعدی ساخته می شود. در این جدول پیوندهای «ارت» و «یرت» ترکیب دو پیوند «ار» و «یر» با «ت» و با همان نقش هستند. ضمناً پیوند «دیر» فعل لازم را متعدی و فعل متعدی را فعل اجباری می کند.

جدول پیوندهای متعدی ساز

^۱ علامت مفعول صریح در ترکی پیوند ی/۴ می باشد.

پيوند	فعل لازم	فعل متعدی
ت	چورومک (فاسد شدن) ، اوتورماق (نشستن)	چورومتک (فاسد کردن) ، اوتورتماق (نشاندن)
ار	چيخماق (درآمدن) ، قوپماق (قطع شدن)	چيخارماق (دراوردن) ، قوپارماق (قطع کردن)
ارت	چيخماق (درآمدن) ، قوپماق (قطع شدن)	چيخارتماق (دراوردن) ، قوپارتماق (قطع کردن)
ير	بيشيمک (پخته شدن) ، اوچماق (خراب شدن)	بيشيريمک (پختن) ، اوچورماق (خراب کردن)
يرت	بيشيمک (پخته شدن) ، اوچماق (خراب شدن)	بيشيرتيمک (پختن) ، اوچورتماق (خراب کردن)
دبر	لازم: گولمک (خندیدن) ، باريشماق (آشتی کردن) متعدی: ايچمک (نوشیدن) ، آلماق (خریدن)	گولدورمک (خنداندن) ، باريشديرماق (آشتی دادن) ايچديرمک (نوشاندن) ، آلديرماق (خراندن!)
يز	قالخماق (بیا خاستن) ، اممک (شیر خوردن)	قالخيزماق (خود را بلند کردن) ، اميزديرمک (شیر دادن)

فعل معلوم و مجهول

در جمله ای با فعل معلوم (آدلی ، بللی) ، جمله دارای فاعل است اما اگر فعل آن مجهول (آدسیز) باشد ، فاعلی در جمله دیده نخواهد شد و فعل با مفعول در تعامل خواهد بود. اگر فعلی مجهول باشد ، ناگزیر باید از نوع فعل متعدی باشد. چراکه در غیاب فاعل حداقل باید مفعول وجود داشته باشد. لذا افعال لازمی که نمی‌توانند متعدی شوند ، نمی‌توانند مجهول شوند. مانند جمله حسن اوّلدو! با الحاق یکی از پیوندهای چهارگانه «ین» (برای افعال مختوم به «ل» یا مصوت «آ/ا») و «یل» (برای بقیه افعال) به انتهای فعل متعدی می‌توان فعل مجهول ساخت. برای نمونه:

- «ین»: بيلمک، سيلمک، سالماق، آريماق ← بيلينمک، سيلينمک، سالينماق، آرينماق.
- «یل»: يازماق، يئمک، ايچمک ، بوغماق ← يازيلماق، يئيشيلمک، ايچيلمک ، بوغولماق.

فعل منفی و مثبت

در ترکی با ترکیب فعل و پیوند دوگانه «ما/مه» می‌توان فعل را منفی کرد. برای نمونه می‌توان افعال مثبت «آلماق (گرفتن) ، باخماق (نگاه کردن) ، دورماق (ایستادن) ، دئمک (گفتن) ، ايچمک (نوشیدن)» را به افعال منفی «آلماماق (نگرفتن) ، باخماماق (نگاه نکردن) ، دورماماق (نایستادن) ، دئمه‌مک (نگفتن) ، ايچمه‌مک (نوشیدن)» تبدیل کرد. «ما/مه» بعد از بن همان پیوند منفی ساز است و «ما/مه» دومی صائت اول نشانه مصدری «ماق/مک» است.

توجه: با جسیدن پیوند «ما/مه» به انتهای فعل ممکن است اسم و صفت نیز درست شود. آنرا با فعل منفی اشتباه نگیریم. مانند: سورتمه، چکمه، قییم(قیئمه)، قوورما، دولما، سورمه، ساچما، دوگمه فعل اشتراکی (قارشیلیق)

در زبان عربی بابت داریم به نام «مفاعله» که هر فعلی در آن قالب بیاید ، نقش دو طرفه می‌گیرد ، مانند: مناظره ، مباحثه ، مصاحبه ، متارکه ، منازعه ، مباحله و ... این قابلیت در زبان ترکی با

الحاق پیوند «یش/۴» به انتهای فعل ساخته می شود. مثلاً برای افعال «وورماق(زدن) ، قووماق (راندن) ، سورماق(پرسیدن) ، دئمک(گفتن)» می توان به افعال مشارکتی زیر رسید: «ووروشماق (زدو خورد)، قووشماق(رقابت با هم)، سوروشماق(سؤال و جواب کردن)، دئیشمک(مباحثه کردن)».

اگر فعل به صائت «آ/ا» ختم شود ، خصوصاً فعلهای مشتقی که از «لا/له» ساخته می شوند ، از پیوند «ش» به تنهایی استفاده می کنیم. برای نمونه فعل «آغلاماق»(گریستن) را در نظر می گیریم که حرف آخر بن آن صائت «آ» است. لذا فعل مشارکتی آن «آغلا+ش+ماق» یا آغلاشماق می شود. به همین ترتیب داریم: یاناشماق ، ساواشماق ، قاراشماق ، قوچاقلاشماق.

فعل عطفی یا بازگشتی (قاییدیش)

این نوع فعل نیز از شگردهای زبان ترکی است. دراین فعل نتیجه فعل به فاعل فعل باز می گردد. پیوند چهارگانه «ین» در انتهای بن فعل ظاهر شده و این معنی را به فعل می دهد. مثلاً برای افعالی مانند «یوماق(شستن) ، دئمک(گفتن) ، سورمک(هل دادن) ، اریمک(ذوب شدن) ، سویماق(پوست کردن) ، گئیمک(پوشیدن)» می توان به افعال جدید زیر رسید که دارای نقشی متفاوت با فعل اصلی ولی همخانواده با آن می باشد: «یویونماق(خود را شستن) ، دئیینمک(باخود زیر لبی گفتن) ، سورونمک(تعلل و یک پا - دو پا کردن)، ارینمک(خود را به تنبلی زدن) ، سوویونماق(لباس درآوردن از تن)، گئیینمک(لباس به تن کردن)».

افعال قیدی

با اضافه شدن پیوند به انتهای آن به شکل قیود زمانی ، کیفیت ، علت و ... درآمده و در کوتاهی جملات ترکی نقش بسیار حائز اهمیتی پیدا می کنند. مانند: یاز گلنده (وقتی بهار می آید) ، باخاندا (هنگام نگاه کردن). این قیود در دو گروه قیود زمانی و قیود کیفیتی و حالتی بحث می شوند.

قیود زمانی

چندپیوند در زبان ترکی این وظیفه را برعهده دارند که به اهم آن اشاره می شود:

- «آندا/۲»: آچاندا (هنگام باز کردن) ، گلنده (هنگام آمدن).
- «دئیدا/۴»: گوردوکده(به محض دیدن) ، چیخدیقدا(به محض خروج).
- «کن»: آلا رکن (ضمن گرفتن ، همینکه گرفت) ، گئدرکن(ضمن رفتن)
- «جاق/۲» و «جاعین/۴»: گورجک/گورجگین(به محض دیدن)، آلباق/آلباغین(به محض گرفتن)
- «دئیقجا/۴»: گوردوکجه (در هر بار نگاه) ، آلدیقجا (در هر بار گرفتن)
- «اینجا/۲»: آلینجا (تا وقتی او بگیرد) ، گلینجه (تا زمانی که او بیاید)

قیود حالتی ، کیفیتی ، علتی

چند پیوند در زبان ترکی این وظیفه را برعهده دارند که ذیلاً به اهم آن اشاره می‌شود:

- «یب/۴»: از تکرار ضمیر در دو فعل متوالی جلوگیری کرده و با نشستن به جای ضمیر فعل نخست جمله را شیوا می‌نماید. مانند «آلدی گئتدی» (گرفت و رفت) که به «آلیب گئتدی» تبدیل می‌شود. به همین ترتیب: «باخیب گوردو ، قاچیب دوشدو ، آغالییب یالواردی».
- «آراق/۲»: در آذربایجان امروزه عادت دارند بگویند: «قاچاقاچا» (دوان دوان)، آغالیباغالیبا (گریبان گریبان) ، ولی در ترکی ادبی با اضافه شدن این پیوند به انتهای کلمه این نقش ایفا می‌شود. مانند: قاچاراق (ضمن دویدن)، گوله‌رک (ضمن خندیدن)
- «بان/۲»: آغالیابان (گریه کنان ، ضمن گریه) ، گوله‌بن (ضمن خندیدن)
- «آلی/۲»: من آلالی (همینکه گرفتم، بجای آنکه من بگرفتم) ، سن گله‌لی (به محض آمدنت)
- «مادان/۲» : من آلمادان سن آلدین (بجای آنکه من می‌گرفتم ، تو گرفتی)
- «آ/۲» : در انتهای دو فعل متوالی می‌آید: آلا گله (بگیرد و بیاید) ، گله باخا (بیاید و نگاه کند). این پیوند نقش «یب» را بازی می‌کند. فرق نمی‌کند بگوئیم: «آلا قاچا» یا «آلیب قاچا».
- «آرماز/۲»: یک فعل دوبر تکرار شده به انتهای اولی پیوند زمان دائم «آر/ار» و به انتهای دومی پیوند انکار دائمی «ماز/مز» می‌آید. مانند گلر- گلمز (آمدنیامد) در جمله: تعارفین گلر گلمز ی وار (تعارف آمد نیامد دارد)، یا دوتار دوتماز در: شانسین دوتار دوتمازی وار (شانس بگیر بگیر دارد).

وجه فعلی

وجه فعلی چنان مهم است که گاهی می‌تواند مستقلاً نقش فعلی بازی کند. هر زبانی از این لحاظ گسترده باشد ، می‌تواند امتیازی به نفع آن زبان از نظر گستردگی و تنومندی باشد. در زبان ترکی وجه فعلی با الحاق به فعل ، یک نقش مستقل بازی می‌کنند و گویا نمی‌توان آنرا به عنوان یک فعل مشتقی و ترکیبی در نظر گرفت. وجه ترکی بسیار متنوع است و مانند مباحث گذشته تنها برای اشاره به موارد مهم آن رضایت می‌دهیم.

وجه خبری یا شهودی فعل

گوینده بلاواسطه انجام فعل را از جانب خود نقل می‌کند. می‌تواند در تمام زمانها بیآیند. مثلاً در ماضی استمراری داریم: «یازیردیم» و در ماضی بعید هم داریم: «یازمیشدیم».

وجه نقلی (روایی ، غیرشهودی) فعل

برخلاف وجه خبری با واسطه و از زبان دیگری نقل می‌شود و گویا گوینده قطعیتی درباره آن

ندارد. در زمانهای آینده در گذشته غیرقطعی نقلی، ماضی بعید و ... کاربرد دارد. مانند: یازمیشام، یازمیشایدیم. این وجه با ترکیبات «ایمیش» شناخته می‌شود.

وجوه شک، التزام، تمنا، آرزو، تأکید، نصیحت، امر در فعل از نظر محتوا شبیه هم بوده در ازمنه مختلف می‌آیند: یازسییام، یازسیمیشام، یازیم، یازام، یازایدیم وجه استمراری فعل

تمام فعلهائی که در آن حالت استمرار و تداوم وجود دارد، وجه استمراری دارند. مانند: یازاردیم، یازیردیم، یازار ایمیشام، یازماقدایدیم، یازماقدايام، یازماقدايمیشام

وجه شرطی فعل

وجه شرطی پیوند «سا/سه» است. مانند: یازسام، یازدیمسا، یازمیشامسا، یازمالییامسا. گاهی از نشانه شرط فارسی «اگر» استفاده می‌شود و حتی گاهی هم دو علامت استفاده می‌شود. مانند: اگر آسام! نشانه شرط ترکی ممکن است به اسم نیز اضافه شود. مانند: سو سرین سه منه وئر (اگر آب خنک است، به من هم بده)، یوخسا(وگرنه)، حسن سه قاپینی آچ (اگر حسن است، در را باز کن)

وجه توانائی فعل

به کمک فعل کمکی «بیلیمک» می‌توان مفهوم توانائی را در فعل آورد. پیوند «آ/ا» به بن فعل چسبیده سپس ترکیبات بیلیمک در زمانها و اشخاص مختلف می‌آید. مانند: آتا بیلیمهرم(نمی‌توانم رها کنم)، باخا بیلیمز(هرگز نمی‌تواند نگاه کند)، یازا بیلیمیشم(نگو می‌توانستم بنویسم)

وجه استفهامی فعل

نشانه سؤال در ترکی پیوند «می/۴» است که در ترکی ایرانی رها شده و تنها در اشعار می‌توان آن را دید. مانند: آلدینمی(آیا گرفتی؟)، گوردونمو(آیا دیدی؟)، یئدینمی(آیا خوردی؟)، ووردونمو(آیا زدی؟)

صفات فعلی

صفات فعلی از فعل ساخته شده و خصوصیات موصوف را که فاعل و مفعول است، بیان می‌دارد و شامل صفات فاعلی و صفات مفعولی است به شرح ذیل:

صفت فاعلی(اذهن)

فاعل از پیوستن «آن/ان» به بن فعلی ایجاد می‌شود. مانند: باخان(نگاه کننده)، آلان(گیرنده)، گئندن(رونده)، یئین(خورنده).

در ترکی می‌توان از فعل منفی نیز صفت فاعلی ساخت: باخامایان (آنکه نگاه نمی‌کند) ، آلمایان (آنکه نمی‌گیرد) ، گتتمه‌ین (آنکه نمی‌رود) ، یئمه‌ین (آنکه نمی‌خورد).
در زبان ترکی می‌توان کوشائی و پویائی را هم به فاعل نسبت داد. برای این کار از پیوند «قان/کن» استفاده می‌شود. مانند: چالیشقان (بسیار تلاشگر) ، ووروشقان (بسیار جنگجو) همچنین پیوند «آر/ار» در ترکی، صفت فاعلی دائمی می‌سازند. مانند: آخار سو (آب همیشه روان) ، یانار اود (آتش همیشه سوزان) ، آچار (همیشه باز کننده) ، یاشار (همیشه جاودان)

صفت مفعولی (اندیلین)

به اشکال مختلفی ساخته می‌شود که در اینجا اشاره می‌شود:

- بن فعل + میش / ۴ :
- باخمیش (نگاه کرده شده) ، گتتمیش (رفته) ، اوچموش (پرواز کرده) ، دوزموش (مرتب کرده شده)
- بن فعل + دیقیم / ۴ :
- باخدیقیم (آنچه دیده‌ام) ، گتدیگیم (آنچه رفته‌ام) ، اوچدوغوم (آنچه پرواز کرده‌ام) ، دوزدوغوم (آنچه چیده‌ام)
- بن فعل + آجاق / ۲ :
- باخاجاق (نگاه کردنی) ، گنده‌جک (رفتنی) ، اوچاجاق (پرواز کردنی) ، دوزه‌جک (مرتب کردنی).

حالت وجوبی فعل

از ترکیب بن فعل با «مالی/مهلی» به وجود می‌آید. مانند: باخمالی (قابل نگاه کردن) ، آنچه باید نگاه کرد) ، گتتمه‌لی (قابل رفتن ، رفتنی) ، اوچمالی (قابل پرواز کردن ، پرواز کردنی)

تمرین

- ۱ - فعل لازم و متعدی را سوا کنید: دورماق ، اوچماق ، درمک ، ایچمک
- ۲ - این افعال لازم را متعدی کنید: یانماق ، یئتمک ، چیخماق ، سینماق
- ۳ - وجوه فعلی را مشخص کنید: آلایدیم ، آلا بیلمه‌دیم ، آلدیم ، آلاردیمسا ، آلماقدایدیم
- ۴ - کدام فعل اشتراکی نیست؟ دنیشمک ، ساواشماق ، قاووشماق ، دانیشماق
- ۵ - از نظر صفت فعلی جنس کدامیک متفاوت است؟ آلدینیم ، آلان ، آلمیش ، آلاچاق

درس هشتم : فعل (۳) - زمان ماضی

زمان در افعال ترکی

گفتیم: فعل ، وقوع عمل یا رخداد حادثه در زمان معین است. معلوم می شود که زمان جزء اجتناب ناپذیر زبان محسوب می شود. به نظر می رسد که تمام زبانها دارای زمانهایی مثل هم باید باشند و تنها ساختار آنها بخاطر اختلاف زبانها باید متفاوت باشد ، درحالیکه این حرف کاملاً صحیح نیست. در زبان ترکی ۴۶ نوع زمان را می توان در ساختار جملات ملاحظه کرد که باعث قرارگیری این زبان در ردیف زبانهای غنی و پر قدرت می شود. شاید جدی نگیریم اگر گفته شود: زبان ترکی زمانهایی دارد که در دیگر زبانها مانند فارسی و عربی وجود ندارد. ولی این واقعیت دارد. برای نمونه در ترکی می توان در گذشته به زبان آینده سخت گفت. در دیگر زبانها یا این زمان وجود ندارد یا برای بیان آن باید متوسل به جمله و شرح شد.

پرداختن به تمام ۴۶ زمان فعل در زبان ترکی در این مجال کوتاه میسر نیست و علاقمندان برای تحقیق بیشتر به مراجع دیگر مراجعه نمایند. در اینجا تنها می توانیم اهم ازمینه ترکی را توضیح دهیم. دانشجویان عزیز با همین داشته ها و اندوخته ها می توانند روی دیگر ازمینه تحقیق کنند. جامعترین تقسیمبندی در زبان ترکی همان زمانهای گذشته ، حال و آینده می باشد که هر کدام از این زمانها به بخشها و زیرمجموعه های مختلف تقسیم می شوند که عبارتند از:

الف - زمان گذشته (ماضی ، کئچمیش)

الف/۱: ماضی ساده ؛ الف/۲: ماضی نقلی ؛ الف/۳: ماضی استمراری موقت ؛
الف/۴: ماضی استمراری دائم ؛ الف/۵: ماضی استمراری مصدری ؛ الف/۶: ماضی بعید

ب - زمان حال (ایندی)

ب/۱: حال ساده ؛ ب/۲: حال استمراری ؛ ب/۳: حال استمراری ابدی

ج - زمان آینده (مستقبل ، گله جک)

ج/۱: آینده خبری ؛ ج/۲: آینده التزامی ؛ ج/۳: آینده در گذشته خبری (قطعی و روائی) ؛

ج/۴: آینده در گذشته التزامی (خبری و روائی)

قبل از آشنائی با ازمنه مختلف ترکی به چند نکته توجه کنیم:

- در تمام افعال، ابتدا ریشه فعل سپس پیوند زمانساز و در نهایت ضمیر شخصی می آید.
- برای منفی سازی افعال از پیوند «ما/۲» بعد از فعل اصلی و قبل از دیگر پیوندها استفاده می کنیم.
- برای شرطی کردن افعال از پیوند «سا/۲» در انتهای افعال کمک می گیریم. مانند: آلدینسا
- در افعال مخاطب جمع (دوم شخص جمع) بخاطر احترام بجای «ز» از «نیز» استفاده می کنند. مانند: گتتدیز (رفتید) - گتتدینیز (تشریف بردید)؛ یتدیز (خوردید) - یتدینیز (میل فرمودید)

الف - زمان گذشته (ماضی، کنجیمیش)

وقوع فعل مربوط به زمان گذشته است اما از لحاظ دوری/نزدیکی این زمان به حال یا نقل قول مستقیم/غیرمستقیم و یا تداوم داشتن/نداشتن آن به گروههای زیر تقسیم می شود:

الف - ۱: ماضی ساده (ماضی مطلق، ماضی خبری، ماضی شهودی)

مربوط به گذشته است و قطعاً زمان آن به اتمام رسیده و گوینده مستقیماً وقوع آنرا خبر می دهد. برای همین آنرا به نامهای ماضی مطلق، ماضی خبری و ماضی شهودی هم می شناسیم. علامت آن در ترکی، پیوند «دی/۴» است. مثلاً برای اول شخص مفرد از آلماق (گرفتن) ابتدا ریشه فعلی «آل» و سپس پیوند متناسب با آن یعنی «دی» و نهایتاً ضمیر شخصی اول شخص مفرد یعنی «یم» می آید و فعل «آلیم» بصورت ماضی ساده برای اول شخص مفرد تشکیل می شود. برای اینکه بتوانیم از هر چهار پیوند «دی/۴» استفاده کنیم، صرف کامل این زمان را برای افعال «گتتمک، آلماق، اوچماق، کوچمک» انجام می دهیم:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گتتمک	گتتدیم	گتتدین	گتتدی	گتتدیک	گتتدیز	گتتدیلر
آلماق	آلدیم	آلدین	آلدی	آلدیق	آلدیز	آلدیلار
اوچماق	اوچدوم	اوچدون	اوچدو	اوچدوق	اوچدوز	اوچدولار
کوچمک	کوچدوم	کوچدون	کوچدو	کوچدوک	کوچدوز	کوچدولر

الف - ۲: ماضی نقلی

هرچند مانند ماضی ساده مربوط به گذشته است اما یک تفاوت اساسی با آن دارد و آن اینکه گویا

گوینده خود شاهد وقوع آن نیست و آنرا نقل می کند. لذا قطعیت آن مانند ماضی ساده نیست و چه بسا اصلاً چنین فعلی انجام نگرفته باشد(مگر برای اول شخص مفرد و جمع). پیوند مخصوص این زمان «میش/۴» است. برای همان مثالها داریم:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گتتمک	گتتمیشم	گتتمیشن	گتتمیشدی	گتتمیشیک	گتتمیشسبز	گتتمیشلر
الماق	المیشام	المیشسان	المیشدی	المیشیق	المیشسبز	المیشلار
اوچماق	اوچموشام	اوچموشسان	اوچموشدو	اوچموشوق	اوچموشسوز	اوچموشلار
کۆچمک	کۆچموشم	کۆچموشسن	کۆچموشدو	کۆچموشوک	کۆچموشسوز	کۆچموشلر

پیوند دیگر زمان ماضی نقلی «یب/۴» است. مثلاً برای الماق داریم:

الیام - الیسان - آلیدی ؛ آلییق - آلیسبز - آلیلار

در ترکی کنونی آذربایجان ترکیبی از این دو پیوند را استفاده می کنند. مثلاً:

منطقه میانه: المیشام - الیسان - آلیدی ؛ المیشیق - آلیسبز - آلیلار

منطقه تبریز: المیشام - المیشان(المیشسان) - آلیدی ؛ المیشیق - المیسبز(المیشسبز) - آلیلار

الف - ۳: ماضی استمراری موقت

این فعل در زمان گذشته انجام گرفته و تداوم و استمرار داشته است. استمرار آن در یک محدوده زمانی خاص بوده است. علامت آن پیوند «ایردی/۴» است. برای نمونه:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گتتمک	گتتیردیم	گتتیردین	گتتیردی	گتتیردیک	گتتیردیز	گتتیردیلر
الماق	آلتیردیم	آلتیردین	آلتیردی	آلتیردیق	آلتیردیز	آلتیردیلار
اوچماق	اوچوردوم	اوچوردون	اوچوردو	اوچوردوق	اوچوردوز	اوچوردولار
کۆچمک	کۆچوردوم	کۆچوردون	کۆچوردو	کۆچوردوک	کۆچوردوز	کۆچوردولر

الف - ۴: ماضی استمراری دائم

این فعل در زمان گذشته انجام گرفته و تداوم و استمرار داشته است. محدوده زمانی آن مانند «ماضی استمراری موقت» کوتاه و موقتی نیست بلکه مربوط به تمام گذشته می شود. یعنی همیشه این فعل به گذشته شامل بوده است. مانند اینکه از خصایص نیکوی شخصی بگوئیم که

اکنون پیش ما نیست و او همیشه این خصوصیات را داشته است یا از خاطرات دانشگاهمان صحبت کنیم که سالهاست از آن جدا شده ایم. این زمان در فارسی وجود ندارد و برای هر دو نوع ماضی استمراری از یک حالت استفاده می کنند. علامت آن پیوند دوگانه «اردی/۲» است. برای نمونه:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گنتمک	گنتردیم	گنتردین	گنتردی	گنتردیک	گنتردیز	گنتردیله
آلماق	آلاردیم	آلاردین	آلاردی	آلاردیق	آلاردیز	آلاردیلار
اوچماق	اوچاردیم	اوچاردین	اوچاردی	اوچاردیق	اوچاردیز	اوچاردیلار
کۆچمک	کۆچردیم	کۆچردین	کۆچردی	کۆچردیک	کۆچردیز	کۆچردیلر

نکته مهم در منفی سازی این زمان این است که در ترکی برای نفی دائم از پیوند منفی ساز دائم «ماز/مز» استفاده می کنند. برای همین سولماز یعنی چیزی که هرگز پزمرده نشود. لذا می گوئیم: آمازدیم - آمازدین - ... ، گنتمزدیم - گنتمزدین - ...

الف - ۵: ماضی استمراری مصدری

این ماضی از نظر وظیفه شبیه ماضی استمراری دائم است و از پیوند «دا/۲» و فعل کمکی «ایمک» به مصدر ایجاد می شود. برای نمونه: کۆچمکده ییدیم (درحال کوچیدن بودم) ، اؤلمکده ییدی (درحال فوت بود) ، یئمکده ییدی (درحال خوردن بود).

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گنتمک	گنتمکده ییدیم	گنتمکده ییدین	گنتمکده ییدی	گنتمکده ییدیک	گنتمکده ییدیز	گنتمکده ییدیلر
آلماق	آلماقدا ییدیم	آلماقدا ییدین	آلماقدا ییدی	آلماقدا ییدیک	آلماقدا ییدیز	آلماقدا ییدیلار
اوچماق	اوچماقدا ییدیم	اوچماقدا ییدین	اوچماقدا ییدی	اوچماقدا ییدیک	اوچماقدا ییدیز	اوچماقدا ییدیلار
کۆچمک	کۆچمکده ییدیم	کۆچمکده ییدین	کۆچمکده ییدی	کۆچمکده ییدیک	کۆچمکده ییدیز	کۆچمکده ییدیلر

الف - ۶: ماضی بعید

ماضی بعید در گذشته دور انجام گرفته و همان زمانها به اتمام رسیده و دیگر اثری از آن نیست. کهنترین زمانها محسوب می شود. این زمان از پیوند «میش/۴» و فعل کمکی «ایمک» به انتهای فعل حاصل می شود:

فعل	مفرد	جمع
-----	------	-----

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
گنتميش ايديلر	گنتميش ايديز	گنتميش ايديك	گنتميش ايدى	گنتميش ايدين	گنتميش ايديم	گنتمك
الميش ايديلر	الميش ايديز	الميش ايديك	الميش ايدى	الميش ايدين	الميش ايديم	الماق
اوچموش ايديلر	اوچموش ايديز	اوچموش ايديك	اوچموش ايدى	اوچموش ايدين	اوچموش ايديم	اوچماق
كؤچموش ايديلر	كؤچموش ايدين	كؤچموش ايديك	كؤچموش ايدى	كؤچموش ايدين	كؤچموش ايديم	كؤچمك

«ایمک» مصدرى قديمى است كه اكنون بكار نى رود ولى صورتهای مختلف آن مانند «ایدی» و «ایمیش» کاربرد دارند. نى توانيم آنرا مطابق مصوتها تغيير دهيم و بگوئيم: كؤچموشودوك! الميشيديق! (هرچند متداول است). بهتر است بصورت مجزا بگوئيم: كؤچموش ايديك و الميش ايديك

تمرین

- ۱ - افعال «ياتماق ، دورماق ، ايچمك ، گولمك» را در زمان ماضى ساده صرف كنيد.
- ۲ - افعال «ياتماق ، دورماق ، ايچمك ، گولمك» را در زمان ماضى نقلى صرف كنيد.
- ۳ - افعال «ياتماق ، دورماق ، ايچمك ، گولمك» را در زمان ماضى ماضى استمرارى موقت صرف كنيد.
- ۴ - افعال «ياتماق ، دورماق ، ايچمك ، گولمك» را در زمان ماضى استمرارى دائم صرف كنيد.
- ۵ - افعال «ياتماق ، دورماق ، ايچمك ، گولمك» را در زمان ماضى بعيد صرف كنيد.

درس نهم : فعل (۱۴) - زمان حال و آینده

ب - زمان حال (ایندی)

این نوع افعال در زمان حاضر انجام گرفته و ما واقف به آن هستیم. در دو نوع کاربرد دارد:

ب - ۱: حال ساده

وقوع فعل در زمان حاضر است. علامت آن «ایر/۴» است:

جمع			مفرد			فعل
سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
گنڈیرلر	گنڈیرسیز	گنڈیریگ	گنڈیر	گنڈیرسن	گنڈیرم	گنٹمک
آلیرلار	آلیرسیز	آلیریق	آلیر	آلیرسان	آلییرام	آلماق
اوجورلار	اوجورسوز	اوجوروق	اوجور	اوجورسان	اوجورام	اوجماق
کۆچورلر	کۆچورسوز	کۆچوروک	کۆچور	کۆچورسن	کۆچورم	کۆچمک

در مورد منفی سازی این زمان در اصل باید «ما/مه» را به انتهای بن فعلی بیافزائیم و بگوئیم:

گنٹمه ییرم ، آلماییرام. هرچند در زبان ادبی اینگونه صحبت کردن و نوشتن بسیار شیرین و پسندیده است اما بنا به تسهیل می توان گنٹمیرم ، آلمیرام و ... هم به کار برد.

در محاوره غالباً حرف «ر» از پیوند «ایر» در دوم شخص فرد و جمع حذف شده و در سوم شخص جمع به هم مخرج خود «ل» تبدیل می شود: گنڈیسن ، گنڈیسیز ، گنڈیلر

ب - ۲: حال استمراری مصدری

در این زمان ، فعل بصورت استمرار و مداوم در حال انجام در زمان حاضر است. آغاز شده ولی پایان نیافته است. برای ساختن این نوع زمان بعد از بن فعل ، نشانه مصدری ، سپس پیوند «دا/۲» و در نهایت ضمیر شخصی می آید. مانند: گوللر چیچکلنمکده دیر ، هاوا آچماقدا دیر ، حسن گنٹمکده دیر. برای چهار فعل قبلی داریم:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گنتمک	گنتمکده‌یم	گنتمکده‌سن	گنتمکده‌دیر	گنتمکده‌ییک	گنتمکده‌سیز	گنتمکده‌دیرلر
آلماق	آلماق‌ایام	آلماق‌اسان	آلماق‌ادیر	آلماق‌اییق	آلماق‌اسیز	آلماق‌ادیرلار
اوچماق	اوچماق‌ایام	اوچماق‌اسان	اوچماق‌ادیر	اوچماق‌اییق	اوچماق‌اسیز	اوچماق‌ادیرلار
کۆچمک	کۆچمکده‌یم	کۆچمکده‌سن	کۆچمکده‌دیر	کۆچمکده‌ییک	کۆچمکده‌سیز	کۆچمکده‌دیرلر

در محاوره بجای «دیر» در سوم شخص مفرد و جمع از «دی» هم استفاده می شود.

ب/۳: حال استمراری ابدی

این زمان ، جریانی دائمی و قطعی است و خیال گوینده از وقوع آن آسوده است. معادل فارسی ندارد. مانند اینکه بگوئیم: گون چیخار (آفتاب طلوع کردنی است ، قطعاً آفتاب طلوع می کند). در فارسی برای هر دو جمله «گون چیخیر» و «گون چیخار» می گوئیم: «آفتاب طلوع می کند» ، درحالیکه معنای جمله دوم این است: شکی نیست که آفتاب همیشه طلوع می کند. برای ساخت این زمان ، از پیوند «ار/۲» و ضمیر شخصی کمک می گیریم. بصورت:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گنتمک	گنترم	گنترسن	گندر	گندریک	گندرسیز	گندرلر
آلماق	آلارام	آلارسان	آلار	آلاریق	آلارسیز	آلارلار
اوچماق	اوچارام	اوچارسان	اوچار	اوچاریق	اوچارسیز	اوچارلار
کۆچمک	کۆچهرم	کۆچهرسن	کۆچهر	کۆچهریک	کۆچهرسیز	کۆچهرلر

در محاوره «ر» قبل از «ل» را با «ل» ادغام کرده و می گویند: گندلر

برای توضیح بیشتر اگر سؤال شود: آیا مدرسه می روی؟ اگر پاسخ دهیم: «گندیرم» به معنای این است که بله! الان داریم راهی مدرسه می شوم ، ولی اگر پاسخ دهیم: «گنده‌رم» به معنای این است که بله! من همیشه مدرسه می روم و ترک تحصیل نکرده ام.

از آنجا که این زمان دائمی است ، برای منفی‌سازی این زمان از «ماز/۲» بهره می‌گیرند اما امروزه برای اول شخص مفرد و جمع دیگر از این پیوند استفاده نمی‌کنند و از «ما/۲» کمک می‌گیرند. مثلاً برای آلماق می‌گویند: آلمارام - آلمازسان - آلماز ؛ آلماریق - آلمازسیز - آلمازلار

چنانکه نسیمی شاعر معروف آذربایجانی معاصر با حافظ شیرازی برای اول شخص مفرد هم این پیوند نفی را استفاده می کند: منده سیغار ایکی جهان - من بو جهاندا سیغمازام

ج - زمان آینده (مستقبل ، گله جک)

هنوز این فعل واقع نشده و بعداً رخ می‌دهد. از نظر اینکه از وقوع آن در آینده مطمئن باشیم یا نه ، از نظر اینکه همیشگی باشد یا در محدوده زمانی خاص صادق باشد ، تقسیمبندی متنوعی دارد. ضمناً در ترکی نوعی آینده وجود دارد که مربوط به گذشته است. ذیلاً به شرح آنها می‌پردازیم:

ج - ۱: آینده قطعی (خبری)

وقوع فعل در آینده ، قطعی است و گوینده با اطمینان به وقوع آن سخن می‌گوید. نشانه آن در ترکی پیوند «آجاق/۲» است. برای چهار فعل قبلی باز در این زمان شروع به صرف می‌کنیم:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گنتمک	گنده‌جه‌یم	گنده‌جکسن	گنده‌جک	گنده‌جه‌ییک	گنده‌جکسیز	گنده‌جکلر
الماق	آلا‌جایام	آلا‌جاقسان	آلا‌جاق	آلا‌جاییق	آلا‌جاقسیز	آلا‌جاقلار
اوچماق	اوچا‌جایام	اوچا‌جاقسان	اوچا‌جاق	اوچا‌جاییق	اوچا‌جاقسیز	اوچا‌جاقلار
کؤچمک	کؤچه‌جه‌یم	کؤچه‌جکسن	کؤچه‌جک	کؤچه‌جه‌ییک	کؤچه‌جکسیز	کؤچه‌جکلر

اگر حروف «ک/ق» بین دو مصوت بیافتند به‌ترتیب به «گ/ی» و «غ» تبدیل می‌شوند. مثلاً باید «گنده‌جه‌کم» می‌شد که به «گنده‌جه‌گم» و سپس «گنده‌جه‌یم» تبدیل شده است.

برای منفی سازی نیز از پیوند «ما/۲» پس از بن اصلی فعل اقدام می‌کنیم. منتها بخاطر تلاقی دو مصوت مشابه «آ/۲» مجبوریم از یک تبدیل «ی» در میان آنها کمک بگیریم. مانند: آلمایاجیام. در محاوره در اول شخص مفرد و جمع ، بیشتر تمایل دارند از پیوند تحریفی «آجی/اجی» بصورت آلاجیام ، گنده‌جییم استفاده کنند.

ج - ۲: آینده التزامی (غیرقطعی)

وقوع این فعل در آینده مانند آینده خبری ، قطعی نیست و گویا در اضطراب هستیم که این فعل انجام می‌گیرد یا نه؟ علامت آن در ترکی «آر/ار» است. مانند:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گنتمک	گنדרم	گنדרسن	گندر	گندریک	گندرسیز	گندرلر
الماق	آلارام	آلارسان	آلار	آلاریق	آلارسیز	آلارلار
اوچماق	اوچارام	اوچارسان	اوچار	اوچاریق	اوچارسیز	اوچارلار
کؤچمک	کؤچرم	کؤچرسن	کؤچر	کؤچریک	کؤچرسیز	کؤچرلر

نباید این زمان را با زمان حال استمراری ابدی اشتباه بگیریم. در آنجا صحبت از قطعیت انجام فعل در زمان حال است ولی در اینجا صحبت از شک و دودلی در مورد وقوع فعل در آینده است. مثلاً جمله ای در زمان حال استمراری ابدی مانند: «کیلاسا گنדרهرم» به معنای رفتن همیشگی به کلاس و عدم غیبت است. اما جمله ای در زمان آینده غیرقطعی مانند: «کیلاسا گنדרه» به معنای این است که فعلاً نرفته ام ولی سعی خواهم کرد بروم.

فرق دیگر این دو زمان در منفی سازی است. برای منفی سازی اولی دیدیم که از منفی ساز دائمی «ماز/۲» است ولی برای این زمان از ترکیب «ماز/۲» و «ما/۲» کمک می گیریم. برای نمونه: آمارام ، آلماسان ، آلاماز ؛ آلماریق ، آلماسیز ، آلمازلار

ج - ۳: آینده در گذشته خبری

خود را به زمان گذشته می بریم و درباره آینده ای صحبت می کنیم که اکنون وقوع یافته ولی در آن زمان وقوع نیافته بود. صحبت از آینده در زمان گذشته بصورت قطعی و انجام گرفته است. این زمان خود دو نوع است:

ج - ۳ - ۱: آینده در گذشته خبری قطعی

گوینده آنرا از جانب خود و بدون واسطه می گوید. نشانه آن در ترکی آوردن ترکیبات «ایمک» بعد از نشانه آینده «جاق/۲» است. برای نمونه آلاچاق ایدین (بایستی می خریدی ولی نخریدی):

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گنتمک	گندهجک	گندهجک	گندهجک	گندهجک	گندهجک	گندهجک
ایدیم	ایدین	ایدی	ایدیک	ایدیز	ایدیلر	ایدیلر
آلاچاق ایدیم	آلاچاق ایدین	آلاچاق ایدی	آلاچاق ایدیک	آلاچاق ایدیز	آلاچاق ایدیلر	آلاچاق ایدیلر
اوجماق	اوجاچاق	اوجاچاق	اوجاچاق	اوجاچاق	اوجاچاق	اوجاچاق
ایدیم	ایدین	ایدی	ایدیک	ایدیز	ایدیلر	ایدیلر
کؤچمک	کؤچهجک	کؤچهجک	کؤچهجک	کؤچهجک	کؤچهجک	کؤچهجک
ایدیم	ایدین	ایدی	ایدیک	ایدیز	ایدیلر	ایدیلر

در محاوره دوست دارند این دو پیوند «جاق/۲» و «ایمک» را ادغام کنند و بگویند: آلاچاق ایدیم - آلاچاق ایدین و ... که پذیرفته شده است اما گاهی «آچاق» را «آجای» یا «آجئی» می گویند، بصورت: آلاچاق ایدیم - آلاچاق ایدیم ، اوجاچاق ایدیم - اوجاچاق ایدیم

برای منفی سازی بخاطر تلاقی با مصوت از «مای/۲» استفاده می کنیم. مثلاً: آلمایاچاق ایدیم.

ج - ۳ - ۲: آینده در گذشته خبری روانی

مانند قبل است با این تفاوت که گوینده از وقوع آن اطمینان ندارد. در اینجا بجای ترکیبات «ایمک» از «ایمیش» استفاده می شود. مانند:

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گئتمک	گندهجک	ایمیشسن	ایمیش	گندهجک	ایمیشسیز	ایمیشلر
آلماق	آلاچاق	ایمیشسن	ایمیش	آلاچاق	ایمیشسیز	ایمیشلر
اوچماق	اوچاجاق	ایمیشسن	ایمیش	اوچاجاق	ایمیشسیز	ایمیشلر
کۆچمک	کۆچهجک	ایمیشسن	ایمیش	کۆچهجک	ایمیشسیز	ایمیشلر

دیده می شود که حتی در زبان ادبی و نوشتاری «ایمیش» را متناسب با ریشه، ثقیل می کنند، مانند: آلاچاق ایمشام. این اشتباه جا افتاده و دیگر در زبان نوشتاری هم آنرا پذیرفته ایم. حتی گاهی ساده تر کرده و می گویند: گندهجئیمیشم، آلاچئیمشام، اوچئیدین که صحیح نیستند.

ج - ۴: آینده در گذشته التزامی

فرق این زمان با آینده در گذشته خبری در ابهام و تردیدی است که در ذات آن وجود دارد. باز در دو صورت قطعی و روانی است و با پیوند آینده التزامی ساخته می شود:

ج - ۴ - ۱: آینده در گذشته التزامی خبری

فعل	مفرد			جمع		
	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گئتمک	گندر ایدیم	گندر ایدین	گندر ایدی	گندر ایدیک	گندر ایدیز	گندر ایدیلر
آلماق	آلار ایدیم	آلار ایدین	آلار ایدی	آلار ایدیک	آلار ایدیز	آلار ایدیلر
اوچماق	اوچار ایدیم	اوچار ایدین	اوچار ایدی	اوچار ایدیک	اوچار ایدیز	اوچار ایدیلر
کۆچمک	کۆچر ایدیم	کۆچر ایدین	کۆچر ایدی	کۆچر ایدیک	کۆچر ایدیز	کۆچر ایدیلر

در محاوره آنرا تسهیل کرده و می گویند: گندردیم، آلاردیم و ... که پذیرفته شده است. برای منفی سازی آن از «ماز/۲» استفاده می کنیم. مانند: گئتمز ایدیم، آلامز ایدیم و ...

ج - ۴ - ۲: آینده در گذشته التزامی روانی

جمع			مفرد			فعل
سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	
گنډر ایمیشلر	گنډر ایمیشسيز	گنډر ایمیشیک	گنډر ایمیش	گنډر ایمیشسن	گنډر ایمیشم	گنتمک
آلار ایمیشلر	آلار ایمیشسيز	آلار ایمیشیک	آلار ایمیش	آلار ایمیشسن	آلار ایمیشم	آلماق
اوچار ایمیشلر	اوچار ایمیشسيز	اوچار ایمیشیک	اوچار ایمیش	اوچار ایمیشسن	اوچار ایمیشم	اوچماق
کۆچر ایمیشلر	کۆچر ایمیشسيز	کۆچر ایمیشیک	کۆچر ایمیش	کۆچر ایمیشسن	کۆچر ایمیشم	کۆچمک

در محاوره آنرا بصورت گنډر میشم ، آلار میشام و ... ساده تر می کنند که صحیح است.
صورت منفی آن با پیوند «ماز/مز» ساخته می شود.

تمرین

- ۱ - افعال «باتماق ، دورماق ، ایچمک ، گولمک» را در زمان حال ساده صرف کنید.
- ۲ - افعال «یاتماق ، دورماق ، ایچمک ، گولمک» را در زمان حال استمراری صرف کنید.
- ۳ - افعال «یاتماق ، دورماق ، ایچمک ، گولمک» را در زمان آینده قطعی صرف کنید.
- ۴ - افعال «یاتماق ، دورماق ، ایچمک ، گولمک» را در زمان آینده التزامی صرف کنید.
- ۵ - افعال «باتماق ، دورماق ، ایچمک ، گولمک» را در زمان آینده خبری روانی صرف کنید.

درس دهم : اسم

اسم نیز مانند فعل ساختارهای گوناگون که در ادامه به آنها اشاره می کنیم:

الف - اسم از نظر ساخت

اسم نیز مانند فعل ممکن است ساده ، مشتق و مرکب باشد. این تعاریف مانند همان تعاریف فعل است اما با ساختار متفاوت:

الف - ۱: اسم ساده:

غیرقابل تجزیه بوده و به اجزای کوچکتر تبدیل نمی شود. مانند: آی ، گون ، یتر ، گوئی ، سو
این نوع اسم غالباً تک هجائی است و اگر اسمی ساده و دو هجائی باشد ، احتمال وجود دارد که ما در شناخت ریشه آن ناآگاه باشیم. مثلاً به نظر می رسد اسم «الک» ساده و غیرقابل تجزیه باشد درحالیکه دو مرتبه می تواند تجزیه گردد. یکبار با تبدیل شدن به فعل اله(مک) و یکبار با تبدیل شدن به ریشه تک هجائی «ال» (دست). اما هستند اسمهایی مانند اولدوز و بولود که دوهجائی هستند و ما درباره ریشه اصلی آنها به قطعیت نرسیده ایم.

الف - ۲: اسم مشتق:

مانند فعل مشتق می توان اسم مشتق ساخت. اسم مشتق از روی اسم یا فعل ساخته می شود و ترکیبات متنوعی ایجاد می کند که مفاهیم گسترده تری به خود می گیرد و با نقشهای مختلف و معانی متنوع ظاهر می شود. قطعاً در کنار ریشه ای به نام اسم یا فعل ، پیوندهائی هم وجود دارند که با ترکیب شدن روی ریشه بتوانند اسمهای جدید تولید کنند. در ادامه ایجاد اسم مشتق از روی دو نوع بن اسمی و فعلی را برایتان می گوئیم:

الف - ۱-۲: ساخت اسم از بن اسمی

پیوندهای زیادی وجود دارند که با چسبیدن به انتهای اسم می توانند اسم جدید ایجاد کنند. به ده مورد از این نوع پیوندهای معروف اشاره می کنیم:

- جا/۲(چا/۲): آزا، بالاچا، قیزیلجا، منجه، گوئیجه، تورکجه
- جاق/۲(چاق/۲): الجک ، دیلچک ، تومانچاق ، اویونچاق ، قولچاق

- جی/۴ (چی/۴): ایشچی ، دیشچی ، سوتچو ، آلیچی ، وثریچی ، گوموشچو
- جیل/۴ (چیل/۴): آدامجیل ، اؤلومجول ، یئیمجیل ، اورتانجیل
- داش/۲: دیداش ، یولداش ، آدش ، چاغداش ، اکدش ، بکتش (بکدش)
- اراق/۲: اوجاراق ، آزاراق ، گوده‌رک ، گویره‌رک
- لاق/۲: باتلاق ، چایلاق ، قیشلاق ، دوزلاق ، دیشلک
- لی/۴: باشلی ، وارلی ، کارلی ، پوللو ، گونلو ، اوغوللو ، گوزلو
- لیق/۴: بایراملیق ، دامازلیق ، باشلیق ، سرینلیک ، سوزلوک
- مان/۲: آیمان ، قاهرمان ، دییرمان ، قوجامان ، تورکمن ،

الف - ۲-۲: ساخت اسم از بن فعلی

پیوندهای چسبیده به انتهای فعل و به وجود آورنده اسم جدید نیز بسیار متنوع هستند و در اینجا به ده مورد از متداولترین آنها اشاره می‌کنیم:

- ا/ا: آغا ، یارا ، دره ، اوته
- آر/ار: آچار ، یاشار ، یئتر ، دؤنر ، یانار
- آق/اک: یاتاق ، اوتوراق ، قوناق ، کوّمک ، الک
- یق/۴: قاتیق ، قاییق ، یونوق ، بیشیک ، سوّنوک
- یم/۴: یئسیم ، ایچیم ، گوّروم ، قورتوم ، دؤّروم
- آن/ان: آلان ، وئرن ، گئندن ، قاچان ، ایچن
- ینج/۴: یاپینج ، قیسقینج ، قارینج ، قاخینج ، قیلینج
- یش/۴: باخیش ، گوّروش ، یاغیش ، تانیش ، گیریش
- ای/۴: قالی ، یازی ، سورو ، اوّرتو ، قورو
- ین/۴: اکین ، اوپون ، دوگون ، بورون ، یارین

الف - ۳: اسم مرکب

اسم مرکب کاربرد زیادی در ادبیات دارد. تنوع آنها بسیار زیاد است. اسم مرکب در ترکی ممکن است بدون دخالت واسطه ای ، از ترکیب اسم با اسم دیگر به وجود آید ، ممکن است یک پیوند یا علامت به کمک آنها بیاید و گاهی ممکن است دو علامت این وظیفه را برعهده داشته باشند. توجه شود که در اینجا منظور از اسم بصورت عام شامل اسم خاص ، صفت و ... است.

الف - ۱-۳: ترکیب دو اسم بدون پیوند

درحالتیکه ترکیب دو اسم فارغ از حضور هیچ پیوندی است ، ممکن است اسم اول یا دوم ، اسم

خاص باشد یا صفت و یا حتی عدد و ضمیر. برای نمونه: تاختا قاپی ، قیزیل توپراق ، آلچاق آدام ، مین بیر ناغیل ، بو قیز ، ایستی گون ، کور کیشی ، ایستی سویوق ، داغ داش

الف - ۲-۳: ترکیب دو اسم همراه با یک پیوند

با مشخصات مورد قبل است با این تفاوت که یکی از اجزای آن دارای پیوند است. مانند: گنجه قوشو ، بازار آدامی ، قویون سوتو ، آما آعاجی ، کامپیوتر میزی ، اوتاغین فرشی. اگر انتهای اسم دوم به مصوت ختم شود ، برای راحتی تلفظ حرف «س» قبل از پیوند «ی/۴» اضافه می شود. مانند: قونشو قاپیسی ، حیوان کرهسی ، چای قوروسو ، قوزو سوروسو گاهی صفت سپس اسم می آید. مانند: آنلاقلی آدام ، پولسوز کیشی ، میانالی اوْبرنجی. گاهی هم اسم در انتهای مصدر می آید. مانند: گوْرمک اشتیاغی ، قالماق فیکری ، آلماتی نظری.

الف - ۳-۴: ترکیب دو اسم همراه با دو پیوند

در این نوع ترکیب هر دو جزء دارای پیوند هستند و معانی و مفاهیم جدید عرضه می کنند. مانند: ائوین قیزی ، ائلین دایاغی ، آدامین آنلاغی ، ایرانین مردومو ، گوْزومون قاراسی.

ب - تقسیم بندی اسم از نظر مفهومی

از نظر مفهومی هم اسم دارای تقسیم بندی هایی است که بدان اشاره می کنیم:

ب - ۱: عام و خاص

اسمهایی مانند آیلین ، میانا ، سینیق کوْپرو ، قافلانتي و ... که به یک شخص ، شئی یا مکان خاص دلالت می کنند ، اسم خاص نام دارند. در مقابل اسمهایی چون ائو ، آعاج ، آدام ، شهر و ... که دقیقاً مشخص نمی کند به چه کسی یا چه چیزی دلالت می کند ، عام هستند. اسامی افراد و اماکن همگی خاص هستند.

ب - ۲: مجرد و غیرمجرد

اسمهایی مانند بیسلیک ، آجیق ، آج ، قارا و ... که قابل لمس و درک نیستند ، مجردند. در مقابل اسمهایی چون آعاج ، قاتیق ، قیج ، ال و ... که قابل لمس و درک هستند ، غیرمجرد نامیده می شوند.

ب - ۳: مفرد و جمع

اسمهایی مانند کیتاب ، آعاج ، اوشاق ، کیشی ، خانیم و ... که به یک چیز یا شخص دلالت دارند ، اسم مفردند. اما اسمهایی چون کیتابلار ، آعاجلار ، اوشاقلار ، کیشیلر ، خانیملار و ... که به بیش از یک نفر دلالت دارند ، اسم جمع نامیده می شوند.

لازم به اشاره است که بعضی اسمها ذاتاً جمع هستند ولی نشانه جمع «لار/الر» ندارند، مانند: قوشون، اولوس(مردم)، ائل و ... در جمله برای چنین اسمهایی فعل مفرد می آوریم.

ج - تقسیم بندی نحوی اسم

پس از سازه شناسی اسم، سراغ نقش آن در جمله می رویم. اسم در جمله شش حالت می تواند به خود بگیرد. این حالات شش گانه اسم عبارتند از:

- مسندالیه (چه کسی؟ چه چیزی؟) بدون پیوند. مانند: من گلدیم، سن آلدین
- مالکیت (مال چه کسی؟ متعلق به چه چیزی؟ مال کجا؟) همراه با ضمیر ملکی. مانند: سنین آنان، منیم کیتابیم، بیزیم ایرانیمیز.
- مفعول به (چه کسی را؟ چه چیزی را؟)، با پیوند چهارگانه «ی». مانند: منی آپاردی، کیتابی اوخودو، سویو ایچدی، علی نی گوردوم.
- مفعول فیه (در چه کسی؟ در چه چیزی؟ در کجا؟)، با پیوند دوگانه «دا». مانند: دامدا سردیم، شهرده گزدیم، ائوده یاتدیم، حسن ده گوردوم، اوشاقلیقدا آغلیار دیم.
- مفعول الیه (به چه کسی؟ به چه چیزی؟ به کجا؟)، با پیوند دو گانه «ا». مانند: آغاچا چیخدیم، ائشییگه گنتدیم، اوتاغا گیردیم، علی یه وئردیم.
- مفعول عنه (از چه کسی؟ از چه چیزی؟ از کجا؟)، با پیوند دوگانه «دان». مانند: آغاجدان یئندیم، ائشیکدن گلدیم، اوتاقدان چیخدیم، علی دن آلدیم.

تمرین

- ۱ - با کمک پیوندهای مناسب، از این اسمها مجدداً اسم بسازید: گوز، آغاج، آنا، قیچ
- ۲ - با کمک پیوندهای مناسب، از این فعلها اسم بسازید: یاشا، گل، ایچ، آغلا
- ۳ - با ۱۰ کلمه زیر، ۵ اسم مرکب بسازید: اوزون، تومن، قارا، اوغلان، قاش، آغیر، مین، یوک، داش، یای
- ۴ - کدامیک اسم عام است؟ سئویل، اهر، خیوان، فضولی، قاراداغ
- ۵ - کدامیک اسم مجرد نیست؟ داش، سئودا، چای، آی، قوش

درس یازدهم : صفت و قید

تعریف صفت

صفت در زبان ترکی قبل از اسم آمده و اسم را به شنونده توصیف کرده و بهتر می‌شناساند. اگر قید وابسته به فعل است، صفت نیز وابسته به اسم بوده و معنا و مفهومش همراه با اسم تکمیل می‌شود.

ساختار صفت در ترکی

صفت در ترکی مانند اسم دارای سه ساختار متفاوت است: صفت ساده ، مشتقی و مرکب. که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم:

صفت ساده

این نوع صفت ذاتاً خصوصیت صفت را دارد و نیازی به پیوند یا ترکیب ندارد. مانند: پیس ، یاش ، آغ. تقریباً تمام صفات ساده ترکی تک هجائی هستند. صفات ساده دو هجائی غالباً دارای بن هستند و به تک هجا ختم می‌شوند. مانند «یاشیل» که از «یاش» گرفته شده است. یا «قیسسا» که در اصل «قیتسا» از مصدر «قیتماق» (بریدن) می‌باشد. به هرحال چون روی ریشه این نوع صفات قطعیت لازم وجود ندارد یا اینکه آنها را به همان صورت تجزیه نشده پذیرفته ایم ، آنها را ساده محسوب می‌کنیم.

صفت مشتقی

منظور از اسم ، بصورت عام شامل اسم، صفت ، ضمیر ، عدد و ... است. لذا صفت نیز می‌تواند از چسبیدن پیوندها به انتهای اسم ، عدد ، فعل و ... ساخته شود که با مراجعه به آن مباحث می‌توان صفت‌های مشتقی یا پیوندی را از بقیه متمایز کرد و دیگر نیازی به اطاله کلام در اینجا نیست. در اینجا برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

- از جمله صفاتی که از بن فعلی ساخته می‌شد: سورگون ، دورغون ، یازیچی ، قیزاریق ، دونما
- از جمله صفاتی که از بن اسمی ساخته می‌شد: دوزلو ، یوخولو ، یوخوسوز ، بوغازجیل

صفت مرکب

صفت مرکب نیز مانند اسم مرکب می تواند با ترکیبی از صفت، اسم، عدد و ... ساخته شود. با مراجعه به مبحث اسم و ساختار اسم مرکب، این منظور را راحتتر تفهیم می شوید. حالات مختلف این نوع صفت را در مثالهای زیر تشخیص دهید:

أجلی - توخو، ادلی - سانلی، قیرمیزی دون، قارا چادیر، قاراباش کیشی، آلچاق کیشی، بویوزلو کئچی، اوجا - اوجا، قیشقیرا - قیشقیرا، بالا - بالا، قارنی توخ آدم، گوژو توخ آدم، ایکی قاپیلی ائو، ینددی ایلیک تورشو، بش طبقه لیک آپارتمان

درجات صفات در ترکی

درجات صفات در ترکی امری استثنائی و منحصر بفرد است. هیچ زبانی از نظر درجات صفات دارای گستردگی و تنوع به اندازه زبان ترکی نیست. اولاً در این زبان به جای سه درجه صفت عادی، برتر و برترین، پنج درجه صفت داریم. ثانیاً به جای یک نوع ساختار برای هر کدام، چندین پیوند برای نشان دادن هر درجه وجود دارد. در ادامه و در مقایسه با درجات صفات زبان فارسی، به عمق این موضوع پی خواهیم برد.

صفت عادی (آنا صفت)

این نوع صفت، ذاتاً صفت است و مقایسه ای بین دو یا چند موضوع صورت نمی گیرد. مانند: گوژل، اوجا، آلچاق، کوک، آریق، آغ، قارا، پولسوز

صفت برتر یا قیاسی (توتوشدورما صفتی)

برای مقایسه دو چیز در زبان ترکی بعد از صفت از پیوندهای «راق/۲» یا «لی/۴» بهره می گیرند. مانند: یاخشیراق (بهتر)، اوجاراق (بلندتر)، گوده رک (کوتاهتر)، چوخلو (بیشتر)، خئیلی (زیادتر).

صفت تفضیلی یا برترین (اوستونلوک صفتی)

در ترکی نوشتاری با آوردن «ان» قبل از صفت مفهوم برترین را به صفت می دهیم. مانند: ان یاخشی (بهترین)، ان آلچاق (کوتاهترین)، ان اوجا (بلندترین)، ان پوتا (چاقترین). در ترکی محاوره ای آذربایجان بجای «ان» از «لاپ» استفاده می شود. مانند: لاپ یاخشی، لاپ اوجا، لاپ آلچاق، لاپ پوتا.

صفت مطلق

این صفت مخصوص زبان ترکی است. در زبان فارسی صفت تفضیلی یا برترین نمی تواند درجه آن صفت را بطور مطلق نشان دهد. فرض کنید بلندترین قد دانش آموزی در یک دبیرستان هزار نفری

۱۴۷ سانتیمتر است. آیا صفت «بلندقدترین» شایسته او هست؟ آیا با شنیدن صفت «زیباترین» واقعاً خیالمان راحت می شود که هیچ کم و کسری ندارد یا شاید در مقایسه با دیگران زیبا است و اگر ما ببینیم شاید زشت هم باشد؟ این مشکل در زبان ترکی بوسیله صفت مطلق حل می شود و وقتی با این درجه، صفتی را تعریف می کنیم، متوجه می شویم که آن موضوع ذاتاً دارای آن صفت است و قیاسی صورت نمی گیرد. گاهی این درجه از صفت را در ترکی حالت مبالغه و شدت نیز تعریف می کنند.

برای ساختن این درجه از صفت، یکی از حروف «مپ» را به انتهای هجای اول اضافه کرده و این ترکیب را قبل از همان صفت می آوریم (اگر انتهای هجای اول دارای حرف صدادار نیست، بجای همان حرف یکی از این دو حرف را قرار می دهیم). مثلاً برای ساختن صفت مطلق برای صفت «قارا» (سیاه)، به انتهای هجای اول آن (قا)، حرف «پ» را اضافه کرده و ترکیب «قاپ» را قبل از همان صفت (قارا) می آوریم که می شود: قاپ قارا (سیاه مطلق). همینطور داریم: یامیاشیل، گوم گوی، گوپ گوژل، آپ آغ (آغ آپ آغ)، دوم دورو، بوم بوز، ایپ ایستی، سوپ سویوق، ساب ساری، قیپ قیرمیزی، سب سیرین، بوم بوش، گوم گوی.

صفت خفیف

همان مشکلی که در بیان صفت برترین در زبان فارسی داشتیم، در بیان صفت خفیف و کم نیز وجود دارد. چطور می توان خفیف بودن اندازه رنگ، قد، دما و ... را بیان کرد. در زبان ترکی بیش از ده ساختار برای به وجود آوردن چنین صفتی و بیان منظور خود وجود دارد که به چند نمونه در اینجا اشاره می شود:

- ایمتیل / ۴: ساریمتیل (زرد خفیف)، گوپومتول (آبی کم رنگ)، قارامتیل (متمایل به سیاهی)
- سوو: اوزون سوو (کمی بلند، متمایل به بلندی)، دلی سوو (متمایل به دیوانگی، کمی دیوانه)
- شین: قاراشین (متمایل به سیاهی)، آغشین (متمایل به سفیدی)
- جا / ۲: گوئیجه (متمایل به سبز، گوجه)، قیزیلجا (متمایل به سرخی، سرخچه)، آغجا (متمایل به سفیدی، نقره)

تعریف قید

صفت در زبان ترکی قیل از اسم آمده و آنرا توصیف می کند. قید نیز قبل از فعل می آید و فعل را توصیف می کند. توصیف فعل بوسیله قید ممکن است مربوط به زمان، کیفیت، نحوه، چگونگی وقوع آن باشد. اگر در «نازلی بالا»، صفت «نازلی» توصیفی از اسم «بالا» می کند، در «یئسین

قاچیر» نیز «یئین» نقش قید را به خود گرفته و چگونگی انجام فعل را می‌رساند. همانطور که در «یاواش قاچیر» این نقش برعهده قید «یاواش» است.

گاهی یک کلمه بسته به نحوه استفاده در جمله ممکن است هم صفت باشد و هم قید. یعنی ممکن است هم همراه اسم بیاید و هم همراه فعل. برای نمونه «آلچاق» در «آلچاق آغاج» نقش صفت را به خود می‌گیرد اما در «آلچاق دانیشیردی» دارای وظیفه قیدی است. پس بطور مطلق نمی‌توان مرزی برای صفات و قیود قائل شد.

انواع قید از نظر معنا

قید سبب (پاسخ به سؤالات چرا، به چه دلیل و ...)

مانند: ایستیلیکدن، سویوقلوقدان، حیرصدن، آجلیقدان، پولسوزلوقدان
نمونه: ایستیلیکدن بیشیدیم، سویوقلوقدان اوشودوم، حیرصدن ووردوم، آجلیقدان هوشدان گئتدیم

قید کیفیت (بیان نحوه وقوع فعل)

مانند: یئین، یاواش، حیرصلی، یاوا، اؤته‌ری، سئوینجلی
نمونه: آلچاق دانیش، یئین قاچدیم، حیرصلی باخما، یاوا ایشله‌یر، سئوینجلی ایدی

قید مکان

مانند: اوزاق، ایراق، یاخین، اوجا، آلچاق، بری، ایره‌لی، گئری، یوخاری، آشای، دیشاری، ایچهری
نمونه: اوزاق گئتدی، یاخین گلدی، اوجایا چیخدی، گئری دؤندو، ایره‌لی گلدی، ایچهری گیردی

قید زمان

مانند: بویون، هاچان، ایندی، باباق، یارین، گنجه، اوباشدان، دان، گؤن‌اورتا، آخشام
نمونه: بویون گلدیم، هاچان گلدین؟، ایندی گئتدی، باباق گوردوم، آخشام دئیهرم، آخشام گل

قید مقدار

مانند: آز، چوخ، آزاراق، آرزاز، بالاجا، بیر آووج، بیر آغاج
نمونه: آزجا وئر، آز آز ایچ، آووجا سو ایچدیم، اوچ آغاج یول گلیمیشم، بالاجا اوشاق ایدیم

انواع قید از نظر ساختار

قیود ساده :

قید ساده مانند تعریف صفت ساده، ذاتاً قید است.

مانند: اثرته، گئری، ایره‌لی، باباق، بری، ایندی، آشای، یوخاری

قیود مشتقی :

با ترکیب یک پیوند به قید تبدیل می شوند اما در هر صورت یک کلمه محسوب می شوند. به نمونه های زیر و پیوندهای ترکیبی دقت کنید:

- آزجا ، بالاجا ، آستاجا
- ال ایله ، آياقلا ، باش ایله ، دیل ایله ، ناز ایله ، سنینه
- ایندیلیک ، بئله لیک ، گئجه لیک
- صاباحدان ، گئجه دن ، چوخدان ، پولسوزلوقدان ، هردن
- گونده ، آیدا ، ایله

قیود مرکب

که خود انواع مختلفی دارند:

- ۱-۳-۳: تکراری: یاواش - یاواش ، آز - آز ، چوخ - چوخ ، گئج - گئج ، بیر - بیر
- ۲-۳-۳: تکراری با وساطت به /با و یا ترکیب اسم +دان/۲+تکرار اسم +أ/۲
گون به گون ، آی با آی ، کوچه به کوچه (گوندن گونه ، آیدان آیا ، کوچدن کوچه یه)
- ۳-۳-۳: همراهی دو مترادف
یورغون - آرغین ، قالین - قاییم ، سس - سمیر ، سؤزسوو
- ۴-۳-۳: همراهی دو متضاد
گئجه - گوندوز ، آلچاق - اوجا ، آز - چوخ ، کیشی - آرواد ، اوشاق - بؤیوک

تمرین

- ۱ - پنج درجه صفت را برای «ساری» بسازید.
- ۲ - برای «اؤلو» در دو حالت صفت خفیف بسازید.
- ۳ - انواع قیود زیر را از نظر معنا معلوم کنید: کؤک ، اؤته ری ، یوخسوللوقدان ، یارین ، چوخلو
- ۴ - برای ساخت قید مرکب ، برای کلمات زیر همراه مترادف بیاورید: ساودلی ، تمیز ، سویوق ، یاغیش
- ۵ - برای ساخت قید مرکب ، برای کلمات زیر همراه متضاد بیاورید: ساودلی ، تمیز ، سویوق ، یاغیش

درس دوازدهم : ضمیر ، ادات

ضمیر

ضمیر با جانشینی به جای اسم ، نقش اسم را در جمله بازی کرده و تمام حالات ششگانه اسم را به خود می‌گیرد. ضمائر در این شش (یا هفت) گروه تعریف می‌شوند: ۱- ضمائر شخصی ؛ ۲- ضمائر اشاره؛ ۳- ضمائر ملکی متصل؛ ۴- ضمائر ملکی منفصل؛ ۵- ضمائر تأکیدی؛ ۶- ضمائر مبهم؛ ۷- ضمائر استفهام. تمام ضمائر در دو حالت فرد و جمع برای اول ، دوم و سوم شخص اطلاق می‌شوند. حال به تفکیک به هر کدام از این ضمائر اشاره می‌کنیم:

۱- ضمائر شخصی

شخص	مفرد	جمع
اول	من(بن)	بیز
دوم	سن	سیز
سوم	او/اول/شواشول	اولار/اونلار/شولار/شونلار

- «من» ضمیر شخصی اول شخص مفرد در اصل بصورت «بن» در ترکی کهن(و ترکی کنونی استانبولی) استفاده شده است که به خاطر قرابت مخرج به «من» تبدیل شده است. با پیوند نشانه جمع «یز» (از نشانه های جمع ترکی کهن) به انتهای ضمائر «بن» و «سن»، «بنیز» یا «بیز» به معنای «ما» و «سنیز» و «سیز» به معنای «شما» به وجود آمده است.
- ضمیر سوم شخص مفرد «او» دارای صورت قدیمتر «اول» است که اکنون تنها در ادبیات مکتوب می‌توان آنرا دید. این ضمیر بصورتهای شو/شول هم کاربرد داشته و دارد.
- این ضمائر مانند اسم ، حالات شش گانه آنرا هم به خود می‌گیرد. مانند: «من ، مندن ، منه ، منده ، منی ، منیم» و یا «سیز ، سیزدن ، سیزه ، سیزه ، سیزی ، سیزین»
- این ضمائر پیوندپذیر هم هستند. برای نمونه: چوخ سنسیزله‌میشم ، بو سوژو منیمسه

۲- ضمائر اشاره

اشاره	مفرد	جمع
-------	------	-----

اشاره نزدیک	یو / شو (این)	یونلار/شونلار (اینها)
اشاره دور	او/آن/اول/شول(آن)	اولار/اونلار/شولار/شونلار(آنها)

• ضمیر اشاره «شو» برای نشان دادن اشاره ای بین این و آن است (یعنی حالت متوسط) اما معنای نزدیکی نیز از آن استنباط می شود. اکنون جز در ترکی استانبولی استفاده نمی شود.

• ضمیر اشاره «او» که بصورت‌های «او، اول، آن» استفاده می شود، دارای صورت کهن «آن» است. مثلاً آنلار به معنای آنها است. بعداً این ضمیر به «اونلار» و در محاوره به «اولار» تبدیل شده است.

• این ضمایر مانند اسم، حالات شش گانه آنرا هم به خود می گیرد. مانند: «اونلار، اونلاردان، اونلارا، اونلاردا، اونلاری، اونلارین»

• این ضمایر پیوندپذیر هم هستند. مانند: اونلار، اونلارسیز، اونلارچا

۳- ضمایر ملکی متصل

این ضمایر به اسم می چسبند و عبارتند از:

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	م/ایم	میز/ایمیز
دوم شخص	ن/این	ز/ایز
سوم شخص	سی/ای	لاری

برای نمونه برای اسم‌های «آنا» (که به مصوت ختم می شود) و «کیتاب» داریم:

• آنام، آنان، آناسی - آنامیز، آنانیز(آناز)، آنالاری

• کیتابیم، کیتابین، کیتابی - کیتابیمیز، کیتابیز، کیتابلاری

نکته ۱: اگر انتهای کلمه، مصوت باشد، در سوم شخص مفرد بجای «ی» از «سی» کمک می گیریم.

نکته ۲: ضمایر فوق بسته به مصوت اسم تغییر صوتی می دهند. مانند: دیلیمیز، سؤزوموز، قوشوموز

۴- ضمایر ملکی منفصل

این ضمایر مستقل از اسم هستند و بصورت «ضمیر شخصی+ضمیر ملکی متصل +کی» درست می شوند. مانند: من + ایم + کی که می شود: منیمکی.

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	منیمکی	بیزیمکی
دوم شخص	سنینکی	سیزینکی
سوم شخص	اونونکو	اونلارینکی

۵- ضمایر تأکیدی

ضمایر تأکیدی با وجود فاعل بر او تأکید می کنند. این ضمیر در ترکی کهن(و ترکی کنونی

استانبولی) «کند» بوده که در ترکی کنونی آذربایجان «اؤز» و «بیله» جای آنرا گرفته است:

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	کندیم/اؤزوم/ایلم	کندیمیز/اؤزوموز/ایله‌میز
دوم شخص	کندین/اؤزون/ایلین	کندینیز/اؤزونوز/ایله‌نیز
سوم شخص	کندی/اؤزو/ایله‌سی	کندیلری/اؤزلری/ایله‌لری

* این ضمائر نیز مانند دیگر ضمائر ، حالات شش گانه اسم را به خود می گیرند. مانند: اؤزوم ، اؤزومدن ، اؤزومه ، اؤزومده ، اؤزومو ، اؤزومون

۶- ضمائر مبهم

این ضمائر جانشین اسم شده و یک نوع معنای ابهام را می رسانند. تنوع آنها زیاد است. از جمله:

- کیم: کیم ، کیمی ، کیمیمی ، کیمسه ، کیم ایسه ، هر کیم ، هئچ کیم
 - بیر: بیر ، بیرسی ، هر بیرسی ، هئچ بیرسی ، هر بیر ، هئچ بیر
 - نه: نه ، نه‌یه ، نه‌یی ، نه‌دن
- به همین ترتیب قاباکی ، دونکی ، آیری ، آیرسی ، باشقاسی ، اؤزگه و ...

۷- ضمائر استفهام

این ضمائر با سؤال هویت اسم را مشخص می کنند. عمده‌ترین آنها عبارتند از: کیم، نه، نه‌یه، هارا، هاچان، هانسی، هانکی.

..... ادات

تعریف ادات

ادات (باراقلار) نقش ارتباطی بین دیگر اجزای جمله را دارند. ادات حتی اگر از جمله حذف شوند ، خلی به کلیت جمله وارد نمی شود و مفهوم کلی جمله کماکان استنباط می شود. ادات نه مانند پیوندها بی معنی هستند و نه مانند واژه های مستقل دارای معنا و مفهوم مستقل هستند. هرچند می توان معنا و وظیفه ادات را خارج از جمله استنباط کرد ولی آنها در کنار دیگر اجزای جمله نقش خود را می توانند ایفا کنند.

تقسیمات ادات بسیار گسترده و متنوع است و در اینجا به تعدادی از اهم ادات اشاره می کنیم.^۱

عنوان ادات	ادات	نمونه
ادات شدت و تأکید	داها، باری، آخی، ها، لاپ، آرتیق	داها بوندان گوژل اولماز، لاپ اوجوزو بو ایدی

^۱ در این ارتباط در بخش فولکلور کتاب شهرستان میانه تألیف اینجانب بحث مبسوطی شده است.

ادات دقت	ائله، بئله، چه/چا، ایندیجه	ائله بوجور یاز، بئله دانیش
ادات علت	ایچون، اؤترو، گۆره، اودورکی	بونون ایچون گئتمه دیم، سندن اؤترو قالدیم
ادات استفهام	یوخسا، هانی، هاچان، نه، نه یه، نه جور، نئجه، هانسی، هانکی، می، هایان، هاردا، مگر، هارا	هاردا قالمیشدین؟ هانسی چابین سربو قورویوب؟، ییلیردینمی بویون جمعه دی؟، آدین نه دی؟
ادات آرزو	اولایدی، نه اولایدی، کاش، کاشکی، باری	اولایدی کندیمیزه گندم، اولو بو ایل کنکوردان چیخام
ادات دستوری	دی، گل، گۆز، قوی، باخ، باخ گۆرم	باخ گۆرم نه دئدین؟، دی گۆروم نه یه گئتدین؟
ادات ندا	ای، هوی، اهای، هئی، آ	ای انسان! تانری یا سیغین، آ قیز آدین نه دی؟
ادات تشبیه	کیمی، کیمین، تک، تکین، تکی، سانکی، اوخشار، بنز، ائله بیل، دئیه سن	سنه اوخشار آدم ایدی، سنین کیمین آدم تاپیلماز، زنجان تک بیر شهر ایدی، ائله بیل یوخو ایدی
ادات شرط	سا، اگر	سربازلیغا گئتسم، اگر سربازلیغا گئتسم
ادات مقصد	دوغرو، دوز، ساری	دوز اولورینه گئتدیم، باغا ساری گئتدیم
ادات همراهی	ایله، ایلن، له، لن، اینن	سن ایله گندم، سن له گندم، سن ایلن گندم، سنین گندم
ادات استثناء	باشقا، ایری، سونرا، اؤزگه، سووای	سندن باشقاسی یوخوم، سندن سونرا کیمیم وار؟
ادات تأسف	حاییف، حئییف، آختی، آخ، وای، نئجه	حئییف کی گلمه دین، آختی! نه ناز ایدی، وای نه ناز!
ادات تعجب	بو(میانه)، بی(تبریز)، وی(زنجان)، ای، وای، ماغیل	بوی! سن یئنه بورداسان؟، ماغیل گئتمه دین؟، ای! برق گئتدی، وای! آچاری گتیرمه میشم
ادات رضایت	آختی، آخش، جان، بهبه، اولمه، وار اول، ساغ اول، نه دنمیشم، هابئله	آخش! بورغونلوغوم آیندی، اولمه نه گۆزل دئدین، نه دنمیشم! بونا دئیرلر فوتبال، هابئله! یاخشی ائله دین
ادات محدودیت	آنجا، یالئیز، بیرجه، تکجه، فقط	یالئیز بیر آغاج قالدی، تکجه بیر درس قالدی
ادات تصدیق و انکار	هه، هن، یوخ، خئیر، بلی، دوز، دوغرو، یالانسا، اصلا، ابداء، توبا، هئنج، آهان	یوخ گله بیلنمه رم، یالانسا بیس گونه قالا، دوز دئییر وئرسین، توبا بیرده من اورایا گندم
ادات مکان و زمان	کیمی، دک، جان، جاق، چاغ، قدهر	میانیادک گندک، زنجانا جاق گزک، آخشاما چاغ دؤزک

تمرین

- ۱ - گروه بندی ضمایر را مشخص کنید.
- ۲ - انواع ضمایر اشاره را در ترکی کهن و ترکی معاصر بیان کنید.
- ۳ - حالات شش گانه ضمایر تأکیدی را برای «اؤز» صرف کنید.
- ۴ - با ۱۰ نوع از ادات تشبیه، این جمله را ۱۰ بار ترجمه کنید: «خانه ای شبیه خانه ما بود».
- ۵ - با ۳ نوع از ادات علت، این جمله را ۳ بار ترجمه کنید: «برای چه مهمانی ترفتی؟»

درس سیزدهم : عدد در ترکی

عدد در ترکی

از لازمه های یک زبان، عدد است. بدون عدد واقعاً ارتباط گوینده و شنونده کامل نمی شود. در زبان ترکی نقش عدد بارزتر و گسترده تر است ، چراکه عدد در ترکی حتی می تواند در قالب فعل درآید. عدد صحیح (اعداد غیر از کسری و اعشاری و ...) در زبان ترکی مانند بسیاری از زبانها در دو ساختار دیده می شود: ساختار ساده و ساختار مرکب. عدد با ساختار ساده ، عددی است که از یک کلمه تشکیل می شود و در ترکی عبارتند از^۱:

بیر ۱	ایکی ۲	اوج ۳	دؤرد ۴	بئش ۵	آلتی ۶	یئددی ۷	سکگیز ۸	دوققوز ۹
اون ۱۰	گیرمی ۲۰	اوتوز ۳۰	قیرخ ۴۰	الی ۵۰	آلتмыш ۶۰	یئتمیش ۷۰	سکسن ۸۰	دوقسان ۹۰
یوز ۱۰۰	مین ۱۰۰۰	تومن ۱۰،۰۰۰	میلیون ۱،۰۰۰،۰۰۰		میلیارد ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰			

بقیه اعداد از ترکیب دو یا چند عدد ساده تشکیل می شوند. اینها را عدد مرکب می گویند. عدد مرکب بدون دخالت هیچ پیوندی بصورت « ... +هزارگان+صدگان+دهگان+یکان» تشکیل می شود. مثلاً برای عدد ۱۳۸۷ می گوئیم: «مین اوج یوز سکسن یئددی». البته در فارسی هم چنین است با این تفاوت که بین اعداد حرف ربط «و» می آید و اعداد بین ده و بیست مقلوب شده و حتی عدد مستقل تشکیل می دهند.^۲ به همین ترتیب داریم: یئددی یوز آلتмыш بئش (۷۶۵) ، بئش مین یئددی یوز الی دؤرد (۵۷۵۴) ، اون آلتی (۱۶).

عدد قدیمی ده هزار در ترکی بصورت «تومن» اکنون کاربرد عددی ندارد و فقط در واحد پول استفاده می شود. مثلاً در دیوان قوتادغوبیلیک در هزاره گذشته می خوانیم: «تومن مین ثنا» یعنی ده هزار هزار ثنا(به عبارتی هزاران بار ثنا).

انتظار نمی رود عدد بصورت مجرد در جمله ظاهر شود(مگر به ندرت) بلکه در کنار هر عدد یک اسم مشاهده می کنیم. در زبان ترکی عدد قبل از اسم آمده و تعداد و کمیت آنرا می رساند. مانند ایکی

^۱ دو عدد میلیون و میلیارد ترکی نیستند ولی اکنون در ترکی استفاده می شوند.

^۲ یعنی برای عدد ۱۳ بجای ده و سه می گوئیم: سه و ده که ساده تر شده و می گوئیم: سیزده

کیشی (دو مرد) ، اوچ آغاچ (سه درخت) ، مین ار (هزار جوانمرد).
 اما گاهی عدد به آنسوی اسم رفته مانند اسم ، حالات شش گانه را به خود می گیرد. مانند:
 اوشاقلارین بیرى گئتدی ، آغاچلارین ایکسی اوجا دیر ، میدادلارین دؤردو سنین دیر.
 دیده می شود که اسم مقلوب شده بصورت جمع ظاهر می شود. در این حالت می توان جمله را به
 حالت عدد+ اسم تبدیل کرد. به شرطی که عدد بصورت طبیعی آمده و اسم مفرد شود. بصورت: بیر
 اوشاق گئتدی، یکی آغاچ اوجا دیر، دؤرد میداد سنین دیر.

در ترکیب عدد و اسم مقلوب اگر اسم به موضوع خاص و منحصری اطلاق نگردد می توان آنرا فرد
 آورد. مثلاً هم می توان گفت: «میدادلارین دؤردو سنین دیر» و هم «میدادین دؤردو سنین دیر».
 چرا که مداد مانند اوشاق به موضوع منحصری اطلاق نمی گردد و حالت عام دارد.

نکته دیگر درباره عدد این است که می توان بین عدد و اسم ، واحد شمارش آن اسم را آورد. مثلاً
 بجای «اوج آدم» می توان «اوج باش آدم» یا «اوج نفر آدم» را آورد. برای نمونه:
 آلتی باش اوشاق ، اوج نفر آدم ، اون دنه چؤرک ، بیر جوت باشماق ، بیر توپ پارچا ، بیر تیکه
 چؤرک ، بیر دامجی سو، بیر قاشیق شربت ، بئش پارا کند ، بئش تومن پول ، اوج گؤز دام و... .

از موارد دیگری که بین عدد و اسم واسطه قرار می گیرد ، صفت است. چراکه اگر اسم دارای
 صفت باشد ، باید قبل از اسم بیاید. لذا بین عدد و اسم ، صفت ظاهر می شود. مانند: یکی گؤزل
 گول ، دؤرد اوجا اوغلان ، یکی یاخشی یولدش. حال اگر بخواهیم عدد را همراه با واحد بیآوریم ،
 هم واحد و هم صفت بین عدد و اسم قرار می گیرند. مانند: یکی دنه گؤزل گول ، دؤرد باش اوجا
 اوغلان ، یکی نفر یاخشی یولدش.

گاهی ممکن است عدد خود نقش اسم را بازی کند. البته این اتفاق ، نادر است. مانند: بو پارچا بئش
 مینه ده(بو پارچا بئش مین تومنه دهیر)، بو ورقه بیرمیه یازیلیب(بو ورقه بیرمی نمره ایچون
 یازیلیب)، اونلارین اوچو بیره دگمز(اونلارین اوج دنهسی بیر دنه یه دگمز).

اعداد ترتیبی

در ترکی نیز مانند همه زبانها از اعداد ترتیبی استفاده می شود. اگر به انتهای عدد ترکی پیوند
 «ینجی/۴» اضافه کنیم ، به عدد ترتیبی تبدیل می شود. مانند: بیرینجی(اولین)، ایکینجی (دومین)،
 اوچونجو(سومین)، اونونجو(دهمین)، یوزونجو(صدمین)، مینینجی(هزارمین).

اولاً دیده می شود که بسته به مصوت عدد ، این پیوند یکی از حالات چهارگانه خود را با عدد
 همراه می کند. ثانیاً پس از اعداد «ایکی ، آلتی ، ینددی» که به مصوت «ای» ختم می شوند ،

جای «ینجی» از «نجی» استفاده می‌کنیم. بصورت: ایکینجی ، آلتینجی ، یئددینجی. اعداد ترتیبی ممکن است در نقش اسم ظاهر شوند و حالات شش‌گانه آنها به خود بگیرند. مانند: بشینجی‌دن سوروشدوم ، ایکینجی‌دن اویانا فایدا وئرمز ، دوردونجونون آدی نه دیر؟

اعداد کسری

اعداد کسری اعم از اعشاری و متعارفی بخش عمده ای از اعداد هستند و بدون آن نمی‌توان منظور خود را رساند. عدد اعشاری مانند «سه و ممیز هفت دهم» یا عدد متعارفی مانند «سه پنجم» در ترکی چگونه استفاده و بیان می‌شوند. عدد اعشاری مانند ۵،۴ (پنج و ممیز چهار دهم) را در ترکی به اشکال زیر می‌خوانیم: «بش ممیز دورد» ، «بشش و اوندان دورد» ، «بشش تام و اوندان دورد». گاهی نیز به تقلید از فارسی می‌شنویم که می‌گویند: «بششی دورد» در حالیکه در فارسی نیز گفتن «پنج و چهار» به جای «پنج و ممیز چهار دهم» صحیح نیست.

«پنج و چهار» در ادبیات فارسی معنای عدد «نه» می‌دهد. مثلاً اگر در شعر فارسی می‌گویند: «ای ده و چهار من بیا» یعنی «ای ماه شب چهارده من بیا» و هرگز منظور از «ده و چهار» عدد «ده و ممیز چهار دهم» نیست! به هر حال در ادبیات محاوره چه ترکی و چه غیره برای تسهیل ، ساده‌سازی‌هایی انجام می‌دهند که با ادبیات مکتوب سازگار نیست.

در مورد اعداد کسری یا متعارفی به یکی از دو صورت «عدد مخرج+دن+عدد صورت» و یا «عدد مخرج+آ+عدد صورت» آن عدد را می‌خوانیم. برای نمونه عدد کسری «۲/۵» (دو پنجم) را به یکی از صورتهای «بشش‌دن یکی» (یعنی دو از پنج) و یا «بشسه یکی» (یعنی دو به پنج) می‌خوانیم. از اعداد کسری معروف در ترکی می‌توان گفت: یاری (یک دوم یا نیم)، اوچدن بیر (یک سوم)، دورددن بیر (یک چهارم)، بششدن بیر (یک پنجم)، اوندان بیر (یک دهم)، یوزدن بیر (یک صدم). گاهی نیز این اعداد را بصورت زیر می‌گویند که باز صحیح است: اوچه بیر ، دورد بیر ، بشسه بیر ، اونا بیر ، یوزه بیر. که مفهوم یک به سه ، یک به چهار و ... را دارد.

درصد در ترکی

اگر مبنای عدد کسری ، عدد صد باشد ، مفهوم درصد از آن استخراج می‌شود. برای بیان درصد در ترکی یا بعد از عدد ، لفظ «فاییز» را استفاده می‌کنیم مانند: اون فاییز (۱۰٪) ، اوتوز فاییز (۳۰٪). غیر از این روش می‌توان مانند روش خواندن اعداد کسری ، درصد را بیان کرد. در این حالت بعد از «یوزدن» یا «یوزه» ، عدد مورد نظر را می‌آوریم. مانند: یوزه اون - یوزدن اون (ده درصد) ، یوزه

اللی - یوزدن اللی (پنجاه درصد) ، یوزه دوقسان دوققوز یا یوزدن دوقسان دوققوز (نود و نه درصد) ، یوزه یوز یا یوزدن یوز (صد درصد).

اعداد غیرمعین

در ترکی نیز در کنار اعداد معین مذکور از اعداد غیرمعین استفاده می شود. مانند: «آز ، چوخ ، خئیلی ، لاپ ، ان ، داها ، اولدوقجا و ...». در کنار این اعداد غیرمعین می توان از ترکیبات آنها با پیوندها و حالت‌های شش گانه اسمی آنها نیز در جمله استفاده کرد. مانند: آزجا ، چوخلو ، چوخدان ، چوخدانکی ، خئیلک ، آزی ، چوخو ، چوخونون و ...

عدد در نقش فعل

از توانمندی‌های زبان ترکی ساختن فعل از عدد است. اگر پیوند «۲/لا» به عدد بچسبد ، از آن عدد فعل ساخته می شود. مانند: ایکيله مک (دوتائی کردن ، دوبله کردن) ، یاریلاماق (نصف کردن) ، بشله مک (پنج برابر کردن) ، تکلهمک (تنهایی گیر آوردن) ، بیرلهمک (متحد کردن).

تمرین

- ۱- این اعداد صحیح را بخوانید : ۱۷ ، ۱۲۳ ، ۴۳۲۶ ، ۳۶۰۰۴ ، ۶۱۳۰۰۰ ، ۳۶۵۰۰۰۰
- ۲- این اعداد ممیزی را بخوانید : ۲،۷۵ ، ۱۴،۵ ، ۱۸،۲۵ ، ۱۲۵،۶۷
- ۳- این اعداد کسری را بخوانید : $\frac{۴}{۳}$ ، $\frac{۲}{۳}$ ، $\frac{۵}{۶}$ ، $\frac{۱۵}{۱۰۰}$
- ۴- بیست و پنج درصد را در ترکی به سه حالت بیان کنید.
- ۵- این جمله را ترجمه کنید: «قندی یاریلادیم چایی یکی لهیم»

درس چهاردهم : جمله

جمله چیست؟

تمام آنچه را در جلسات پیشین فرا گرفتیم ، برای رسیدن به این قسمت از ترم یعنی جمله بود. تا جمله ادا نشود ، فایده ای از این همه اطلاعات درباره فعل و فاعل و ضمیر و ... وجود نخواهد داشت. بحث درباره جمله بسیار گسترده است و نمی توان در یک جلسه به تمام مطالب درباره جمله پرداخت اما می توان تا حدودی با جمله آشنا شد ، طوری که علاقمندان با زمینه مناسب جهت فراگیری مطالب بیشتر دنبال منابع و مراجع دیگر بروند.

«جمله یک کلام کامل است که گوینده آنرا به اطلاع شنونده می رساند. جمله از وقوع یک حادثه یا وجود یک واقعیت خبر می دهد». جمله از دیدگاه های مختلف دارای تقسیمبندی های مختلفی است که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می شود:

تقسیمبندی مفهومی

جمله از نظر مفهومی ، به سه گروه اخباری ، استفهامی و امری تقسیم می شود.

جمله اخباری

در جمله اخباری از وقوع عمل در گذشته، حال، آینده و یا حتی خارج از زمان خبر داده می شود. مانند: «آنام گلدی»، «سن گنده جکسن»، «آناملای باجیمی بویون ائلچیلیگه گوئدردیم»، «او گلدی».

جمله استفهامی

هرچند یک جمله استفهامی درباره وقوع حادثه یا وجود واقعیت است اما این مفهوم همراه با سؤال و ابهام است. این سؤال گاهی همراه با ادات استفهام مانند «می، هانسی، هارا، کیم، نه، نه-یه، نه ایچین ، هانکی و ...» است و گاهی بدون ادات تنها با تکیه بر لحن گوینده است.

جملاتی مانند «نه ایچین دونن گلمه دین؟»، «تاپیشیردیقلاریمی آلدینمی؟»، «هانسی درسده دوشدون؟» جملاتی استفهامی همراه با ادات استفهام است اما جملات سئوالی مانند «دئمه دیم گئتمه؟»، «تاپیشیردیقلاریمی آلدینمی؟»، «بو گئجه ائشیکه گله جکسن؟» بدون ادات استفهام باز از نوع جملات استفهامی هستند.

جمله امری

با این جمله با خواهش ، التماس ، تضرع و یا دستور ، خواستار انجام عمل می شویم. مانند: «اونو منه وئر»، «قاپینی آچ»، «منه بیر کیلو یئرآلما وئر»، «بیر لیوان سو وئر».

گاهی ممکن است برای تأکید بر امر یا پرهیز از احساس آمرانه بودن ، از ابزارهای کمکی نیز در

جمله استفاده کنیم. مثلاً برای حالت امر، به انتهای فعل پسوند «گیل» و «گیلان» اضافه کنیم.^{۲۰} مانند: «اونو منه وئرگیل»، «قاپینی آچگیلان». البته پسوند «گیل/اقیل» امروزه کاربردی ندارد. مولوی می گوید: «آلدانماغیل زینهار مالا» (=آلدانماگیل زینهار مالا= زینهار! به مال فریفته نشوی) یا اینکه قبل از شروع جمله امری بگوئیم: «تئز اول» مانند «تئز اول اونو منه وئرگیل». گاهی هم ممکن است پس از اتمام جمله امری بگوئیم: «گورم»، «دای». مانند: «اونو منه وئر گورم». در جملات امری از نوع خواهشی از پیش جملاتی استفاده می شود. مانند: «اولارسا»، «ممکن اولسا»، «زحمت اولماسا»، «لطف ائدیب»، «باغیشلایین»، «زحمتدی»، «نه اولاندا» و ...

جمله فعلیه و اسمیه

جمله از نظر ساختار ممکن است اسمیه باشد یا فعلیه. جمله اسمیه تکیه اش بر اسم است نه فعل. در واقع جمله اسمیه فاقد فعل است و تنها از افعال کمکی یا علامتهای اسنادی مانند «دیر، ایدی، ایمیش» کمک می گیرد. مانند: «بو آغاج اوزون دور»، «بو سوژ یالان ایمیش». جمله فعلیه دارای فعل است، مانند: «من درسیمی اوخوموشام»، «بویون بیر کره سایتا گیردیم و خبرلرینی اوخودوم» که دارای فعلهای اوخوموشام، گیردیم و اوخودوم می باشند.

اجزای جمله

جمله باید دارای یک حداقل اجزایی باشد تا بتواند در تعریف جمله بگنجد. این حداقل اجزا که آنرا اجزای اصلی جمله هم می نامند، عبارتند از: مسند و مسندالیه. مسندالیه همان فاعل است که در جمله اسمیه بصورت مبتدا نمایان می شود. مسند درباره مسندالیه حکم می دهد. در واقع مسند همان فعل در جمله فعلیه و خبر در جمله اسمیه است. در جمله فعلیه «آنام مشهده گتندی»، «آنام» فاعل یا مسندالیه است و «گتندی» فعل یا مسند. در جمله اسمیه «هاوا قارانلیق دیر»، «هاوا» مبتدا یا مسندالیه و «قارانلیق دیر» خبر یا مسند است. با این دو جزء، جمله معنی پیدا می کند اما اجزای دیگری هستند که برای توضیح بیشتر جمله و تفهیم بهتر آن در کنار اجزای اصلی می آیند. این اجزا را اجزای فرعی می گویند که مفعول صریح و غیرصریح از آن جمله هستند. مفعول صریح در ترکی با علامت «ی» یا «نی» تعریف می شود. مانند: «سئودا درسینی اوخودو»، «آیلاز قاپینی آچدی»، «سئویل ایشلرینی یاپدی». مفعول غیرصریح نیز تحت تأثیر فعل بوده و یکی از حالات مفعول الیه، مفعول فیه و یا مفعول عنه را به خود می گیرد. مانند: «ئوه گتندی»، «ائودن چیخدی»، «ئوده قالدی».

ساختار جمله ترکی

اجزای اصلی و فرعی جمله در ساختار کامل و طبیعی جمله باید با یک توالی و ترتیب خاصی بیابند و گرنه از حالت طبیعی خارج خواهند شد. ساختار غیرطبیعی همان ساختاری است که در ادبیات محاوره‌ای و شعر به وفور می‌بینیم. ساختار طبیعی یک جمله در زبان ترکی چنین است:

«فاعل(مبتدا) + قید زمان + قید مکان + مفعول غیرمستقیم + مفعول مستقیم + قید حالت + فعل».

برای نمونه در یک جمله کامل و طبیعی ترکی می‌توان گفت: «آناسی گنجه‌لر یاتاندا بالاسینا قیسسا ناغیللاری محبتله اوخویار».

جملاتی مانند زیر از نظر ادبیاتی صحیح نیست. چرا؟

مدرسه‌ده صباح امتحان واریم دیر ، تلویزیونومو تعمیر ایچین تعمیر کارا صباح وئره‌جه‌سیم ، دونن آخشام آناملا آغام شامای بییم گیله قوناق ایدییلار ، من کیتابی صباح اییه‌سینه وئره‌جه‌سیم.

در شعر نیز بنا بر اجبار ساختار و ترکیب طبیعی جمله بهم می‌خورد. مثلاً شیخ صفی الدین اردبیلی ، عارف نامی قرن هفتم ، جمله ساده‌ای مانند: «باشیمدا توکلر آغاریب ، قاپیسیندا ابتر اولدوم ، او نازلی دلبر دئمه‌دی کی: بیزیم گوموش دورور بو» را چنین می‌گوید:

«آغاریب باشیمدا توکلر، قاپیسیندا اولدوم ابتر؛ دئمه‌دی او نازلی‌دلبر، کی‌بیزیم‌گوموش دورور بو»

گفتیم، ساختار اصلی جمله با همان مسند و مسندالیه کامل می‌شود. حتی گاهی می‌توان اجزای دیگر آنرا بدون اختلال در جمله حذف کرد. بعضی از اجزای جمله فقط جهت توضیحات بیشتر ارائه می‌شود. برای نمونه جمله ساده و کاملی مانند: «آباسی قوجالییدیر» را می‌توان به جمله مفصل و طولانی زیر تبدیل کرد: «یوز یاشیندا اولان ، الدن آیاقدان دوشن آناسی ، دها قوجالییدیر». یا جمله ساده و کاملی مانند «آنام زیارتدن گلدی» را تبدیل کنیم به جمله طولانی زیر: «آنام بویون صبح هاوا آچابیلان چاغدا کی هئچ آدام ائشیکده یوخ ایدی، ایکی هفته‌دن سونرا کربلانیین زیارتیندن گلدی».

هماهنگی فعل و فاعل

فعل و فاعل از نظر جمع و فرد بودن و نیز از نظر شخص باید باهم هماهنگ باشند. فاعل جمع، فعل جمع می‌خواهد و فاعل مفرد، فعل مفرد. ضمناً ضمیر فعلی باید با فاعل متناسب باشد. لذا این جملات صحیح هستند: من ایشدن گلدیم؛ سیز هاچان ایشدن گلدیز؟ اونلار ایشدن گلمه‌دیلر.

در این میان استثناهائی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

- احترام: برای احترام می‌توان برای یک شخص فعل جمع آورد. مانند: «اوستادیمیز بویوردولار».
- فاعل غیرجاندار جمع می‌تواند فعل مفرد بگیرد. مانند: «آغاجلار قورودو» ، «سولار کسیلدی».
- البته متداول است که برای هر نوع سوم شخص جمع از فعل مفرد استفاده کنند. مانند: «قوناقلار گلدی» ، «اؤیرنجی‌لر گئتدی» ، «ساتقینلار قاچدی».

• برای فاعلی که ذاتاً جمع است ، فعل مفرد می آوریم. مانند: قوشون، ملت، آرتش، اولوس. مانند: قوشون داغیلدی ، ملت رای وئردی ، آرتش یوگوردو.

جمله کامل و ناقص

جمله کامل را با تعریف فوق پذیرفتیم. جمله ناقص یک جمله دارای اعتبار و مفهوم است که شنونده منظور گوینده را متوجه می شود اما اجزای اصلی یک جمله کامل را ندارد. دلیل آن هم این است که شنونده در جملات قبلی یا پیش زمینه قبلی ، اجزای جمله مانند فاعل یا مفعول یا حتی فعل را می شناسد. اینگونه جملات غالباً در جواب یک سؤال گفته می شود.

برای نمونه ممکن است ابتدا نپذیریم که «بازارا» جمله باشد اما اگر بدانیم که این جمله در مقابل سؤال: «آنام هارا گئندی؟» گفته شده است ، متوجه می شویم که این جمله باید در اصل «آنام بازارا گئندی» باید باشد که به خاطر ذهنیت داشتن گوینده و شنونده از فاعل و فعل ، این دو جزء اصلی حذف شده است. به همین ترتیب شخصی به دیگری می رسد و درباره ساعتی که گم کرده بود و دنبالش بود، می گوید: «تاپدیم». در واقع باید بگوید: «ساعتی تاپدیم» که به خاطر ذهنیت داشتن شنونده از موضوع گم شدن ساعت، آنرا از جمله حذف می کند. او حتی می تواند بجای «تاپدیم» بگوید: «ساعتی تاپدیم» و یا آنرا تفصیل دهد و بگوید: «بالاخره بویون صبح ناماز قیلاندا حوض باشیندان ساعتی تاپدیم».

تمرین

- ۱ - نوع این جملات را از نظر مفهومی تعیین کنید:
نیگار مدرسه‌یه گئتمه‌دی - کیم بویون مدرسه‌یه گئتمه‌یبیدی - نیگار! تنز اول مدرسه‌یه گئتگیلن
- ۲ - کدامیک از این جملات امری نیست؟
اولار سا بویون بازارا گئدک - نه اولار بویون منی‌ده بازارا آپارسان؟ - دور بازارا گئدک - بازارا گئدیرسنمی؟
- ۳ - کدام جمله فعلیه نیست؟
امتحان وئرمیش‌ایدی - امتحان جلسه‌سینده‌ایدی - امتحانا گئدیر‌ایدی
- ۴ - فعل و فاعل کدام جمله هماهنگی ندارد؟
هامیمیز گئتدیک - سولار قورودو - مردم بویون رای وئردی - ائلدار ایله گئتدیم - ایکیز بورایا گل
- ۵ - کدام جمله صحیح است؟
بانکلار بو آیدان ملی کارت‌لاری ایسته‌یه‌چکلر - بانک‌لار ملی کارت‌لاری بو آیدان ایسته‌یه‌چکلر

درس پانزدهم : تبدیل حروف

چرا حروف تغییر می کنند؟

زبان ترکی ، زبانی بسیار ملودیک و هارمونیک است که شنونده از شنیدن آن حتی اگر سر در نیآورد ، لذت می برد. در زبان ترکی بجای آنکه حلق و زبان و لب خود را با کلمات سازگار سازند ، این کلمات هستند که خود را چنان تغییر می دهند که اعضای ادا کننده حروف به زحمت نیافتند. هرچند قواعد و قوانین زبان ترکی همگی دست در دست هم داده اند تا زبانی ملودیک خلق کنند ، اما باز شاهد تغییراتی در واژه ها هستیم که خود را برای ادای آسان آماده می کنند. چراکه تمامی آواها و حتی حروف ترکی از لحاظ قرارگیری در کنار هم تابع نظمی خاص هستند. خصوصاً بسیاری از کلمات دخیل در ترکی باید تغییر چهره دهند تا در قالب این زبان درآیند. در اینجا به تغییرات و تبدیلات (ابدال) حروف در زبان رسمی می پردازیم و به گفتار عامیانه اشاره نمی کنیم که خود بحثی دراز دارد.

ابدال های مهم (دگیشمه)

• «گ» به «ی»

اگر در هجای اول ، قبل از «گ» مصوتی وجود داشته باشد ، یا در هرجای کلمه «گ» بین دو مصوت قرار گیرد ، به «ی» تبدیل می شود. برای هجای اول مانند: دویمه (دوگمه) ، دیوین (دوگون) ، گوئی (گوگ) ، ایری (اگری) ، دیمک (دگمک). برای بین دو هجا مانند: گنده جه یم (گنده جه گم) ، سوئود (سوگود) ، دییرمان (دگیرمان) ، دئمه یی (دئمه گی)

• «ب» به «م»

به لحاظ راحتی ادای میم این تغییر از ترکی کهن به ترکی امروزی صورت گرفته است. مانند من (بن) ، مین (بین) ، مونو (بونو)

• «نج» به «ش»

هرچند این تبدیل بیشتر در محاوره عامیانه رخ می دهد ، مانند: ساشماق (سانجماق) ، قولوش (قولونج) ، اما تعدادی از این تغییرات را در زبان رسمی پذیرفته ایم. مانند: قیلش (قیلینج) ، قاریشقا

(قارینجقا) ، گولوش (گولونج)

• «نگ» به «ن»

ترکی کهن دارای حرف نون غنه بود که تلفظ آن چیزی بین حروف «ن» و «نگ» بود. این حرف در ترکی آذربایجانی با «ن» جایگزین شده است. مانند: دنگیز(دنیز) ، اؤنگ(اؤنگ). اما کلماتی از ترکی کهن داریم که با همین حالت به فارسی رفته اند ولی در ترکی تغییر چهره داده اند. مانند: درنگ (دیرن، دیرنمک = تأخیر کردن)، بانگ(بان = آواز، بانلاماق = بانگ خروس، بانقیرماق = نعره)

• «ت» به «د»

بخاطر راحتی ادای حرف دال ، بسیاری از حروف تا در ترکی کهن ، در ترکی امروزی به دال تغییر یافته اند. مانند: داراق(تاراق) ، دوز(توز) ، دوشمان(توشمان) ، داش(تاش) ، چاتیر(چادیر)

• «س» به «ز»

نرگیز(نرگیس) ، زیرنا(سیرنا) ، زیغیرچین(سیغیرچین) ، گیریز(گیریس)

• «ق» به «غ»

اگر قاف بین دو مصوت بیافتد ، به غین تغییر چهره می دهد. مانند: آیاغیم(آیاق) ، قویروغو(قویروق) ، قولاغی(قولاق)

• «غ» به «و»

اگر غین مابین دو مصوت «او» قرارگیرد به حرف واو تبدیل می شود. در کلام عامیانه نیز حرف واو را به صدای «او» تبدیل کرده و سه صدای مشابه در کنار هم را با اطاله صدا جبران می کنند. ولی اشتباه نکنیم «و» وسطی حرف است نه صدا. مانند: دوووز(دوغوز) ، یوووز(یوغوز) ، اوووز(اوغوز)

• «ک» به «گ»

گنچی(کنچی) ، گنچمک(کنچمک) ، گوئیول(کونول)

• «ی» به «ا»

این تغییر نیز برای ساده سازی واژه های کهن ترکی است. مانند: اوز(یوز) ، اورک(یورک) ، ایل(ییل) ، اولدوز(ییلدیز) ، ییلان(ایلان)
جابجایی حروف

اگر بخاطر تلاقی بعضی حروف در یک کلمه دچار مشکل تلفظ شویم ، حروف می توانند جابجا شوند. البته تعداد این نوع جابجائی ها اندک است اما قابل تأمل است. مانند:

• «تس» به «ست»
توستو(توتسو) ، یاستیق(یاتسیق) ، دوستاق(دوتساق)

• «گس/اکس» به «سگ/اسک»
دیسکین(دیکسین) ، اسکیک(اکسیک)

• «گر» به «رگ»
اؤرگن (اؤگرن) ، ایرگنمک(ایگرنمک)

• «پر/بر» به «رپ/ارب»
یارپاق(یاپراق) ، تورپاق(توپراق) ، توربا(توبرا)

اسقاط حروف(دوشمه)

گاهی حرفی از انتهای کلمه افتاده و کلمه جدید مستقلاً پذیرفته می‌شود. این اسقاط مربوط به حرفی از پیوند است نه بن کلمه. مثلاً «ق/ک» از انتهای پیوند «اق/ک» ساقط شده و یک پیوند جدید بصورت «آ/ا» به وجود می‌آید. همین اسقاط ممکن است روی پیوند «یق/یک» و امثالهم اتفاق بیافتد. از این نمونه می‌توان گفت: دورو(دوروق) ، قالی (قالین) ، یاری(یاریق) ، اودا(اوداق)

تشدید

در زبان ترکی اگر از دو حرف مجاور مشابه، اولی ساکن باشد، قاعده تشدید رخ می‌دهد و آن حرف با شدن ادا می‌شود. مانند: پلولو، دیلنمک، یومماق، دوققوز، یئددی، آلالداق
این دو حرف مجاور ممکن است در یک کلمه نباشند. مانند: قیش شاختاسی، گؤزون نورو
اما تشدید دیگری که از تلاقی دو حرف متجانس رخ می‌دهد نه دو حرف مشابه. حروفی مانند س - ز، ن - م، ر - ل، و - ب و غیره اگر در کنار هم بیایند و اولی ساکن باشد، قاعده تشدید رخ می‌دهد، طوریکه اولی حذف شده و به حرف دوم تغییر چهره می‌دهد. مانند: سگگیز (سگگیز)، دونماق (دومماق)، وئرلر(وئرلر)، گؤز سویو(گؤسسویو)

البته این اتفاق فقط در تلفظ است و در املا نباید آنرا اعمال کنیم ولی تعدادی از تشدیدهای کنونی ترکی از این علت حاصل شده‌اند و به صورت تغییر یافته آنرا پذیرفته ایم. مانند قیسیسا (قیتسیسا)، ائششک(ائششک)

دگرگونی مصوت‌های ثقیل و ظریف

گفتیم در ترکی امکان ندارد مصوت‌های ثقیل و ظریف با هم بیایند. مصوت‌های یک کلمه یا همگی ظریفند یا همگی ثقیلند. حتی اگر کلمه ترکیبی داشته باشیم ، باز هم ممکن است مصوت‌های آن در هم ادغام شده و هر دو ظریف یا هر دو ثقیل شوند. مانند: بوگون یا بوجور. علاوه بر این ، ممکن است در طول زمان و بنا به لهجه‌های مختلف ، کلمه ای از ثقیلی به ظریفی تبدیل شود یا برعکس. مانند توخماق که در اصل دوگمک بوده است(دوگمک - دوگماک - دووماق - توخماق) ، یا چککوش(چکش در فارسی) که در اصل چاققیش بوده است (چاققیش - چاککیش ، چککیش ، چککوش). چاق در ترکی به معنای بریدن است.

تمرین

- ۱ - طبق قواعد تبدیل این کلمات را ساده تر کنید: من یاناغام ، گنتمه گیم بوخ ، بتلیمی اوغدو
- ۲ - کدام دو حرف برای تبدیل بهم متجانس نیستند؟ ب - م ، س - ز ، ج - ژ ، ب - و ، س - ر ، ت - د
- ۳ - کدام جایجایی صحیح نیست؟ یاستیق(یاتسیق) ، دامجی(داجمی) ، ایرگنمک(ایگرنمک) ، توستو(توسو)
- ۴ - صورت این کلمات قبل از اسقاط چه بوده است؟ آیلا ، دورو ، ایشیقلی ، قاتی
- ۵ - کدامیک نمی توانند با تشدید ادا شوند؟ تئلی ، گوژون نورو ، قیرمیز گول

درس شانزدهم: آیین نگارش

عدم رعایت آئین و ضوابط نگارش، نوشته را معیوب کرده و آنرا سست و بی ارزش می کند. عدم توجه به اصول و قواعد یک زبان باعث کم رغبتی خواننده به نوشته می شود. آیا برای خواننده فرق نمی کند که نویسنده «می خواهم» را «میخواهم» یا «میخاهم» بنویسد؟ قطعاً او با دیدن چنین خطاهائی به نوشته، به دیده تحقیر نگاه خواهد کرد و نوشته، ارزش خود را از دست خواهد داد. متأسفانه به خاطر عدم آموزش زبان ترکی آذربایجانی در ایران، این زبان دارای آئین نگارش مصوب و متقن نیست. همین باعث می شود که عده ای به تقلید از ادبیات جمهوری آذربایجان یا ترکیه روشی را پیش گیرند و عده ای هم به اجتهاد خود آئینی برگزینند و این باعث پراکندگی شده و خواننده را سردرگم می کند.

مثلاً عده ای به تقلید از نگارش فونوتیکی کشورهای همجوار سعی می کنند تمام مصوتها را در نگارش نشان دهند و این مورد درباره فتحه مشکلساز است. نوشتن «گلهجک» بصورت «گلهجک» هم باعث اطلاع نوشتار شده و هم خواننده سردرگم می شود. حذف حروف عربی و تبدیل آن به حروف ترکی (به تقلید از خط لاتین) یکی دیگر از پراکندگی های نگارش ترکی است. عده ای اصرار دارند که «اقتصاد» را «ایقتیساد» بنویسند و خواننده ای که دهها سال با املائی کلمه انس گرفته را به یکباره دچار سردرگمی کنند.

آیا همه اینها صحیح است؟ آیا همه شان اشتباه است؟ کدام را پیش بگیریم؟ قطعاً وقتی این کار متولی ندارد، هرکسی راه خود را پیش می گیرد. آنچه در اینجا هم آورده می شود، باز قانون متقن و قطعی نیست ولی بعضی اصول اولیه از جانب تمام نویسندگان باید رعایت گردد طوریکه عدم رعایت آن موجب طرد آن از جانب خواننده می باشد.

بیشترین هجمه به آئین نگارش از جانب گویشهای مختلف محلی است. در نگارش کنونی ترکی آذربایجانی هیچ خطری بیشتر از گویش گرای، زبان ادبی را تهدید نمی کند. گویشها محترم و عزیز هستند و غنا و گستردگی یک زبان را می رسانند ولی مرز بین زبان محاوره و زبان ادبی باید مشخص گردد. دوّمین خطر و آفت بزرگ زبان ترکی آذربایجان در ایران دخالت ترکیبات زبان فارسی در ترکی است. در این حالت جمله «صادرات بانکی قرض الحسنه وامی وثریر» تبدیل به

«بانک صادرات ، وام قرض الحسنه و تریر» می‌شود. سومین آفت در این باره صحبتها ، مصاحبه‌ها ، سخنرانی‌ها و نطق‌های مسئولین محلی و بدتر از همه گویندگان رادیو و تلویزیون محلی است. به جمله زیر توجه کنید: «دهه فجر امسال ، ششصد و بیست و سه طرح عمرانی در سطح استان افتتاح اولاجاق!». آیا این مسئول محترم نمی‌توانست به جای «اولاجاق» بگوید: «خواهد شد» تا هم خیال ما را راحت کند و هم خیال فارسی زبانها را؟ گوینده تلویزیون می‌گوید: «اذان مغربدن سورا ، استاندار محترم دانشاچاق!» آیا برای او سخت است که بگوید: «آخشام اذانبندان سونرا محترم استاندار دانشاچاق». جالب است که اگر به همین مسئول یا گوینده تلویزیونی بگوئیم دو جمله فارسی بگو ، به نفس نفس می‌افتد. در حالیکه کافیسست در جمله بالا به جای فعل ترکی ، فعل فارسی بگوید. آنچه در شبکه محلی صدا و سیما از زبان گویندگان ناشی و بی‌اطلاع از زبان محلی جاری می‌شود و لهجه شهر یا حتی محله خود را به تمام استان تحمیل می‌کنند ، بزرگترین آفت زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی در ایران است.

آنچه بصورت پراکنده در ۱۵ درس گذشته فراگرفتیم ، زیربنای آئین نگارش است. قطعاً دیگر یاد گرفته ایم «قوشچی ، نماز ، عمر» را «قوشچو ، نماز ، عؤمور» بگوئیم و از کاربرد ترکیبات فارسی (حتی کلمات فارسی) پرهیز کنیم. پرداختن مجدد به این مسائل و اصول اولیه ای که در تمام زبانها رعایت می‌شود ، باعث اطاله کلام ما می‌شود.

در اینجا برای تکمیل گفتار و نوشتار خود تنها به چند اصول دیگر توجه می‌کنیم:

- در زبان ترکی در یک کلمه نمی‌توان هم مصوت ثقیل وجود داشته باشد هم مصوت ظریف. لذا در گفتار و نوشتار کلمات جافتاده‌ای مانند «ایاق» (در اصل آیاق) را باید تصحیح کنیم.
- نیازی نیست مصوت فته را در تمام کلمه ظاهر کنیم. خواننده می‌تواند «سپه‌لنمک» را بخواند و متوجه شود. دیگر نیازی نیست آنرا بصورت «سه‌پله‌نمک» بنویسیم.
- حروف عربی و حتی املائی کلمات عربی تا حد ممکن باید حفظ گردد. لذا صحیح نیست بنویسیم: رمنان ، زاهیر ، ایقتیساد ، ایشتیباه. بلکه همان رمضان ، ظاهر ، اقتصاد ، اشتباه ، هم برای خواننده آشنا است و هم قابل تلفظ. قطعاً یک خواننده در خواندن متن ترکی ، «اشتباه» را «ایشتیباه» می‌خواند و نیازی به تحمیل این املا به او وجود ندارد.
- کلمات عربی و فارسی که باید تغییر شکل دهند تا در قالب ترکی بیایند ، باید با شکل تغییر کرده نوشته شوند. مانند: عؤمور (عمر) ، قایدا (قاعده).
- در نوشتار کلمات اصیل ترکی نباید حروف عربی را دخالت دهیم. لذا نوشتارهای مانند اصلان (أسلان) ، اطو (اوتو) ، اطاق (اوتاق) اشتباه است.

• در نوشتار ترکی ، کلمات اصیل ترکی را که وارد زبانهای دیگر شده اند ، باید به همان صورت اصیل ترکی بنویسیم. مانند: قالا(قلعه)، بوشقاب(بشقاب)، قاشیق(قاشق)، ساچما (ساجمه)، اومود(امید)، کوّمک(کمک).

در گفتار و نوشتار اشتباهات خود را بدین صورت تصحیح کنیم:

- اگر اونو منه وئره (اونو منه وئرسه)
- درسده دوشدو چونکی اوخوما میشدی (اوخوما ماغی ایچین درسده دوشدو)
- منیم کیتابیمی وئر وگرنه داداشیما دئیهرم(منیم کیتابیمی وئر یوخسا داداشیما دئیهرم)
- اونو وئر دیم تا باشیمدان آچیللا (باشیمدان آچیلماغا گۆره اونو وئر دیم)
- بورادان تا تبریزه ایکی ساعات یول دور (بورادان تبریزه دک ایکی ساعات یول دور)
- بو ائو یاخشی دی تا او بیرسی (بو ائو او بیرسینه گۆره یاخشیراق دی)
- کیتاب کی اوخویورسان نه دیر؟ (اوخودوغون کیتاب نه دیر؟)
- آیا او درسی باشا دوشدون؟ (او درسی باشا دوشدون مو؟)
- به قول آتام: آختاران تاپار (آتام دئمه لی: آختاران تاپار)
- اوز به اوز(اوز اوزه)، گۆز به گۆز(گۆز گۆزه)، دال با دال(دال دالا)
- بالاخره آلاجاغیمی آلدیم (آنجا ق آلاجاغیمی آلدیم)
- ناواخت سنی گۆره بیله رم؟(هاچان سنی گۆره بیله رم؟)
- هم من گندیم هم سن(منده گندیم سنده)
- نه من گندیم نه سن(منده گنتمه ییم سنده)
- فارسی دانیشمادی ، ترکی دانیشدی(فارسجا دانیشمادی ، تورکجه دانیشدی)
- بو مدرسه اوبیریسینه گۆره یاخینتر دی(بو مدرسه اوبیریسینه گۆره یاخینراق دی)
- چون اوچور دئدی گنتمه دیم(اوچور دئدیگی ایچون گنتمه دیم)
- تا او واردی من یوخام (او وارکن من یوخام)
- من گندیرم تا او گله(او گلمه گه گۆره من گندیرم)
- هر کس گندیر گنّسین(کیمسه گندیر گنّسین)
- هر کس گلمه یه چک ، گنّسین(گلمه ینلر گنّسین)
- بو ایل نسبت به بیلدیر ایستی دی(بو ایل بیلدیره گۆره ایستی دی)

- هرکس کی پای وئره جک وئرسین (پای وئرئلر وئرسین)
- او اؤیرنجی کی درس اوخوما میشدی دوشدو (درس اوخوما یان اؤیرنجی دوشدو)
- من دئمیشدیم کی گله (من گلمه گین ایسته میشدیم)
- اتوبوس دان پیاده اولوب هوا پیمایا سوار اولدوم (اتوبوس دان یئنیب هوا پیمایا میندیم)
- همینکه ایناز گلدی ، ناهار یئدیک (ایناز گله لی ناهار یئدیک)
- سفارش ائله دیم غذا گله (تاپیشیردیم غذا گله)
- هرگز اورایا گنتمه رم (ورایا گنتمزم)
- کاش کندیمیزه گنئدیدیگ و نئچه گون دولانئیدیگ (کندیمیزه گنئدیدیگ و نئچه گون دولانایدیگ)

نمونه ای از یک متن ترکی ناصحیح

سید ابوالقاسم نباتی ، مشهور به خان چوبان و مجنون شاه ، بیسیم اولو شاعیریمیز ، سال ۱۱۷۹ شمسی ده ، کلئیرین اوشتوبون کندینده آنادان اولوب سال ۱۲۳۰ ده وفات ائیله دی . اونون آدی ادبیات تاریخیمیزده فضولی ایله برابر اولور . ادبیات کلاسیک رسمی ده اونون کیمی اورکلرده نفوذ ائدن و شعرلری خلق دیلی نین ازبری اولان شاعیر آز تاپماق اولار . نباتی اؤز زندگانلیغیندا جنگهای خونین ایران و روسی گؤرموشدو . شعرلرینده آذربایجاندا اتفاق دوشن فجایع جنگی دن ده تأثیرات تلخ آلمیش دیر :

بو چؤل اولموشدا منیم باشیما چوخ ایش گلدی / چاتمیش یایا خبر گتدیلر کیم قیش گلدی

نمونه ای از یک متن ترکی صحیح

سید ابوالقاسم نباتی ، خان چوبان و مجنون شاه لقبی ایله آدلانان اولو شاعیریمیز ، ۱۱۷۹ نجو گون ایلینده ، کلئیرین اوشتوبون کندینده آنادان اولوب ۱۲۳۰ نجی ایله دونیادان گؤز اؤرتدو . اونون آدی ادبیات تاریخیمیزده فضولی ایله یان یانا چکیلیر . رسمی کلاسیک ادبیاتیمیزدا اونون کیمی اورکلرده نفوذ ائدن و شعرلری خلق دیلی نین ازبری اولان شاعیر آز تاپماق اولار . نباتی اؤز یاشادیغی ایللرده ایران - روس قانلی ساواشلارین دا گؤرموشدو . شعرلرینده ایسه آذربایجاندا اوز وئرن ساواش فاجیعه سیندن آجی تأثیر آلمیش دیر :

بو چؤل اولموشدا منیم باشیما چوخ ایش گلدی - چاتمیش یایا خبر گتدیلر کیم قیش گلدی (دکتر صدیق ، دیوان ترکی نباتی)

تمرین

۱ - جملات زیر را اصلاح کنید:

اگر اونو منه وئرسه لر ، هر گون شوکر اندهرم

الان بازار کار یاخشی دیبر

منیم کیلاسلا ریم بعد از ظهر دی

۲ - این متن را به ترکی برگردانید:

یوسف خاص حاجب ، در سال ۴۱۲ قمری در شهر بالاساغون چین متولد شد. در سال ۴۶۲ قمری و در ۵۰ سالگی نخستین دیوان ترکی به نام قوتادغوبیلیک را به نظم کشاند. این دیوان در مورد مسائل اجتماعی ، اخلاقی و علوم حکومتداری است.

۳ - این متن ترکی را اصلاح کنید:

اویغور تور کلری قبل از اینکه گۆی تور کلره تابع اولالار ، سال ۶۰۶ میلادیه جک یئنی سیده زندگانلیق ائدیردیلر. اونلار ۷۴۵ میلادی ده گۆی تورک حکومتین داغیدیب خاقان اویغوری حکومتین تیکدیلر. اونلار اویغور خطین رسمی ائتدیلر. بو خط قرن ۱۶ اجاق دونیادا گئنیش صورتده یازیلیردی.

۴ - این کلمات دخیل را ترکیزه کنید: زجر ، سراب ، عمر ، صاحب

۵ - سوره توحید را به ترکی برگردانید.

بسم الله الرحمن الرحيم. قل هو الله احد. الله الصمد. لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

یاسغ به سئوالات درسها

درس اول:

۳- فینی، ساموئید، خاوردور، تونقوز، مغولی، ترکی. ۴- زبانهای اورال - آلتای و در شاخه ترکی. ه- قزاقی.

درس دوم:

۱- غنچه/باز: او؛ او؛ غنچه/بسته: او؛ او؛ غیر غنچه/باز: آ، ا، ائ؛ غیر غنچه/بسته: ای، ای. ۲- انه، او، او. ه- مصوت‌های ا - ان.

درس سوم:

۳- شعر و کلمات دخیل. ۴- دفین، زهر، صؤحبت، آمان، قورو، داوا. ه- آسم، بند، درج، شرق.

درس چهارم:

۱- پنجره. ۲- پرداختن (پارداخلاماق = صیقلی دادن). ۳- یاواش (یاوا)، بینما (یینماق)، قاهر امان (قاهرماق)، سئودا (سئومک)، سورات (سورماق)، دوگمه (دوگمگ)، بانگ (بان). ۴- باشلیق، باشلی، باشسیز، باشلا، باشقان. ه- چون کلمات دارای بن هستند.

درس پنجم:

۱- ایشچیل، چؤلچول، داغچیل، قوناچیل، قوشچؤل، دیلچیل. ۲- سۆزلوک ۳- باشلا بیش ۴- کلین ه- انولرده

درس ششم:

۲- ایچمک فعل اصلی است و بقیه مشتقی. ۳- به ترتیب: یتر، قات، سۆز، دیل، دیل، قاز. ۴- به ترتیب: ترک اتمک، دیش ائلمک، یاغ ائلمک، دار اولماق. ۵- این پیوند برای ساختن افعالی با صدهای غیرمتعارف است.

درس هفتم:

۱- لازم: دورماق، اوچماق. ۲- با پیوند «دیر». ۴- دانیشماق. ۵- آلان فاعلی و بقیه مفعولی هستند.

درس هشتم:

مطابق جداول مربوطه

درس نهم:

مطابق جداول مربوطه

درس دهم:

۱- گۆزلوک، آغاجلیق، آنالی، قیچسیز. ۲- یاشار، گلین، ایجلی، آغلانتی. ۳- اوزون اوغلان، مین تومن، قاراداش، یای قاش، آغیر یوک. ۴- خیاولان. ۵- سنودا.

درس یازدهم:

۱- ساری، ساریاق، ان ساری، ساپ ساری، ساریمتیل. ۲- اولومتول، اولوم سوو. ۴- ساوادلی- هنرلی ... ۵- ساوادلی- ساوادسیز ...

درس دوازدهم:

۴- بیزیم ائو تک ائو ایدی، بیزیم ائو کیمی ائو ایدی، بیزیم ائو اوخشار ائو ایدی، سانکی بیزیم ائو ایدی، بیزیم ائو بنزر ائو ایدی، ائله بیل بیزیم ائو ایدی ... ۵- نه ایچون قوناقلینا گئتمه دین؟، نه دن اوترو قوناقلینا گئتمه دین؟، نه یه گۆره قوناقلینا گئتمه دین؟

درس سیزدهم:

۴- ۲۵ فاییز، یوزه ۲۵، یوزدن ۲۵. ۵- قند را دو تکه کردم تا دوبار چایی بخورم.

درس چهاردهم:

۱- به ترتیب: خبری، استفهامی، امری. ۲- آخری استفهامی و بقیه امری (یا خواهشی). ۳- جمله وسطی. ۴- آخری. ۵- اولی.

درس پانزدهم:

۱- یاتاچایام، گئتمه ییم، اوودو. ۲- س - ر. ۳- دامجی (دامجی). ۴- قاف از انتهای همه افتاده است. ۵- قیرمیز گول

درس شانزدهم:

۴- زجیر، ساراب، عؤمور، صاحب (یا صاحب).

منابع و مراجع:

- محمدزاده صدیق ، سیدحسین ، آموزش زبان ترکی ، جزوه درسی
- زهتابی ، محمدتقی ؛ معاصیر ادبی آذری دیلی ، انتشارات آسینا ، تبریز ، ۱۳۷۰.
- هادی ، اسماعیل ، ترکی هنر است ، انتشارات احرار ، تبریز ، ۱۳۷۴.
- نیایش ، امید ، آلتای لارادان سه‌ن‌دیمیزه ، تهران ، ۱۳۸۲.
- فرزانه ، محمدعلی ، «میانی دستور زبان ترکی آذربایجانی» ، نشر فرهنگ ، ۱۳۷۱.

گزیده ای از کتابهای منتشر شده ی پینار :

- ۱- افسانه های بزرگوش - میکائیل رسولزاده
- ۲- گونش (مجموعه شعر ترکی) هوشمگ جعفری چاپ سوم
- ۳- قواعد زبان ترکی - میرزا بابا طبیب آشتیانی (تصحیح ، تحشیه و مقدمه: دکتر حسین محمد زاده صدیق)
- ۴- یاریم یاردیر - یاریم یارا حسین رزمی مجموعه شعر ترکی (به دو خط لاتین و فارسی)
- ۵- اوچان قوشلار سن اوخویان ماهنی لاردیر - حسین رزمی مجموعه شعر ترکی (به دو خط لاتین و فارسی)
- ۶- ساده سن و گوژل بیر سلام کیمی - حسین رزمی مجموعه شعر ترکی (به دو خط لاتین و فارسی)
- ۷- حیدربابا - با ترجمه منظوم گیلکی - سیامک سلیمانی روشن - چاپ دوم
- ۸- مشاهیر و مفاخر میانه محمدصادق نائبی
- ۹- نصاب صادق (ساده ترین روش برای آموزش زبان ترکی)
- ۱۰- گیزلین محبتیم - شریفه جعفری - (مجموعه شعر ترکی) چاپ دوم
- ۱۱- من چینمندن بیتره قویدوم دونیانی - حسین باغیر اوغلو - ترجمه : شریفه جعفری (چاپ دوم) (به دو خط لاتین و فارسی)
- ۱۲- سیری در سهندیه استاد شهریار با ترجمه منظوم فارسی مسعود احمدی
- ۱۳- زنگان شهری - عباس کریمی (اوخ)
- ۱۴- تا آسمان تا خدا - محمد علی رستمی -
- ۱۵- ال - اله مجموعه شعر (فارسی و ترکی) - کمال ابراهیم خانی - تقی ابراهیم خانی
- ۱۶- من آتامین قیزیام - شریفه جعفری (مجموعه شعر ترکی) - چاپ دوم
- ۱۷- اصلی کرم (ایران مرکزینده یاشایان تورکلرین دیلیندن) - حمید احمد زاده
- ۱۸- تاریخ دالرفان خمسہ - رستم الحکما (محمد هاشم آصف) - با تصحیح : حسن حسینعلی
- ۱۹- آی جالانیر - مجموعه شعر ترکی - نسیم جعفری
- ۲۰- ناز قئید ۱ - (ناغیل مجموعه سی) - نازخند صبحی
- ۲۱- این سیبها بی گناهند - مجموعه شعر فارسی - سیامک سلیمانی روشن
- ۲۲- کال گپ - مموعه شعر گیلکی - سیامک سلیمانی روشن
- ۲۳- شعر وارلیغین انوی دیر - ایواز طاها - چاپ دوم
- ۲۴- رنگ و نوروز در اساطیر ترک - دکتر رشاد گنج - ترجمه : امین روشن
- ۲۵- کیچیک چیلله - ناغیل مجموعه سی - محمد علی نقدی
- ۲۶- ترکی بدانییم (خودآموز زبان ترکی آذربایجانی پینار) - اعظم پیری

